

آموزشی پایداری

رشد



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی



ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای آموزگاران، دانشجویان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره‌ی بیست و هشتم، ادی ۱۴۰۳ | شماره‌ی بی‌دری ۲۲۵ | ۴۸ صفحه
www.roshdmag.ir

۴



الغبای پایداری



مرز نشاط و قرار
دور دنیا با مجلات رشد

ISSN : 1606-9102

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لَا يُسْتَخَفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ

پس ابر آزار و یاوه‌گویی این تیره‌بختان! شکیبایی کن که یقیناً وعده‌ی خدا ادر مورد یاری و پیروزی تو! حق است، و مبدا آنان که یقین ا به وعده‌های حق و بر پا شدن قیامت! ندارند تو را به ناشکیبایی و سبک سری وادارند.

[آیه ۶۰، سوره‌ی روم]



ماهانامه‌ی آموزشی، تحلیلی و
اطلاع‌رسانی برای آموزگاران،
دانشجو معلمان و کارشناسان
وزارت آموزش و پرورش

دوره‌ی بیست‌وهشتم | دی ماه ۱۴۰۳
شماره‌ی پی‌درپی ۲۲۵ | ۴۸ صفحه

www.roshdmag.ir

خانواده‌ی مجلات رشد همه‌ی تلاش خود را کرده است تا این مجله در دسترس عموم جامعه‌ی آموزشی و تربیتی کشور قرار گیرد و همه‌ی مخاطبان در میهن عزیز اسلامی‌مان امکان تهیه‌ی آن را داشته باشند.

قیمت ۱۸۰/۰۰۰ ریال



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی



نشانی کانال رشد آموزش ابتدایی در پیام‌رسان شاد
@roshd_amooshesh_ebtadaei

آموزشی

رشد

فهرست

- ۲ الفبای پایداری | مهدی رضایی
- ۴ روزهای مانا | امیر ذوقی
- ۶ روز نشاط و قرار | رضا دزبخت، مریم خدادادی

آموزش

- ۸ دخالت کمتر، تدریس بهتر | مرضیه قوهستانی
- ۱۱ معلم‌های عروسی | محمد سبحانی، الهه صوری‌فر
- ۱۴ فرصت ناب خطا | سیدعلی عبداللهی حسینی، عذرا بیگم هژبری
- ۱۶ جشن کنجکاوی | فاطمه پاپی
- ۱۸ خوشه‌های خشم | ساجده میرزایی، علی قلعه‌نویی
- ۲۰ روایت رعایت | مهدی میرزایی
- ۲۲ دور دنیا با مجلات رشد | اعظم هارونی، کیمیا محمدی کاشانی

در کلاس

- ۲۴ کاردستی حسابی | مریم جلیلی
- ۲۶ سنجش دانایی و توانایی | حاتیه بیابانی
- ۲۸ وصف بالندگی | سمیه سورانی
- ۳۰ من تو را دوست دارم | اعظم لاریجانی
- ۳۲ سؤال‌های سبز | مریم احمدپور
- ۳۴ کلمه‌بازی! | سحر زمانی

تجربه

- ۳۶ کارگاه نقاشی بچه‌ها (قسمت دوم) | مریم اسدی
- ۳۸ تو میم نم‌رگز | زهره گلزار
- ۴۰ رقابت بی‌رفاقت | مریم عاشق
- ۴۴ توپ آبگوشی | اکرم ابرقوشی

رشد

- ۴۶ قصه‌های رشد | محمدرضا رشیدی
- ۴۸ فوتبال تن به تن | رضا تولانی‌زاده

به نام خدا

اللهم صلِّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجه

مدیر مسئول: محمد صالح مدنی

سردبیر: مهدی رضایی

شورای برنامه‌ریزی: دکتر فاطمه وجدانی، دکتر معصومه فرهوش،

مریم پراکنده، امیر ذوقی، محمد سبحانی

مدیر داخلی: مریم شهرآبادی

ویراستار: زهرا نظام‌الدینی

مدیر هنری: کوروش پارسا نژاد

طراح گرافیک: وحید حقی

دبیر عکس: اعظم لاریجانی

تصویرگر: حسین یوزباشی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷۰

تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸ - ۲۱

۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۲۱ (داخلی ۵۱۱)

نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱

وبگاه: www.roshdmag.ir

رایانامه: ebtedayi@roshdmag.ir

چاپ و توزیع: شرکت افست

صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۳۳۱

تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۶۷۳۰۸ - ۲۱



برگه‌ی اشتراک مجله



nazar.roshdmag.ir



در نقشه، پراکندگی فرهنگی‌پژوهان مشارکت‌کننده از هر استان را در این شماره می‌بینید.



قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

مقاله‌ای که برای درج در مجله می‌فرستید: ● با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشد. ● قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. ● در حد ۱۰۰۰ کلمه و خلاصه‌ای علمی و آموزشی باشد. ● روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد. ● چکیده داشته باشد یا هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عنوان و آثار وی پیوست شود. ● اگر ترجمه است، متن اصلی نیز همراه آن باشد. ذکر این نکته ضروری است: ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌ی رسیده مختار است. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.



الفبای پایداری



پسندیدم



پسندیدم

بی‌نوبت‌ها:

۱. «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ بَاتَ رَهَةً
ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ
مُنْتَقِمُونَ» (سجده/ ۲۲)
۲. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند:
«يُعْتَمَنُ مَجْهُولَتَانِ الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ»
دو نعمت است که ناشناخته است:
امنیت و تندرستی.
روضة الواعظین و بصيرة المتعظین،
محمد بن حسن قتال نیشابوری، ج
۲ ص ۴۷۲، الغصّال، شیخ صدوق،
ج ۱، ص ۳۴؛ بحارالانوار، علامه
مجلسی ج ۷۸، ص ۱۷۰.

زمان‌ها و مکان‌های گوناگون بوده‌اند. این مفاهیم اگر ضرب در میهن‌دوستی شوند، منشأ انرژی غیرقابل محاسبه‌ای می‌شوند که قادر است با دست خالی هشت سال در مقابل دست تمام ابرقدرت‌های دنیا که از آستین رژیم بعثی بیرون آمده است، بایستد و آن حماسه‌ها را رقم بزند.



مهدی رضایی، سردبیر

ز هر که غیر خدا ناامید باید بود
برای فیض شهادت شهید باید بود
شهید ما پر از این حال بود بندگی‌اش
شهید بوده خودش در تمام زندگی‌اش
شهید ما که جهان را پر از تحیر کرد
به خون پرثمرش نان دشمن آجر کرد
همان که ثانیه‌ای از جهاد خسته نشد
مسیر سرخ شهادت به روش بسته نشد
همان که بود زبانه‌زد به غیرت خاصش
جهان به لرزه درآمد از اوج اخلاصش
همان که وقت شهادت به قطره‌قطره خون
نوشته بود «مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ»
شاعر: محمد رسولی

بیوشید رستم سلیح نبرد
به آوردگه رفت با دار و برد
زره زیر بد جوشن اندر میان
از آن پس بیوشید ببر بیان
گرانمایه مغفر به‌سر بر نهاد
همی کرد بدخواهش از مرگ یاد
به نیروی یزدان میان را بیست
نشست از بر رخس چون پیل مست
ز بالای او آسمان خیره گشت
زمین از پی رخس او تیره گشت
برآمد ز هر دو سپه بوق و کوس
زمین آهنین شد سپهر آبتوس
جهان لرز لرزان شد و دشت و کوه
زمین شد ز نعل ستوران ستوه

شاهنامه فردوسی

این روحیات در فرهنگ ما نسل به نسل منتقل شده‌اند. بنابراین در تلاقی این ایام در مدرسه لازم دانستیم کمی در مورد پرورش روحیه‌ی مقاومت در مدرسه طرح بحثی داشته باشیم و ذره‌ای از فعالیت مدرسه‌ها را با هم در بخشی از محتوای این شماره مرور کنیم. در همین ابتدای امر باید اعتراف کنیم که در شناسایی و معرفی این کارها کم‌کاری داشته و موفق نبوده‌ایم. ولی در حد توان خود تلاش کردیم و از شما همراهان همیشگی درخواست داریم یاری‌دهنده‌ی ما باشید و نمونه‌هایی از پرورش روحیات سلحشوری و میهن‌دوستی در مدرسه‌ی خود یا مدرسه‌های دیگر را به دفتر نشریه‌ی رشد آموزش ابتدایی انتقال دهید؛ منتظر تان هستیم.

در این سال تحصیلی هزاران دانش‌آموز فلسطینی و لبنانی از تحصیل در مدرسه و حتی از بدیهی‌ترین حقوق انسانی محروم هستند و برای بقا تلاش می‌کنند. دعا می‌کنیم با نابودی دشمن بدذات صهیونیستی به‌زودی این عزیزان هم وارد مسیر تحصیلی شده و از نعمت سلامتی و امنیت^۲ برخوردار شوند.

تاریخ همچون قطاری در حال حرکت است و در ایستگاه‌های متعدّدش خاطراتی از خود به جا می‌گذارد که وقتی به یادشان می‌افتیم، ناخودآگاه غمگین یا خوش حال می‌شویم. در حافظه‌ی جمعی ما هم خاطراتی هستند که با آن‌ها غمگین یا خوش حال می‌شویم و دی‌ماه عجین شده است با این خاطرات تلخ و شیرین، از زلزله‌ی بم در سال ۱۳۸۲ تا عملیات غرورآفرین مروارید در سال ۱۳۵۹. خاطره‌ی شهری که در لحظه‌ای فروریخت یا زمانی که در یک روز نیروی دریایی دشمن از پا افتاد. از احساس غم عجیبی که بر دلمان نشست تا غروری که هنوز به آن می‌بالیم و خاطراتی از این دست که در دی‌ماه فراوان داریم.

دی‌ماه ۱۳۹۸ خاطره‌ای دیگر را نیز برایمان رقم زد. صبح جمعه ۱۱ دی‌ماه غمی غرورانگیز بر دلمان نشست و با شهادت حاج قاسم عزیزمان همه با هم گریستیم. حاج قاسم رفت و در تشییع باشکوهش مشخص شد که به حق «سردار دل‌ها» است. شهید سردار سلیمانی بذر کارهایی را کاشته بود که سال‌ها بعد ثمراتش مشخص شد. وقتی قدرت‌های بزرگ دنیا عزم خود را برای نابودی مردم مستضعف نهایی کردند، با رویش جوانه‌های مقاومت در طوفان الاقصی بر همگان روشن شد که اثر «شهید سلیمانی» بیش از «سردار سلیمانی» است.

مقاومت، سلحشوری، مردانگی، ایستادگی، پایداری و... مفاهیم پرتکراری در فرهنگ و تمدن ما هستند. همیشه «رستم» و «ارش» و امثال ایشان الگوهای تربیتی ما بوده‌اند و همیشه یاور مظلومان بودن مطلوب ذهنی ما بوده است. این مفاهیم حتما ریشه‌ای عمیق در وجدان انسانی ما دارند که مورد اتفاق نظر ما در

روزهای مانا



امیر ذوقی، کارشناس مدیریت فرهنگی و
آموزگار پایه‌ی سوم ابتدایی

سلام، خدا قوت

یکی از روش‌هایی که می‌توان از طریق آن دل‌نشین‌تر و ماندگارتر آموزش داد، روش جذاب استفاده از تقویم است. این روش دو مسیر کلی دارد:

مسیر اول: جابه‌جایی موضوعات درسی و آموزشی متناسب با تقویم

و کلاس‌مان را برای رسیدن به مناسبتی که در راه است، آماده کنیم و اگر شد، از مباحثی که قبلاً تدریس شده است، در آن مناسبت استفاده کنیم.

در پس این توجه دو هدف نهفته شده است؛ اولی تقویت هویت ملی و مذهبی و دومی استفاده‌ی کاربردی از علوم و مهارت‌های فراگرفته‌شده در درس‌ها برای پرداختن به آن مناسبت. این روش یک پیش‌نیاز اصلی دارد که آن هم دانستن مناسبت‌های پیش روست. به همین منظور، در این بخش مناسبت‌های هر ماه قرار خواهد گرفت و برای برخی از آن‌ها ایده یا تجربه‌ای نقل خواهد شد.

تقویم دی ماه به این شرح است:



تولد یک قهرمان

حماسه‌ی ۹ دی

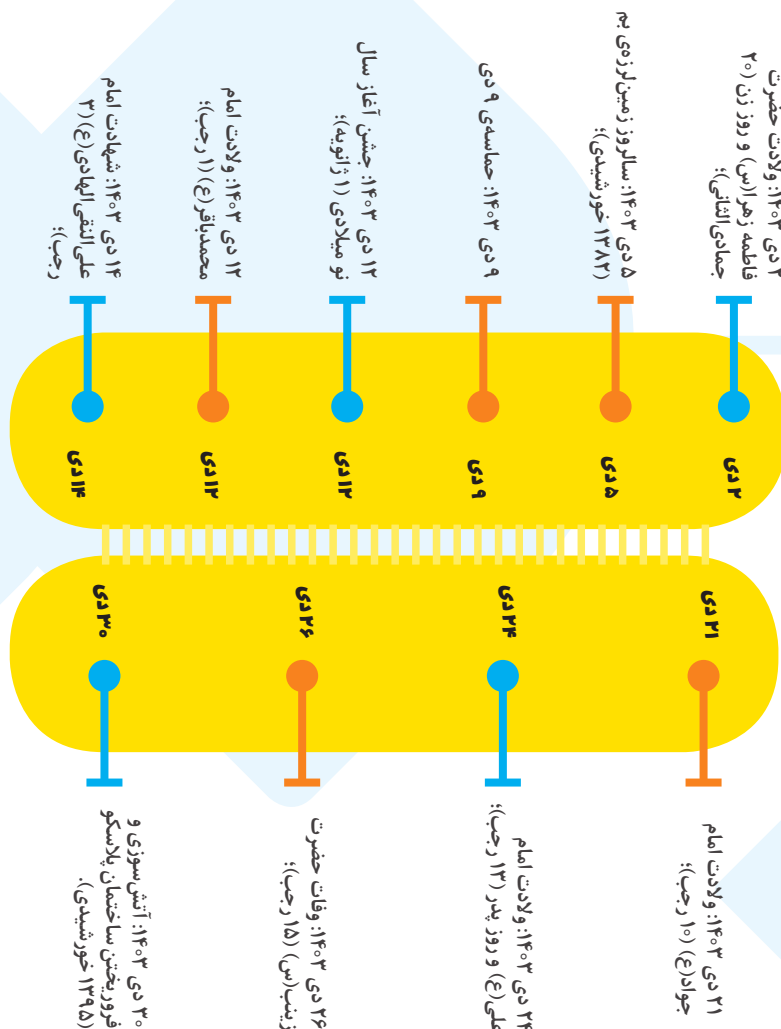
به‌طور کلی یکی از مهم‌ترین کارها، در مناسبت‌هایی که تحت‌عنوان بزرگداشت آمده است، شرح واقعه و توضیح ماجراست. خب، ماجرای نه دی و حماسه‌ای که مردم بعد از عاشورای سال ۱۳۸۸ خورشیدی رقم زدند، چیزی نیست که بتوان ساده از کنار آن عبور کرد. از طرفی اگر بخواهیم مفهوم و وقایع آن را هم به فهم بچه‌های ابتدایی نزدیک کنیم، کار سختی در پیش داریم. اینجااست که رسانه به‌کمک ما می‌آید. کتاب «ایلیا؛ تولد یک قهرمان» مجموعه داستان مصوری است که اخیراً بین بچه‌های دوره‌ی ابتدایی محبوب شده است. تلویزیون هم پویانمایی آن را در دستور کار قرار داده است. در هر قسمت، به‌صورت بسیار لطیف و نرم موضوعات تمدنی ما را به روشی زیبا برای بچه‌ها به تصویر می‌کشد. اگر قرار است برای نه دی از آن استفاده کنیم، خوب است یک هفته قبل‌تر بخش این مجموعه‌ی تلویزیونی را شروع و بعد از دوسه قسمت، کتاب‌های آن را هم در کتابخانه موجود کنیم. بهتر است برنامه‌ریزی به‌گونه‌ای باشد که قسمت موردنظر (قسمتی که در آن گروهی اندک از مردم علیه مسئولان شهر شورش می‌کنند و مشکلاتی مشابه سال ۱۳۸۸ اتفاق می‌افتد)، در تاریخ نه دی اکران شود تا بتوانیم بعد از اکران این قسمت نکات خود را در مورد وقایع آن سال و اهداف دشمنان و علت حماسه‌شدن آن تاریخ برای بچه‌ها بیان کنیم. ذکر این نکته ضروری است که این مجموعه کتاب و پویانمایی‌اش برای بچه‌های چهارم به بالا توصیه می‌شود.



وقتی می‌دانیم تدریس یک موضوع درسی، در مناسبتی خاص، به عمق و لذت بیشتر یادگیری آن کمک می‌کند، پس زمان تدریس آن مبحث را متناسب با تقویم جابه‌جا و هر موضوع را در مناسبت مرتبط با خودش تدریس می‌کنیم. با این روش، نظم کلاس و تدریس ما بر اساس تقویم تنظیم خواهد شد نه فهرست کتاب. چه‌بسا که بتوان از طرح درس‌های خلاقانه‌تر و همچنین تلفیق چند مبحث یا درس هم در آن مناسبت استفاده کرد.

مسیر دوم: تدریس به‌طور عادی اما واکنش مناسب به مناسبت‌ها

در این روش، فارغ از اینکه یک موضوع درسی چه زمانی و چگونه تدریس شده است، خودمان





۲ دی؛ روز مادر

اردویی نیم‌روزی ترتیب دهیم و بچه‌ها را به یکی از مسجدهای محل ببریم و ضمن شرکت در یکی از مراسم‌های مربوط به آن ایام، مثلاً جشن ولادت مولا امیرالمؤمنین (ع)، کمک و خدمتی را هم برای مراسم اعتکاف برنامه‌ریزی کنیم؛ مثلاً دانش‌آموزان در مدرسه تقسیم کار کنند و بسته‌ی افطار یا هدیه‌ای را برای معتکفان آماده و بعد از حضور در مسجد، بین آن‌ها توزیع کنند.

۳۰ دی؛ روز پاسداشت شهدای آتش‌نشان پلاسکو

می‌توان در این تاریخ درس‌هایی را که با موضوع ایثار و فداکاری و شهادت است، تدریس یا تثبیت کرد. می‌توان به ساخت تکه‌فیلم (کلیپ) یا نمایش با دانش‌آموزان با موضوع فداکاری‌ها و شهادت آتش‌نشان‌ها پرداخت. می‌توان به اردویی برای بازدید از یک ایستگاه آتش‌نشانی رفت یا از یک آتش‌نشان خواست تا به مدرسه تشریف بیاورند و روایتگری کنند.

شهرداری تهران و هیئت هنر کار جذابی را در آن ایام انجام داده بود که بسیار مناسب برای فضاسازی و انگیزه‌گرفتن در دوره‌ی ابتدایی است. آن‌ها نمونک‌هایی (ماکت‌هایی) را از آتش‌نشان‌ها در وضعیت‌های گوناگون کمک‌رسانی و همچنین دیگر فداکاران مانند پرستاران و محافظان امنیت و... که به‌جای چهره‌ی آن‌ها از آینه استفاده کرده بودند.

روند ساخت این نوع نمونک‌ها بسیار ساده است. برنوشته (بزرگ) یک در یک از عکس تمام‌قد این شخصیت‌ها چاپ می‌شود. سپس دور تا دور شخصیت‌ها را می‌بریم تا از برنوشته جدا شوند و بعد آن را روی کارتن، چوب یا روی دیوار می‌چسبانیم. سپس یک آینه‌ی بیضی‌شکل را روی چهره‌ی این شخصیت‌ها می‌چسبانیم یا اینکه اگر برنوشته را روی چوب یا کارتن نصب کرده بودیم، جای صورت را به‌صورت بیضی برش می‌زنیم تا بچه‌ها از پشت نمونک صورت خود را در بیضی قرار دهند، به‌گونه‌ای که وقتی از روبه‌رو نگاه می‌کنیم، چهره‌ی بچه‌ها با بدن هر کدام از این قهرمانان نمایان شود.

جدای از فضای بزرگداشت روز ولادت حضرت زهرا(س) که می‌توان آن را مانند آنچه در شماره‌های قبل برای ایام ولادت مطرح کردیم، برگزار کرد، فعالیت‌های زیاد دیگری هم برای روز مادر می‌توان انجام داد. از ساخت هدیه‌ای در مدرسه و بردن و تحویل دادن به مادرها گرفته تا برپایی یک جُنگ با حضور مادرها و غافلگیری آن‌ها با هدیه‌ها یا نمایش و سرودی که فرزندان‌شان آماده کردند؛ اما یکی از جذاب‌ترین ایده‌های روز مادر، اردوی درون‌مدرسه‌ای مادرفرزندی است. این اردو که می‌تواند، هم در زمان مدرسه و هم بعد از ساعت مدرسه، برگزار شود، به شیوه‌های متعددی قابلیت اجرا دارد که در اینجا فقط به ذکر یکی از انواع آن بسنده می‌کنیم.

این نوع از اردوی مادرفرزندی دو بخش کلی دارد؛ بخش بازی‌ها و بخش فعالیت‌ها. ماجرا از این قرار است که مادر و فرزند با هم یا مادرها و فرزندها به‌صورت گروه‌های چندنفره در این اردو شرکت می‌کنند. گروه‌ها در ابتدای اردو می‌بایست چند بازی را که از قبل طراحی شده‌اند، با هم انجام دهند. آن‌ها در هر بازی امتیازی دریافت می‌کنند. بهتر است بازی‌ها طوری انتخاب و طراحی شوند که بردوباخت خیلی در آن معنا نداشته باشد و از طرفی همراهی مادر و فرزند در آن پررنگ باشد. در نهایت، با امتیازهای جمع‌شده به سراغ بخش دوم، یعنی فعالیت‌ها، می‌رویم. مادرها مشغول آماده‌سازی چیزی یا تهیه‌ی غذا یا هدیه‌ی اردو می‌شوند و فرزندان هم به آن‌ها کمک می‌کنند. آن‌ها می‌بایست با امتیازهایی که جمع کرده‌اند، مثل یک بهامهر (ژتون)، خرید کنند و وسایل موردنیاز مادر را به آن‌ها برسانند.

۲۴ تا ۲۶ دی؛ ایام اعتکاف

برخی اولیا در این ایام در مسجدها معتکف هستند. بهتر است برای مراعات احوال آن‌ها در تکالیف منزل دانش‌آموزان قدری تجدیدنظر کنیم. برخی مدرسه‌ها هم برنامه‌ای شبیه به اعتکاف دارند؛ مثلاً برخی اعمال آن ایام را داخل نمازخانه انجام می‌دهند. به‌عنوان فعالیتی پیشنهادی می‌توانیم



مرز نشاط و قرار

تأملی در اهداف تربیتی آموزش قرآن در پایه‌ی دوم ابتدایی

رضا دژبخش

کارشناس ارشد تفسیر قرآن

مریم خدادادی

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

هم می‌تواند در موقعیت‌های گوناگون سوره‌های را تک‌خوانی کند؛ مثلاً هر کس در کاری موفق می‌شود، به عنوان ابراز شادی، سوره‌ای را که مهمان آن هستیم بخواند، یا مثلاً یک برنامه‌ی ثابت تک‌خوانی اول صبح سر کلاس داشته باشیم که هر روز نصیب دانش‌آموز برتر روز گذشته شود. همان‌طور که می‌دانیم آنچه در خواندن سوره، چه هم‌خوانی و چه تک‌خوانی مهم است، القای جذابیت و نشاط است. باید کاری کنیم که خواندن سوره جذاب‌ترین برنامه‌ی کلاس باشد.

در پایه‌ی دوم نیز مانند پایه‌ی اول بازی و فعالیت‌های شاد بسیار مهم است، به‌طوری‌که مثلاً اگر در کلاس اول ۸۰ درصد محتوا را در قالب بازی ارائه می‌دهیم، این میزان در پایه‌ی دوم حدود ۶۰ درصد خواهد بود. بازی‌ها گاهی زندگی یک ساله را در یک ساعت خلاصه و آن را شبیه‌سازی می‌کنند. اگر می‌خواهیم بچه‌ها نکته‌ای را عمیقاً بفهمند، باید بدانیم که این اتفاق در قالب بازی بهتر اتفاق می‌افتد.

نمایش و قصه‌گویی هم بعد از بازی، برای انتقال مفاهیم به بچه‌های کلاس دوم بسیار مفید است. داستان‌ها مفاهیم را برای بچه‌ها درک‌پذیر می‌کنند و پیام مورد نظر ما را مستقیم‌تر از بازی به آن‌ها منتقل می‌کند. نمایش قالبی بین داستان و بازی است که مفاهیم را مستقیم‌تر از بازی و جذاب‌تر از داستان به بچه‌ها منتقل می‌کند و برای دانش‌آموزان پایه‌ی دوم بسیار مناسب است. در ضمن، دانش‌آموزان می‌توانند داستانی یا موضوعی کلی را در قالب نمایش خلاق اجرا کنند. نمایش خلاق را می‌توان برای ارزیابی هم استفاده کرد؛ می‌توانیم در فضای نمایش ببینیم که بچه‌ها چه فهمی از یک موضوع دارند، درباره‌ی آن چگونه فکر می‌کنند و برای حل مسئله‌ای چه راه‌حلی به ذهنشان می‌رسد.

بهترین قالب‌های آموزشی برای پایه‌ی دوم، هم‌خوانی سوره، بازی و نمایش است.

قالب مناسب دیگر در این پایه شعرخوانی است. با شعر می‌توان حال و هوای کلاس را تنظیم کرد. حس سرور، حماسه، امید، محبت و احساسات دیگر را با شعر می‌توان به کلاس القا کرد. شعری که خوانده می‌شود، می‌تواند دربردارنده‌ی پیام سوره باشد.

همه‌ی این قالب‌ها و همین‌طور اتفاقات متعددی که در کلاس می‌افتد یا خودمان ایجاد می‌کنیم، می‌تواند موقعیت گفت‌وگو با دانش‌آموزان را فراهم

مشاهده‌ی محیط سوق داده شوند. با ایجاد جذابیت‌های بصری مفید و جهت‌دهنده در فضای عمومی مدرسه و به‌خصوص در کلاس، می‌توانیم به افزایش دقت و تمرکز دانش‌آموزان کمک کنیم.

همچنین بسیار مناسب است افرادی که با بچه‌های کلاس دوم سروکار دارند، آن‌ها را مورد پرسش قرار بدهند؛ این پرسش‌ها نیز که می‌تواند درباره‌ی مسائل ساده و روزمره باشد، به افزایش تمرکز بچه‌ها کمک می‌کند. خوب است ما که به عنوان آموزگار بیش از دیگران با دانش‌آموز خود ارتباط داریم، بیش از دیگران هم از او سؤال کنیم. اگر دانش‌آموز پایه‌ی دوم از آموزگار خود توجه کافی دریافت کند، ضمن احساس امنیت، توجه خودش هم جلب می‌شود، سر به هوا بودنش مدیریت می‌شود و دقت و تمرکزش افزایش می‌یابد.

در طول سال تحصیلی از تکرار همراه با آرامش و مهربانی آموزه‌ها خسته نمی‌شویم؛ می‌دانیم که این تکرار، نیاز دانش‌آموزان ماست. می‌دانیم قدرت تفکر هنوز در آن‌ها فعال نشده است و کارهایی که فقط فکری باشد، آن‌ها را خسته می‌کند؛ پس لازم است فعالیت‌هایی که برای آن‌ها در نظر می‌گیریم، به اندازه‌ی کافی جنب‌وجوش و تحرک داشته باشد؛ اما در نظر داریم که دانش‌آموزان ما نیاز دارند در طول این سال تحصیلی در قالب همین فعالیت‌های پر تحرک، بالاخره قرار پیدا کنند؛ زیرا سال دوم ابتدایی، دوره‌ی گذار از کودکی و بازیگوشی سال اول به تکلیف‌پذیری سال سوم است.

هم‌خوانی و تک‌خوانی سوره‌ها، هم برای ایجاد انس با سوره، هم برای انتقال پیام سوره و هم برای رشد دانش‌آموزان و شکل‌گیری تغییرات مثبت در آن‌ها قالب بسیار مناسبی است. سوره‌های پایه‌ی دوم نیز مانند پایه‌ی اول، سوره‌هایی کوتاه هستند که می‌توانیم آن‌ها را در جایگاه شعار و سرود کلاس قرار دهیم تا دانش‌آموزان در موقعیت‌های متعدد آن‌ها را هم‌خوانی کنند. یکی از دانش‌آموزان

در مقاله‌ی قبل با مسائل پایه‌ی اول ابتدایی و اجرای فهم قرآن در این پایه آشنا شدیم. در این مقاله قصد داریم همین مسائل را در پایه‌ی دوم بررسی کنیم.

دانش‌آموزان کلاس دوم به لحاظ اقتضائات رشدی شبیه کلاس اولی‌ها هستند. آن‌ها همچنان ضعف و کودکی سال گذشته را دارند، با این تفاوت که یک سال مدرسه رفته‌اند، درس خواندن را تجربه کرده‌اند و خواندن و نوشتن را یاد گرفته‌اند. به همین دلیل کمتر نگران هستند و جسارت بیشتری پیدا کرده‌اند. این مسئله باعث می‌شود بیش از اینکه مظلوم و ضعیف دیده شوند، بازیگوش و سر به هوا به نظر برسند؛ اما اگر بدانیم که این وضعیت، اقتضای طبیعی دانش‌آموزان در این سن است، می‌توانیم برای مواجهه‌ی درست با آن‌ها برنامه‌ریزی کنیم. بسیار مناسب است که به والدین محترم درباره‌ی این شرایط آگاهی بدهیم تا از فرزند کلاس دومی خود ناراضی نباشند و با چشم‌پوشی و گذشت، همچنان حمایت کامل را از او داشته باشند.

دانش‌آموز کلاس دوم، سر به هوا و بی‌دقت به نظر می‌رسد و نیاز دارد ببیند که معلم به او توجه می‌کند.

لازم است در مدرسه نیز اقداماتی برای بالا بردن توجه و تمرکز دانش‌آموزان انجام دهیم. بچه‌های پایه‌ی دوم نیازمند مشاهده و تماشا کردن هستند. مشاهده می‌تواند بی‌دقتی این دوران آن‌ها را تا حد خوبی برطرف کند. به همین دلیل لازم است محیط کلاس و مدرسه برای دانش‌آموزان پایه‌ی دوم، به اندازه‌ی کافی چیزهای دیدنی و مشاهده‌شدنی داشته باشد. از سوی دیگر دانش‌آموزان نیز به اندازه‌ی کافی به دیدن و



در پایه‌ی دوم، ضمن حفظ این تحرک و نشاط، لازم است دانش‌آموزان با مفهوم تنوع و گوناگونی آشنا شوند، به گونه‌ای که در مواجهه با هر پدیده و رخداد، بتوانند جنبه‌های متعدد آن را ببینند؛ مثلاً وقتی در کلاس اتفاق ساده‌ای می‌افتد، بتوانند افرادی که آن اتفاق را رقم زده‌اند و خود آن اتفاق را جداگانه ببینند؛ به علاوه بتوانند تصور کنند و بگویند که این اتفاق به چه شکل یا شکل‌های دیگری می‌توانست رخ بدهد. این توانمندی در پایه‌ی سوم باید به سطحی برسد که دانش‌آموز بتواند علاوه بر درک تمایزها، ارتباطها را هم درک کند و به این واسطه بتواند اتفاقی را تحلیل کند؛ مثلاً در مواجهه با یک درخت، بتواند اجزای درخت، فایده‌های درخت و سیر به‌وجود آمدن آن را هم ببیند. این جداسازی اجزا و درک تمایزها، با جهت‌دهی مناسبی که ما انجام می‌دهیم، به تدریج باعث می‌شود که دانش‌آموزان نسبت به تمایز زیاد و کم، مطلوب و نامطلوب، مهم و بی‌اهمیت و به طور کلی نسبت به تمایز خوب و بد درک پیدا کنند. در واقع هدف تربیتی پایه‌ی دوم همین درک درونی تمایز خوب و بد است.

هدف تربیتی پایه‌ی دوم، دیدن تنوع در زندگی و درک درونی تمایز خوب و بد است.

این هدف در طول سال تحصیلی به تدریج محقق می‌شود. در اوایل سال، باید روی همان بحث تحرک و نشاط پایه‌ی اول تمرکز کنیم، به این صورت که بچه‌ها کارهای بانشاطی را که قرار است انجام بدهند، با دقت و حواس جمع انتخاب کنند؛ به این ترتیب اگر در رسیدن به مقصد سال گذشته نقصی وجود داشته باشد، برطرف می‌شود. از طرفی وارد مسیر تحقق هدف پایه‌ی دوم نیز شده‌ایم. در ادامه، ابتدا به تمایزهای ظاهری‌تر و سپس به تمایزهای عمیق‌تر توجه می‌کنیم. قاعدتاً تشخیص تمایز موضوعات به سطحی می‌رسد که دانش‌آموزان پس از مدتی می‌توانند برای یک موضوع کلی، فهرستی از موضوعات جزئی تهیه کنند و می‌توانند موضوعات و کارها را طبقه‌بندی کنند. آن‌ها باید بتوانند به واسطه‌ی شناخت تمایز کارها، بی‌حوصلگی خود را با انجام کارهای مفید برطرف کنند. دانش‌آموزان پایه‌ی دوم اگر به‌خوبی رشد کنند، در پایان سال تحصیلی کاملاً سرحال و هوشیار هستند و هرگاه صحبت از انجام کارهای مفید به میان می‌آید، برای انجام این کارها اعلام آمادگی می‌کنند.

استفاده قرار بگیرد. این قالب می‌تواند شکل‌های ساده‌ای داشته باشد؛ مانند سرزدن به مغازه‌های محل و دیدن مشاغل، رفتن به بوستان، رفتن زیر درخت داخل حیاط مدرسه، نگاه کردن به آسمان و ابرها، تماشای پرواز یک پرنده و توجه کردن به خاک باغچه و حشرات آن.

باید در نظر داشته باشیم که دانش‌آموزان دبستانی به فطرت نزدیک هستند و ما می‌توانیم با خواندن سوره‌های قرآن و بیان مفاهیم آن‌ها و آشنا کردن بچه‌ها با اهل بیت علیهم‌السلام، در قالب‌های گوناگون، در تمام طول سال تحصیلی و در همه‌ی کلاس‌ها و درس‌ها، در دانش‌آموزان خود القای ایمان کنیم.

هدف تربیتی پایه‌ی دوم

همان‌طور که در مقاله‌ی دوم بیان شد، برای اینکه دانش‌آموزان در پایان دوره‌ی ابتدایی به سطح «خیرگزینی» برسند، در هر سال تحصیلی مقصدی اصلی را دنبال می‌کنیم. در پایه‌ی اول ابتدایی سعی بر این است که نشاط دانش‌آموزان حفظ شود و تحرک طبیعی آن‌ها به‌سمت ابرازهای متنوع جهت‌دهی شود تا بتوانند با دیگران به‌خوبی ارتباط برقرار کنند.

کند؛ اما نباید از این قالب بیش از اندازه استفاده کنیم؛ گفت‌وگو را باید به‌عنوان قالبی خاص برای موقعیت‌های ویژه نگه داریم و در همان موقعیت‌ها هم مختصر و مفید از آن استفاده کنیم. البته ظرفیت بچه‌های پایه‌ی دوم نسبت به کلاس اول برای استفاده از قالب گفت‌وگو بیشتر شده است و می‌توان درباره‌ی برخی از مفاهیم انتزاعی‌تر هم با آن‌ها صحبت کرد. منظور از مفاهیم انتزاعی، مفاهیمی است که فقط به‌وسیله‌ی نشانه‌ها و علائم، قابل شناسایی هستند و مصداق بیرونی مشخصی ندارند؛ مانند معنای کلمه‌ی خانواده که عبارت است از مجموعه افرادی که به‌واسطه‌ی روابطی چون زوجیت و فرزندی در کنار هم قرار دارند. در همه‌ی سوره‌هایی که در این پایه کار می‌شود، مفاهیم انتزاعی مانند «باهم‌بودن»، «قدرت خدا»، «اخلاق خوب» و... وجود دارد.

همچنین نقاشی برای اینکه بچه‌ها بتوانند درونیات خود را ابراز کنند، مناسب است. در کلاس اول هم نقاشی کشیدن خوب است؛ اما شاید در کلاس دوم به‌دلیل بالا رفتن نسیج درک انتزاعی بهتر باشد.

ارتباط با محیط‌زیست هم می‌تواند برای تنوع‌دادن به برنامه‌های کلاس گاهی مورد



نیازهای فرزندان برای فهم قرآن در دوره‌ی اول ابتدایی



دخالت کمتر تدریس بهتر

مرضیه قوهستانی
کارشناس آموزش ابتدایی

در حدود دو سال است که نام و آوازه «الف‌تا» در بین اهالی تعلیم و تربیت به گوش می‌رسد. رویدادی با هدف نمایش و ارزیابی تجربه‌ها و ایده‌های موفق حوزه‌ی آموزش و پرورش و فرصتی برای به اشتراک گذاشتن ایده‌های ناب و مناسب.

الف‌تا ساز و کاری است که بازمین‌سازی خلق روایت‌های تربیتی، قله‌سازی از قهرمانان تربیتی (انتشار روایت‌های الهام‌بخش) و ایجاد بستر تعامل و هم‌افزایی معلمان، مدیران و فعالان تربیتی سراسر کشور به دنبال زمینه‌سازی برای حرکت و کنش جمعی معلمان در سطح مدرسه است. آقای حمیدرضا دهقانی یکی از معلمان برگزیده‌ی دومین جشنواره‌ی الف‌تا است. ایشان موفق به کسب رتبه‌ی دوم کشوری در بخش تک تجربه‌ها، محور یاددهی یادگیری دوره‌ی ابتدایی، شده‌اند. در ادامه، گفت‌وگو با این معلم خلاق را می‌خوانیم:

■ لطفاً مختصری درباره‌ی خودتان صحبت کنید و بفرمایید چه شد که وارد حرفه‌ی معلمی شدید؟

بنده حمیدرضا دهقانی متولد سال ۱۳۷۹ و فارغ‌التحصیل دانشگاه فرهنگیان هستم. امسال در پایه‌ی پنجم ابتدایی مدرسه‌ی دکتر حسابی، ناحیه‌ی ۲ شیراز، در سمت آموزگاری مشغول به کار و در دوره‌ی کارشناسی ارشد، رشته‌ی برنامه‌ریزی درسی، در دانشگاه شیراز مشغول به تحصیل هستم.

من در خانواده و اقوام با معلمان در ارتباط بودم، اما حقیقتاً شناخت کافی به این حرفه نداشتم و فقط چون در نتیجه‌ی آزمون سراسری، برای انتخاب رشته، در دانشگاه فرهنگیان مجاز شده بودم، این رشته را انتخاب کردم و حتی در دوره‌ای که در دانشگاه فرهنگیان حضور داشتم، زمان‌هایی احساس می‌کردم نمی‌توانم از پس سختی‌های این حرفه بربیایم. در خاطرم هست که در ارائه‌ی مطالب کلاس‌هایم در دانشگاه، گاهی به مشکل برمی‌خوردم و هیچ وقت فراموش نمی‌کنم که در یک تدریس، از ۵ نمره، فقط ۰/۲۵ نمره را دریافت کردم و همین موضوع نقطه‌ی عطفی در حرفه‌ی معلمی برای بنده بود. همان استاد، همان لحظه و همان کلاس سرآغازی شد که بنده با انگیزه و تلاش برای پرورش مهارت‌های معلمی در خودم





مفهوم موردنظر برسند و به‌عنوان یک آموزگار به سبک‌های متعدد یادگیری نیز توجه داشتیم.

■ چه هدفی را از شرکت در این رویداد دنبال می‌کردید و در این مسیر چه موانعی داشتید؟

یکی از تجربه‌هایی که بنده در این رویداد کسب کردم این بود که در این عرصه، رقابت آن چنان معنایی نداشت و بنده و سایر همکاران تجربه‌های مفید خود را با یکدیگر به اشتراک می‌گذاشتیم و این بهترین مشوق و انگیزه برای من بود. می‌توانم به جرئت بگویم که الفتا برایم مثل یک کلاس درس بود. من در این رویداد مطالب متعددی از معلمان سراسر ایران یاد گرفتم.

بزرگ‌ترین موانعی که سر راه بنده و سایر همکاران قرار داشت، فقدان برنامه‌ی مشخص و بی‌اطلاعی از مراحل برنامه بود. همچنین فردی به‌عنوان راهنما در کنار ما قرار نداشت که تجربه‌ی حضور در این عرصه را داشته باشد.

■ توصیه‌ی شما به سایر معلمان چیست؟

توصیه‌ای که به معلمان عزیز دارم این است که با حضور حداکثری در این جشنواره در سال‌های آتی و هم‌اندیشی با یکدیگر به ارتقای کیفیت آموزش و پرورش در جامعه کمک کنند. بی‌شک حضور در این جشنواره ایده‌های ناب و خلاقانه در اختیار معلمان و فعالان حوزه‌ی آموزش و پرورش قرار می‌دهد که می‌توانند آن را در کلاس درس و مدرسه‌ی خود به کار بگیرند.

فیلم تدریس را همراه با طراحی آموزشی مرتبط در وبگاه این رویداد بارگذاری می‌کردیم. بعد از بررسی و داوری در سطح منطقه و استان، نفرات برتر همه‌ی استان‌ها در سطح کشور به رقابت پرداختند. امسال بالغ بر ۱۷ هزار اثر در محورهای گوناگون فیلم و تجربه، بارگذاری شده بود و نفرات برتر هر رشته در برج میلاد تهران وارد مرحله‌ی حضوری شدند.

بنده موضوع ریاضی پنجم ابتدایی و مبحث محیط دایره را تدریس کردم و جزو برگزیدگان ریاضی دوره‌ی دوم ابتدایی انتخاب شدم.

■ کدام فعالیت شما در الفتا موردتوجه داوران و بازدیدکنندگان قرار گرفت؟

چیزی که موردتوجه بازدیدکنندگان و داوران قرار گرفت، استفاده‌ی بنده از دست‌سازها با استفاده از مواد دورریختنی و تلفیق هدفمند درس‌ها و ایجاد انگیزه‌ی مناسب برای دانش‌آموزان بود.

■ به نظر شما تدریس موفق و کارآمد چه مؤلفه‌هایی دارد؟

بی‌شک یک عامل در تدریس مؤثر دخیل نیست، بلکه مجموعه‌ای از عوامل دست‌به‌دست هم می‌دهند تا یک تدریس کارآمد شکل بگیرد؛ اما به نظر بنده تدریسی مؤثر است که آموزگار در آن کمترین نقش را داشته باشد و فقط تسهیلگر جریان یاددهی‌یادگیری باشد. من تلاش کردم به‌گونه‌ای تدریس کنم که خود دانش‌آموزان با تلاش و کار گروهی به درک

بیشتر وقت بگذارم.

در حقیقت استاد درس ریاضی دانشگاه فرهنگیان، سرکار خانم ناظم عاشورا، با کلاس فعال و پویایی که داشتند، خلاقیت را به بنده یاد دادند و علاوه بر آن در کنار مباحث درسی، هنر معلمی را به ما گوشزد می‌کردند و همه چیز از آنجا شروع شد.

■ از چه طریقی با رویداد الفتا آشنا شدید؟

شرکت در جشنواره‌ی الفتا به‌صورت بخشنامه به مدرسه‌ها ابلاغ شد. سرگروه آموزشی ناحیه با توجه به شناختی که از من داشتند، مشوق بنده در این مسیر بودند؛ به دلیل اینکه سال گذشته در طرح شهید همت در استان، رتبه‌ی اول تدریس را کسب کرده بودم.

■ تجربه‌ی خودتان را از شرکت در رویداد الفتا شرح دهید.

الفتا؛ یعنی الفبای تحول. الفتا همان پنجره‌ی رو به آینده و تحول است که اگر به‌نحو احسن به آن توجه شود، می‌تواند نقشه‌ی راهی برای نظام آموزشی و پرورشی ایران باشد. الفتای امسال در راستای ساخت‌های گوناگون سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و در محورهای متعدد برگزار شد.

بخشی که بنده در آن شرکت کردم، محور «یاددهی‌یادگیری» یا همان «تدریس‌برتر» بود. برای شرکت در این جشنواره، ابتدا باید



معلم‌های عروسکی

محمد سبحانی

کارشناس مددکاری اجتماعی و عضو

بنیاد تعلیم و تربیت برهان

الهی صوری‌فر

کارشناس معماری و عضو بنیاد تعلیم و تربیت برهان

و به یاد مرحومه فرزانه پزشکی^۱

در این مقاله می‌خواهیم نمونه‌ی دیگری از طرح درس‌های مسئله‌محور را در قالب نمایش برایتان مثال بزنیم.

یادآوری

طرح درس نمایش‌محور یکی از روش‌های طرح‌درس‌نویسی است که در آن، دانش‌آموزان درگیر نمایش می‌شوند و متناسب با آن، کارهای گوناگونی انجام می‌دهند و نمایش را دنبال می‌کنند. مربی می‌تواند با توجه به خلاقیتش نمایش را به گونه‌ای طراحی کند که بچه‌ها آن را پیش ببرند یا اینکه داستان از پیش تعیین‌شده‌ای را برای نمایش در نظر بگیرد و بچه‌ها فقط درگیر نمایش شوند و از آن لذت ببرند و کاربرد برخی از درس‌هایشان را ببینند. نمایش انواع متعددی دارد؛ مثل نمایش عروسکی، نمایش صوتی، نمایش تصویری و... در این مقاله می‌خواهیم به طرح درس‌هایی با قالب نمایش عروسکی بپردازیم.

گلی و یحیی در گل‌آباد^۲

اهداف آموزشی: کمک به آموزش محتوای کتاب‌های فارسی و ریاضی اول و دوم ابتدایی. قبل از اینکه وارد طرح درس بشوم، دوست دارم ماجرای این نوع تدریس را برایتان بگویم. خوب، سال‌های اول تدریس در دوره‌ی ابتدایی بود و تازه داشتم با این پایه و دانش‌آموزان این سن آشنا می‌شدم. حس می‌کردم اصلاً نمی‌توانم با بچه‌ها ارتباط برقرار کنم. این کار خیلی برایم دشوار بود.

اوایل سال سعی می‌کردم از معلمان با تجربه کمک بگیرم. از آن‌ها می‌خواستم تجربه‌هایشان

را در اختیارم قرار دهند؛ اما درواقع، این روش خیلی کارساز نبود. کم‌کم کلاس حالت خشک و کسل‌کننده‌ای پیدا کرده بود. من این شکل کلاس را اصلاً دوست نداشتم. بچه‌ها خیلی همراه نمی‌شدند. گاهی با زور داد و فشار و خواهش، بچه‌ها را ساکت می‌کردم تا درس را گوش بدهند. هر چند همه‌ی تلاش‌ها را می‌کردم که بچه‌ها را شرطی نکنم و از روش‌های تشویق و تنبیه بیهوده استفاده نکنم.

از کارم راضی نبودم و کم‌کم داشتم به این نتیجه می‌رسیدم که جای من اینجا نیست، تا اینکه روزی یکی از اولیا (خانم پزشکی) با چند عروسک به کلاس من آمد و آن‌ها را به من داد. این عروسک‌ها یکی از بهترین هدایایی بود که تا آن‌موقع دریافت کرده بودم. اوایل آن‌ها را در کتابخانه‌ی کلاس گذاشته بودم؛ ولی کم‌کم سراغ استفاده‌ی بهینه از این عروسک‌ها رفتم و بعد از گذشت چندین سال، هنوز هم این عروسک‌ها را دارم و حتی با آن‌ها طرح درس‌هایی را می‌چینم و به معلمان دیگر هدیه می‌دهم تا استفاده کنند.

این عروسک‌ها شخصیت‌هایی جدانشدنی از من و همسرم، خانم صوری‌فر که معلم کلاس اول هستند، شده‌اند. در خانه، نقش هر کدام را با هم بازی می‌کنیم و بعد در کلاس هم از صدا و تصویر آن عروسک‌ها یا خودشان استفاده می‌کنیم. یحیی و گلی دوتا از همین عروسک‌ها هستند که به معلم‌شدن من کمک کردند. امیدوارم ایده‌ای را که مطرح می‌کنم، برای شما نیز مفید باشد.

اولین بار گلی برای بچه‌ها نامه فرستاد. برای نوشتن نامه از مامانش کمک گرفته بود؛ چون خودش کلاس اولی بود و هنوز سواد نداشت.

فرستنده: گلی از گل‌آباد

گلی برای بچه‌ها، در بسته‌ای پستی، یک مقدار نان و ماست محلی، عکس خودش و یک نامه فرستاده بود.

متن نامه

سلام بچه‌ها خوبید؟

اسم من گلی است. من هم مثل شما کلاس اولی هستم. خیلی خوش‌حالم که امسال می‌خواهم باسواد بشوم. من در روستای گل‌آباد زندگی می‌کنم. در روستای ما مدرسه نیست. من برای اینکه بخوام درس بخوانم، هر روز مسیر طولانی‌ای را تا شهر می‌روم و بعضی از

روزها که هوا خیلی سرد می‌شود و جاده‌ها یخ می‌زنند، من نمی‌توانم به مدرسه بروم.

من خیلی نگران هستم که اگر روزی نتوانم به مدرسه بروم، از درس‌ها عقب بمانم و نتوانم باسواد شوم. اگر روزی نیاز به کمک داشته باشم، شما می‌توانید مرا کمک کنید؟!

راستی، ننه‌طوبی به من ماست و نان محلی داده و گفته است برای آخر هفته‌ی بعد که مهمان داریم، غذای خوبی را با این‌ها درست کنم. من هم مقداری از آن نان و ماست را برای شما فرستادم. شما به من بگویید چه چیزی درست کردید که من هم درست کنم.

دوست‌های عزیزم، من از شما کمک دیگری هم می‌خواستم. مردم روستای ما خیلی آب را اسراف می‌کنند و یادشان می‌رود که آب چه نعمت ارزشمندی است. من خیلی از این موضوع ناراحتم. تازه گاهی وقت‌ها به‌خاطر کمبود آب، آب روستایمان قطع می‌شود و ما برای اینکه آب برداریم، باید به لب رودخانه برویم. شما راهی بلدید که من به بقیه یاد بدهم تا در مصرف آب صرفه‌جویی شود؟ ممنونم دوست‌های خوبم، مراقب خودتان باشید.

دوستان دارم! خدا نگهدار!

دانش‌آموزان با هم‌فکری و کمک معلمشان به درست کردن آب‌دوغ‌خیار رسیدند. فردای آن روز همگی وسایل آب‌دوغ‌خیار را آوردند و در گروه‌های خودشان این غذای خوش‌مزه را درست کردند. بعد هم عکس غذا و طرز تهیه‌اش را برای گلی فرستادند.

نشانه‌ی «آ» مسئله‌محور نشد؛ اما یکی از اهداف آموزشی نشانه‌ی «آ» در کتاب فارسی اول، صرفه‌جویی در مصرف آب است که موضوعی مسئله‌محور شد.

برای پاسخ به قسمت دوم نامه، بچه‌ها نقاشی‌ای را با مضمون صرفه‌جویی کشیدند و نقاشی‌ها را برای گلی فرستادند. گلی تا آخر سال با بچه‌ها پیش رفت. او هر چند وقت یک بار با صوت و نامه با آن‌ها در ارتباط بود و گاهی هم به کلاس سر می‌زد.

او روز جشن الفبا هم در حالی که لباس هم‌سازهای (فرمی) شبیه بچه‌ها پوشیده بود، در جشن حاضر شد. بچه‌ها خیلی دوستش داشتند و با او ارتباط گرفتند.

ننه‌طوبی شخصیت دیگری بود که از او برای تدریس کمک می‌گرفتیم. او مادر بزرگ یحیی و



است، به دیگران می‌دهد و خودش هله‌هوله می‌خورد. شب‌ها هم دیر می‌خوابد. یحیی از بچه‌ها می‌خواهد که به او بگویند کدام کارش اشتباه بوده و باید چه کار کند که سرحال و شاداب و سالم باشد؟!

بچه‌ها بعد از شنیدن این صوت ایده‌هایی دادند. معلم می‌گوید برای اینکه می‌خواهیم دقیق و درست به یحیی بگوییم که باید چه کار کند تا همیشه سالم و شاداب باشد، بهتر است اول تحقیق و بعد نتیجه را بیان کنید. موضوعاتی را هم بین دانش‌آموزان پخش می‌کند. هر دانش‌آموز در مورد موضوعی تحقیق و آن را نقاشی می‌کند و در کلاس ارائه می‌دهد.

خیلی بامزه بود که همه‌ی بچه‌ها یحیی را مخاطب قرار می‌دادند؛ مثلاً می‌گفتند: «یحیی باید میوه بخوره، برگک (چیپس) و پفک نخوره، شب‌ها ساعت نه بخوابه و...»

توجه به این نکته ضروری است که ارائه‌ی دانش‌آموزان در یک زنگ نباشد که بچه‌ها خسته نشوند. پخش موضوعات هم می‌تواند تصادفی باشد؛ مثلاً معلم پنج رنگ کاغذ را بین بچه‌ها پخش کند؛ سبز، آبی، قرمز، زرد و بنفش. از قبل تعیین شده است که مثلاً موضوع رنگ سبز تغذیه است و... فصل سوم علوم در مورد پنج موضوع است: ایمنی، خواب و استراحت، تغذیه، ورزش و بهداشت.

در ادامه، بعد از چند روز یحیی به دانش‌آموزان صوت دیگری می‌دهد و بعد از تشکر و قدردانی بابت راهکارها، به بچه‌ها می‌گوید که چون دستم شکسته است، نتوانستم به چرا بروم و پول ندارم و می‌خواهم برای گلی تولد بگیرم و هدیه‌ای کوچک برایش تهیه کنم.

در صوتی دیگر، یحیی به دانش‌آموزان می‌گوید که ما در حیاط خانه‌مان درخت توتی داریم. می‌خواهم با فروش توت‌های این درخت هزینه‌ی هدیه را تأمین کنم. بعد هم از بچه‌ها کمک می‌خواهد که کلمه‌ی توت را برای او روی مقوایی بنویسند و برای او بفرستند تا بتواند کنار جاده بگذارد تا ماشین‌های گذری آن را ببینند و توت‌هایش را به فروش برسانند.

ماجرای یحیی به اینجا ختم نمی‌شود. او در درس «آهن‌ربا» هم وارد داستان می‌شود و از بچه‌ها کمک می‌خواهد که بتواند کلید طولی‌لش را که داخل جوی آب افتاده است، بیرون بکشد. برای کمک به یحیی، دانش‌آموزان نیز آزمایش مربوط به این مسئله را در کلاسشان انجام دادند.

شما به نقاشی از این سفره بکشید که من بتونم سفره رو آماده کنم.» در اینجا معلم به سودوکو می‌پردازد و سعی می‌کند این درس را برای بچه‌ها تثبیت کند.

و اما برویم سراغ یحیی که در پایه‌ی اول با فصل سوم علوم کار خودش را شروع می‌کند. یحیی به بچه‌ها یک صوت می‌دهد و می‌گوید که چند روزی است سالم و شاداب نیست. یحیی از بچه‌ها می‌پرسد که چه کار می‌تواند انجام دهد که حالش بهتر شود؟!

یحیی به بچه‌ها می‌گوید که روزی که با گوسفندها به چرا رفته بودند، از تپه سر می‌خورد و دستش می‌شکند. همان‌جا با دست‌های کثیفش خوراکی هم می‌خورد و گاهی هم خوراکی‌های خودش را که میوه بوده

گلی بود. او هم گاهی از بچه‌ها کمک می‌گرفت؛ مثلاً در طرح درس سودوکو که در ریاضی اول و دوم هست، ننه‌طوبی صوتی را بدین شرح برای دانش‌آموزان فرستاد: «من ننه‌جون گلی و یحیی هستیم و قراره جمعه مهمون داشته باشیم. سه تا از دوستان قدیمی‌م قراره به دیدن من بیان. می‌خوام براشون سنگ تمام بذارم. گلی هم به من پیشنهاد داده که لرزانک (ژله) درست کنم. قرار شد که سه تا طعم کیوی، انار و موز رو درست کنیم؛ اما نمی‌دونم دوستانم کدوم مزه رو دوست دارند! گلی هم گفته واسه‌ی هر کدوم از دوستانم از هر سه تا طعم درست کنم. حالا قبل از رسیدن مهمونا می‌خوام سفره رو بچینم و می‌خوام طوری سفره چیده بشه که جلوی هر کدومشون از سه تا مزه باشه. اگه می‌شه



یحیی و تولد گلی



سالم باش شاداب باش

داستان‌های دیگری از یحیی و گلی در کلاس اول موجود است؛ ولی به همین چند موضوع بسنده می‌کنیم.

در ادامه، طرح درسی را هم از یحیی، برای کلاس دوم، با جزئیات بیان می‌کنم.

یحیی در کلاس دوم

مربی وارد کلاس می‌شود. بعد از سلام و احوالپرسی با بچه‌ها، به آن‌ها می‌گوید که شغل خیلی از روستاییان مهربان کشور ما چوپانی است. نام یکی از این چوپان‌ها یحیی است. سپس معلم یکی از داستان‌های یحیی را تعریف می‌کند:

یحیی سن کمی دارد؛ اما چوپان زرنگی است. او به‌خاطر درگیری زیاد در کار چوپانی و کمک به پدرش زمان زیادی برای درس خواندن نداشته و نتوانسته است خوب درس بخواند. او گاهی به مشکلاتی برخورد می‌کند که دوست دارد این مشکلات حل شوند. حالا من گاهی مشکلاتش را با شما در میان می‌گذارم تا با هم برای آن‌ها راه‌حلی پیدا کنیم.

یحیی تعداد زیادی گوسفند را به چرا می‌برد. هر بار قبل از رفتن، باید آن‌ها را بشمارد و زمانی هم که برمی‌گردد، باز هم باید آن‌ها را بشمارد تا مطمئن شود که تعداد آن‌ها درست است و کم و زیاد نشده‌اند.

شبی، یکی از همسایه‌ها در می‌زند و می‌گوید که ببخشید این گوسفند برای شماست و علامتی که روی او زده شده است، مثل گوسفندان شماست. یحیی در فکر فرو می‌رود و بعد می‌گوید: «بله، این گوسفند ماست؛ ولی من که آن‌ها را درست شمرده بودم.»

او خیلی ناراحت شد که مبادا از گوسفندان کم شود! خب امانت است و حفظ امانت برایش خیلی مهم است. یحیی به روش عجیبی گوسفندان را می‌شمارد. او کیسه‌ای پر از سنگ درست کرده است. برای هر گوسفند، یک سنگ در نظر گرفته است و هر بار که می‌خواهد برود، ابتدا سنگ‌ها را از یک کیسه در کیسه‌ی دیگر می‌ریزد و دانه‌به‌دانه گوسفندان را رد می‌کند تا مطمئن شود تعداد سنگ‌ها با گوسفندان برابر است. این کار برای او سخت شده است. او می‌گوید: «یکی از مشکلات من این است که این گوسفندان را باید این‌گونه بشمارم. با این شکل شمارش، مشکلات زیادی برایم پیش می‌آید.» البته او با اتفاق دیشب متوجه شد که در شمارش هم با مشکل روبه‌رو می‌شود.

آیا شما روش بهتری برای شمارش گوسفندان دارید؟ اگر شما جای او بودید چگونه این کار را انجام می‌دادید؟

گام اول

مربی از دانش‌آموزان می‌پرسد که به نظر شما یحیی به چه مشکلی برمی‌خورد؟ چرا این روش برایش سخت است و به نظر شما مشکلاتی که برایش ایجاد می‌شود، چیست؟

نظرات دانش‌آموزان

- او باید هر روز دو کیسه با خود ببرد و کلی هم سنگ داشته باشد.
- نمی‌دانیم، ممکن است یکی از سنگ‌ها از دست او بیفتد و تمام شمارش او به هم بخورد.
- خیلی کارش سخت می‌شود؛ چون خود سنگ‌ها ممکن است زیاد شوند و جای زیادی بگیرند.
- این‌طوری هر روز خیلی خسته می‌شود.

گام دوم

بعد از اینکه ذهن دانش‌آموزان درگیر این موضوع شد، مربی می‌گوید: «خب، پس بهتر است راه‌حل‌های شما را هم بررسی کنیم و ببینیم که آیا می‌توانیم راه بهتری به او پیشنهاد دهیم؟!»

مربی از بچه‌ها می‌خواهد تا نظراتشان را بگویند.

نظرات دانش‌آموزان

- می‌تواند دفترچه و مدادی بردارد و به‌جای هر گوسفند، یک دایره بکشد و هر گوسفندی را که شمارش کرد، روی دایره خط بکشد.
- می‌توانیم به او شمردن یاد بدهیم. با شمارش کارش خیلی راحت‌تر می‌شود.
- بهتر است به‌جای سنگ از مداد و به‌ازای گوسفندان از چوب‌خط استفاده کند.
- می‌تواند هنگام داخل کردن گوسفندان به طویله آن‌ها را به دسته‌های پنج‌تایی یا ده‌تایی تقسیم کند و هر بار در طویله را باز کند و گوسفندان را پنج‌تا پنج‌تا یا ده‌تا ده‌تا داخل کند و برای هر گروه علامتی روی کاغذ بکشد.
(اگر بچه‌ها این چند مورد را نگفتند، خود مربی آن‌ها را راهنمایی کند تا این چند مورد را بگویند).

گام سوم

بعد از اینکه بچه‌ها راه‌حل‌های خود را گفتند، مربی از آن‌ها تشکر و بعد هم آن‌ها را گروه‌بندی می‌کند تا یکی از این راه‌ها را برای یحیی

بنویسند. سپس یکی از اعضای گروه به جلوی کلاس می‌آید و از ایده‌ی گروهشان دفاع می‌کند. حتی می‌توان قبل از نظر دادن بچه‌ها نیز آن‌ها را گروه‌بندی کرد.

گروه ۱: استفاده از نقاشی و خط‌زدن؛

گروه ۲: استفاده از چوب‌خط؛

گروه ۳: استفاده از سنگ‌ریزه یا انگشت؛

گروه ۴: یادگیری شمارش؛

گروه ۵: دسته‌بندی گوسفندان به‌صورت پنج یا ده‌تایی؛

مربی از هر گروه می‌خواهد ایده‌هایشان را توضیح دهند (بهتر است حتماً هر گروه یکی از این ایده‌ها را انتخاب و در مورد آن بحث و گفت‌وگو کند).

مربی به دانش‌آموزان عددی را می‌گوید؛ مثلاً تعداد گوسفندان طبق شواهد ۲۹ رأس است و از دانش‌آموزان می‌خواهد همه‌ی روش‌ها را امتحان کنند. خود را جای یحیی بگذارند و گوسفندان را بشمارند.

گام چهارم

وقتی ارائه‌ها آغاز شد، مربی از ارائه‌دهندگان و بقیه‌ی دانش‌آموزان می‌خواهد در مورد روش ارائه‌شده نظر بدهند؛ مثلاً چه سختی‌هایی دارد و چه مشکلاتی را برای یحیی ایجاد می‌کند (حتی می‌توان از خود گروه هم خواست خودشان مشکلات روشی که انتخاب کرده بودند را بگویند. بهتر است مربی نکات تکمیلی را بگوید).

گروه ۱: یحیی می‌تواند دایره بکشد و خط بزند. به نظر ما خیلی راحت‌تر از سنگ‌ریزه برداشتن است؛ اما شاید حمل دفترچه و مداد برایش سخت باشد. مشکل دیگرش این است که باید هر بار دایره‌ها را بکشد. این روش زمان‌بر است. البته شاید بشود دایره‌ها را از قبل کشید و هر روز فقط زیر آن علامتی بگذارد و ...

گروه ۲: یحیی می‌تواند از چوب‌خط استفاده کند که حتی از کشیدن دایره هم راحت‌تر است. این‌طوری می‌تواند خیلی سریع‌تر بشمارد. به‌ازای هر گوسفند که رد می‌کند، باید سریع چوب‌خطی بکشد و در انتها، آن‌ها را بشمارد و با مقدار اصلی گوسفندان مقایسه کند تا از تعداد آن‌ها مطمئن شود.

گروه ۳: به‌جز سنگ‌ریزه، استفاده از انگشت هم می‌تواند راه خوبی باشد. در این حالت دیگر نیازی به برداشتن کاغذ و سنگ و مداد و ...

- در صورت امکان می‌توان از عروسکی برای اجرای نمایش عروسکی یحیی استفاده کرد تا دانش‌آموزان حس بهتری به داستان پیدا کنند. - اگر مربی تشخیص می‌دهد که همه‌ی کلاس یا گروهی از دانش‌آموزان سطحشان بالاتر است، می‌تواند داستان را ادامه دهد. به این صورت که اگر یکی از همسایه‌ها تعدادی از گوسفندان خود را برای چرا به او بسپارد (اینجا بحث جمع را می‌توان مطرح کرد)، چطور این کار را انجام می‌دادید؟

نکته: این تنها مثالی از یک خانواده‌ی عروسکی بود. این شکل از طرح درس‌ها، قابلیت و کشش استفاده‌ی یک سال تحصیلی در کلاس را دارند و معلم می‌تواند از این روش بهره ببرد.

بود، چه؟ یک وقت فراموش نکنند؟ راه‌حلی پیشنهاد دارید؟
دانش‌آموزان: نه، می‌تواند به‌ازای هر ده تا گوسفند، مستطیلی بکشد و داخل آن عدد ده را بنویسد تا قاطی نکند.
در پایان مربی از دانش‌آموزان تشکر می‌کند.

گام پنجم

بعد از ارائه‌های دانش‌آموزان، مربی از آن‌ها می‌خواهد تا کتاب‌های ریاضی خود را نگاه کنند و راه‌حل‌هایشان را در کتاب نشان دهند. سپس مسئله‌های کتاب را نیز با هم حل کنند.

ملاحظات

- سعی کنید خوب نظارت کنید تا همه‌ی دانش‌آموزان درگیر شوند و مشارکت کنند.
- در گروه‌بندی دقت کنید تا گروه‌ها متناسب باشند.
- اگر دانش‌آموزان راه‌حل‌های دیگری نیز ارائه دادند، بگذارید تا از راه‌حلشان دفاع کنند.
- می‌توان از دسته‌بندی و محور نیز در این طرح درس استفاده کرد و هر کدام از این‌ها نیز یک گروه باشند.

نیست؛ اما ممکن است یحیی انگشت‌هایش را با هم قاطی کند؛ چون ممکن است گوسفندان از دو دستش بیشتر شوند. حتی ممکن است تعدادی از گوسفندان دیرتر بیایند و این‌طوری تعداد آن‌ها از دهنش برود.

گروه ۴: یاد بگیرد که بشمارد. اگر شمارش را یاد بگیرد، دیگر خیلی کارش راحت می‌شود.

گروه ۵: گوسفندان را دسته‌بندی کند. راه‌حل خوبی است؛ ولی ممکن است نتوان گوسفندان را دسته‌بندی کرد؛ چون مدام به این طرف و آن طرف می‌روند و قاطی می‌شوند.

مربی: شاید ورودی به طولیه خیلی باریک باشد، شاید این‌طوری کنترل گوسفندان راحت‌تر باشد. در این صورت برای دسته‌بندی چه پیشنهادی دارید؟

دانش‌آموزان: پنج تا پنج تا تا بشمارد، در طولیه را باز کند و آن‌ها را به داخل بفرستد.

مربی: اگر بخواهد سریع‌تر بشمارد چی؟
دانش‌آموزان: ده تا ده تا می‌تواند بشمارد و در طولیه را باز کند.

مربی: بله خوب است. این‌طوری سریع‌تر کارش پیش می‌رود، البته شاید به کمک فرد دیگری هم نیاز باشد. حالا اگر تعداد گوسفندان زیاد

پی‌نوشت‌ها

۱. فرزانه پزشکی فرزند محمدحسین پزشکی در ششم خرداد ۱۳۶۱ هجری شمسی در تهران متولد شد و در ششم مهر ۱۴۰۱ هجری شمسی طی حادثه‌ی رانندگی در محدوده‌ی شهر نائین جان باخت. او در سال ۱۳۸۴ ازدواج کرد و مادر سه فرزند به نام‌های علی و حسین و فاطمه بود.
خانم پزشکی در اوان دوران جوانی، فعالیت‌های اجتماعی خود را در اواخر دهه‌ی ۷۰ شروع کرد و در فضای دانشجویی ضمن انجام فعالیت‌های علمی، به فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی که بیشتر به ترویج مبانی فکری انقلاب اسلامی می‌پرداخت، گرایش پیدا کرد. فعالیت وی در راهبان نور و هیئت هنر، اوج تلاش وی در این دوران به شمار می‌رفت. ویژگی‌های فردی وی از جمله خلاقیت و توانمندی در عرصه‌ی هنری همچنین دلسوزی و مسئولیت‌پذیری در قبال دوستان و همکارانش قابل توجه و زیاندار بود. در پی درگذشت وی شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی کشور پیام‌های تسلیتی صادر و از فعالیت‌های وی تقدیر کردند. پیام تسلیت رئیس مجلس شورای اسلامی در پی درگذشت خانم پزشکی به این شرح است:

تاریخ پرافتخار انقلاب اسلامی مژین به مجاهدت انسان‌هایی است که خاموش و مؤثر، در راه اعتلای ارزش‌های اسلام و انقلاب و رشد و تعالی انسان‌ها و خدمت به آن‌ها گام برداشته‌اند. در این میان نقش زنان آگاه، مبارز و خستگی‌ناپذیر مسلمان در حفظ و اعتلای ارزش‌های اسلامی بی‌پدیل و تاریخ‌ساز است؛ آن‌ها که با زندگی مؤمنانه و عقیقانه‌ی خود، الگویی جدید از حضور فعال و مؤثر در جامعه ارائه کردند و نگاه کالایی و فحارت‌بار فرهنگی‌های مادی به زنان را کوچک شمردند. انقلاب اسلامی بدون مجاهدت زنان آگاه، فعال و از عمق جان باورمند به ارزش‌های اسلام و انقلاب هرگز به پیروزی نمی‌رسید و پیروزی بر دشمنان کمین‌کرده و تا بن دندان مسلح این آب و خاک بدون نقش‌آفرینی زینب‌وار زنان آگاه مسلمان ممکن نبود. درگذشت بانوی جهادگر خانم فرزانه پزشکی که علاوه بر ایفای وظیفه‌ی خاتون مادر، در سنگرهای همچون اقدامات جهادی، ترویج معارف اهل‌بیت، علیهم‌السلام، تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان، برپایی هیئات مذهبی تراز انقلاب اسلامی، فعالیت فرهنگی اربعی و سایر اقدامات فرهنگی نقش‌آفرینی کرده بود و اینجانب نیز در دوران تصدی مسئولیت در شهرداری تهران خود شاهد بهره‌مندی مدیریت شهری از نظرات ارزنده‌ی ایشان بودم، موجب تأسف و تألم خاطر شد؛ نام نیک و اظهار تألم گسترده دوستان و سایر فعالان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی حاکم از گستره و تأثیر شگرف فعالیت‌های فرهنگی ایشان است. درگذشت این بانوی جهادگر فرهنگی را به خانواده‌ی محترم، همسر گرامی و سه فرزند دل‌بند ایشان و همچنین عموم فعالان فرهنگی جبهه‌ی انقلاب اسلامی، دوستان، آشنایان و همکاران تسلیت و تعزیت می‌گویم و از خداوند متعال برای آن مرحومه رحمت و مغفرت و برای بازماندگان صبر مسئلت می‌کنم.
۲. این طرح درس قبلاً در چند مدرسه اجرا شده است و می‌تواند به شما برای ایده‌گرفتن کمک کند.



یحیی و آهن‌ریا



تنه طویی ولرزاتک



دکتر عذرا بیگم هژبری، مدرس دانشگاه، مؤسس و مدیر
مدرسه‌ی دخترانه‌ی مهرگان بابل
سیدعلی عبداللہی حسینی، سفیر نوآفرینی آموزش،
مربی (کوچ) عملکرد مدرسه‌ی ابتدایی مهرگان بابل

فرصت ناب خطا

اشتباهات و خطاهای دانش‌آموزان بخش اجتناب‌ناپذیر و بسیار مهمی از فرایند یادگیری هستند. بسیاری از پژوهش‌ها و نظریه‌های آموزشی نشان می‌دهند که اشتباهات نه تنها موانعی برای یادگیری نیستند، بلکه می‌توانند فرصتی برای تقویت مهارت‌ها و رشد ذهنی دانش‌آموزان به حساب می‌آیند. این در حالی است که در بسیاری از نظام‌های آموزشی، اشتباهات دانش‌آموزان نشانه‌ای از ضعف یا ناتوانی تلقی می‌شود.

جیمز گلیسون یکی از افرادی است که روی این موضوع کار کرده و در تحقیقات خود، شش نوع خطای رایج دانش‌آموزان در ریاضیات را شناسایی کرده است. در ادامه، به معرفی و تبیین این شش خطا می‌پردازیم:

۱. خواندن متن

دانش‌آموز سؤال را درست نخوانده است؛ مثلاً دانش‌آموز «چه کسری از تیلها قرمز نیستند؟» را به جای «چه کسری از تیلها قرمز هستند؟» اشتباه می‌خواند و در نتیجه به سؤالی که پرسیده شده است، پاسخ نمی‌دهد.





۲. فراگیری دانش

به نظر می‌رسد دانش آموز به دانش لازم برای درک سؤال و پیشروی به سوی پاسخ دست نیافته است. این امر ممکن است بر اثر فقدان دانش لازم برای درک اصطلاحات ریاضی همچون مختلف‌الاضلاع یا یادنگرفتن مفاهیم و فرایندهای مربوط به آن باشد.

۳. راهبرد

این مورد فقط در مورد سؤالاتی کاربرد دارد که از دانش آموزان می‌خواهند برای خودشان مشخص کنند چه فرایند و چه اطلاعاتی در این قسمت مورد نیاز است یا سؤالاتی که نیازمند به کارگیری اطلاعات ریاضی در یافت جدید یا ناآشنا هستند. دانش آموز دانش قابل قبولی در حوزه مفاهیم، ایده‌ها، فرایندها و دیگر موارد مرتبط در درس‌های خود یا در سایر پاسخ‌های ارزیابی شده دارد؛ اما پس از خواندن این سؤال ناآشنا نمی‌تواند تشخیص دهد که این‌ها ایده‌ها یا فرایندهای مورد نیازند. او نتوانسته است دانش فراگرفته شده را در قالب راهبردی منسجم برای حل مسئله به کار برد.

۴. اعمال دانش

دانش آموز در یک یا چند گام از فرایند یا روالی که به خوبی فرا گرفته و درونی سازی ذهنی کرده است، با خطا مواجه می‌شود. شواهد نشان می‌دهند که او در فعالیت‌های کلاسی اخیر یا در سایر پاسخ‌های ارزیابی شده، مثلاً سؤال قبلی یا بعدی، توانسته است فرایند و روال کار را به صورت صحیح پیاده کند؛ اما در این مورد

قادر به باز تولید و پیاده سازی صحیح همان فرایند یا روال نبوده است. این خطاها ناشی از نداشتن دقت و روشمندی در حین انجام کار یا شروعی دقیق است.

۵. محاسبات

پیش از این خطای محاسباتی به اشتباهاتی اشاره داشت که دانش آموزان به هنگام محاسبه ذهنی جمع، تفریق، ضرب و تقسیم ساده مرتکب می‌شدند. جدول ضرب یا یک جمع ذهنی ساده در این دسته قرار می‌گرفتند. اخیراً این مفهوم گسترده تر شده است و خطاهایی مثل وارد کردن عددی اشتباه در ماشین حساب و خطاهای برخاسته از عملیات را که توسط ماشین حساب انجام می‌شود، نیز دربرمی گیرد.

۶. یافته‌ها

دانش آموز سؤال را به درستی تکمیل کرده و به جواب صحیح دست یافته است؛ ولی از قواعد مرسوم برای بیان جواب استفاده نکرده یا اینکه یافته‌ها را با توجه به بافت سؤال تفسیر نکرده است؛ مثلاً واحدهای اندازه گیری را بیان نکرده، در سؤالات تشریحی جمله‌ی نهایی برای انتقال پاسخ به خواننده را ننوشته یا پاسخی را مانند ۲۶۳ عدد اتوبوس برای حمل و نقل دانش آموزان مورد نیاز است، بیان نکرده است. پس از مطالعه و آشنایی با این شش خطا، در اولین فرصت، کارگاهی برای اطلاع رسانی و آگاهی بخشی به معلمان برگزار شد. در ادامه، با همفکری آنان و با عنایت به تجربه‌های پیشین، نمون برگی (فرمی)^۱ تهیه شد و در اختیار همه‌ی معلمان قرار گرفت. از آنان خواسته شد، با هماهنگی والدین، معلمان هم پایه یا حتی معلمان سال‌های قبل، این نمون برگ را برای دانش آموزان کلاس خود تکمیل کنند و به شناسایی و رفع این خطاها متناسب با فراوانی هر خطا^۲ توجه و اقدام کنند. در آخرین مرحله از فرایند اجرا، با توجه به فراوانی خطاهای استخراج شده در سطح مدرسه^۳، این راهکارهای پیشنهاد و اجرا شدند:

- تحلیل دقیق خطاهای دانش آموزان توسط معلمان علت اصلی هر خطا را شناسایی می‌کند.
- بهره گیری از روش‌هایی مانند مصاحبه با دانش آموزان یا مشاهده‌ی دقیق نحوه‌ی حل مسائل، می‌تواند در این تحلیل مؤثر باشد.

- بر اساس نتیجه‌های به دست آمده از تحلیل، معلمان باید برنامه‌های آموزشی خود را بازنگری و تنظیم کنند و تمرکز خود را بر نقطه ضعف‌های دانش آموزان بگذارند.

- ارائه‌ی تمرین‌های مناسب یا استفاده از روش‌های متنوع تدریس می‌تواند به بهبود درک و یادگیری دانش آموزان کمک کند.

- باز خورد سازنده‌ای که به دانش آموزان درباره‌ی خطاهایشان داده می‌شود، می‌تواند نقش مهمی در تقویت یادگیری و افزایش اعتماد به نفس آن‌ها ایفا کند.

- تشویق دانش آموزان به تفکر درباره‌ی اشتباهاتشان و جست و جوی راه حل‌های مناسب، یکی از ابزارهای کارآمد در این زمینه است.

- ارائه‌ی توضیحات شفاف و مثال‌های متعدد، دانش آموزان را در مسیر صحیح یادگیری هدایت و از بروز خطاهای رایج جلوگیری می‌کند.

- ایجاد محیطی که در آن دانش آموزان بدون ترس از اشتباه کردن، مسائل را حل کنند، از اهمیت بالایی برخوردار است.

پس از اجرای این پروژه، در طول سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲، تعدادی از خطاهای دانش آموزان تا حد مطلوبی برطرف شد؛ اما بی شک همچنان نیاز به مطالعه و تحقیق و فعالیت‌های بعدی خواهد بود؛ فلذا در آخرین جلسه‌ی شورای معلمان تصمیم گرفته شد که این فرایند به عنوان کاری پایان یافته تلقی نشود و در سال‌های آتی نیز به این امر مهم پرداخته شود. به امید روزی که همه‌ی مدیران و معاونان و معلمان برای رشد، شکوفایی و رسیدن به حداکثر توانایی هر یادگیرنده تلاش کنند.



نمون برگ خطاهای رایج در درس ریاضی

پی‌نوشت‌ها

۱. نمون برگ خام شش خطای ریاضی برای شناسایی دانش آموزان؛ جدول‌های جمع‌بندی شش خطای ریاضی به تفکیک پایه‌ها؛
۲. جدول جمع‌بندی شش خطای ریاضی در سطح مدرسه (نمون برگ و جدول‌ها در رمزینگی پاسخ سریع آمده است).

منبع

هتی، جان و کلارک، شرلی، ۲۰۲۱، باز خورد در یادگیری مشهود (راهنمای عملی ارائه و دریافت بازخوردهای متنوع و اثربخش در بستر تدریس)، تهران: آوای نور.



جشن کنجکاوی

مروری بر کارکردهای تربیتی جشنواره‌ی جابربن حیان

فاطمه پای

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی استان

ایلام



از همین رو، وزارت آموزش و پرورش ایران در سطح کلان، با توجه به سند تحول بنیادین و سند برنامه‌ی درسی ملی، همت گمارده است که متناسب با ساحت‌های شش‌گانه‌ی آموزش و پرورش برنامه‌هایی را علاوه بر برنامه‌های رسمی تحت عنوان برنامه‌ها و طرح‌هایی برای کاهش تمرکزگرایی به مدرسه‌ها ارائه دهد. طرح جابربن حیان و فرصت‌های متنوع یادگیری یکی از این طرح‌هاست که هر ساله آموزش و پرورش دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌هایی را برای آن به مدرسه‌ها می‌فرستد.

در تعریف پروژه‌های علمی و پژوهشی دانش‌آموزی، در قالب طرح جابربن حیان می‌توان چنین گفت: کوشش‌های علمی انفرادی یا گروهی دانش‌آموزان درباره‌ی موضوعی معین.

دانش‌آموزان ضمن این کوشش هیجان‌انگیز علمی، کار یک دانشمند را انجام می‌دهند و نگرش‌ها و مهارت‌های علمی او را پیدا می‌کنند؛ یعنی دانش‌آموزان سعی می‌کنند به‌دقت مشاهده کنند، سؤال بپرسند، اطلاعات جمع کنند، فرضیه بسازند، آزمایش کنند و نتیجه‌های علمی خود را جمع‌بندی و ارائه دهند. هدف پروژه‌های علمی در قالب طرح جابربن حیان نیز که مختص دوره‌ی ابتدایی است، تربیت و آمادگی متربیان برای تحقق آگاهانه و اختیاری روحیه‌ی تحقیق و پژوهش در بین دانش‌آموزان است. هدف طرح فرصت‌های متنوع یادگیری هم که در دوره‌ی ابتدایی اجرا می‌شود و مکمل طرح جابربن حیان است، غنای فرایند یادگیری و تقویت بنیه‌ی علمی دانش‌آموزان، ظهور و افزایش توانمندی‌های آنان از طریق رشد شخصیت عاطفی و روانی، به‌خصوص ارتقای دانش، مهارت و نگرش دانش‌آموزان در زمینه‌ی علمی و پژوهشی است.

برخی از اثرات آموزشی برگزاری جشنواره‌های متعدد علمی و تحقیقی در مدرسه‌ها

برای دانش‌آموزان ابتدایی به‌سبب ماهیت هیجانی و اکتشافی خود، میل به یادگیری را در دانش‌آموزان تقویت و به‌دلیل ماهیت فرایندی‌شان راه و روش یادگیری را به آن‌ها می‌آموزند. دانش‌آموزان از این طریق دانش و فناوری را به زندگی و فرهنگ جامعه‌ی خود مرتبط می‌سازند. جشنواره‌ی طرح جابربن حیان و فرصت‌های متنوع یادگیری زمینه‌ی تحقق اهداف دوره‌ی ابتدایی، مصوب شورای عالی آموزش و پرورش کشور، به‌ویژه در زمینه‌های علمی و پژوهشی و آموزشی را فراهم کرده است. برخی از این هدف‌ها عبارت‌اند از: کنجکاوی کردن دانش‌آموزان به شناخت پدیده‌ها، فکر کردن، شنیدن، گفتن و بیان مقصود. دانش‌آموز با رسیدن به این هدف‌هاست که ارزش علم را در انجام درست کارها درمی‌یابد. این جشنواره همچنین اهداف ساحت‌های متعدد تعلیم و تربیتی یعنی ساحت‌های اعتقادی، عبادی و اخلاقی، سیاسی و اجتماعی، علمی و فناوری، اقتصادی و حرفه‌ای، هنری و زیبایی‌شناختی و در نهایت زیستی و بدنی را به دنبال دارد.

امروزه، مدرسه‌ها اصلی‌ترین سازمان‌های یادگیری هستند. در این سازمان‌ها تقویت روحیه‌ی علمی و پژوهشی با هدف بالابردن قدرت درک و تقویت روحیه‌ی پژوهندگی در دانش‌آموزان، در کنار معلم و والدین، از مهم‌ترین مواردی است که به آن توجه می‌شود.

«جشنواره‌ی جابربن حیان و فرصت‌های متنوع یادگیری» با داشتن چنین ویژگی‌هایی یکی از جشنواره‌های جذاب، پرمخاطب و متنوع است. تحلیل محتوای موضوعی این جشنواره‌ی علمی و پژوهشی، با رویکرد دانش‌آموزمحوری، می‌تواند نقش مهمی در بازنگری هدف‌ها و روند بهتر کار در این جشنواره، برای رسیدن به نتیجه‌های مطلوب، بازی کند.

پروژه‌های علمی و پژوهشی، از جمله جابربن حیان و فرصت‌های متنوع یادگیری،





که تعداد آن‌ها نیز ۳۳۰۰ بود. طبق پیش‌بینی وزارتخانه می‌بایست ۴۵ درصد از دانش‌آموزان استان یعنی ۲۶۵۰۰ نفر در این جشنواره فعالیت می‌کردند که خوشبختانه این امر محقق شد و این نشان از مشارکت اولیا و دانش‌آموزان داشت.

پیشنهادهای

۱. پیشنهاد می‌شود مسئولان محترم جشنواره‌ی جابرین حیان و فرصت‌های متنوع یادگیری، برای افزایش علاقه و انگیزه‌ی معلمان، دانش‌آموزان و مشارکت اولیا، و طراحی و اجرای عملی بهتر جشنواره، از محرکات تشویقی و انگیزه‌ای ملایم و معنوی مناسب مخاطبان استفاده کنند.

۲. پیشنهاد می‌شود مسئولان و دست‌اندرکاران جشنواره‌ی جابرین حیان و فرصت‌های متنوع یادگیری، با توجه به مشکلات و محدودیت‌های متعدد کلاس‌های چندپایه، تسهیلاتی برای نحوه‌ی پذیرش و داوری آثار ارائه‌شده‌ی مدرسه‌های چندپایه اتخاذ کنند. باید این تصور را که طرح جابرین حیان و فرصت‌های متنوع یادگیری بیشتر برای مدرسه‌های مستقل و تک‌پایه، به لحاظ سنی و درک بیشتر، کاربرد دارد، تغییر داد و به این نکته توجه کرد که این طرح، در کلاس‌های چندپایه هم می‌تواند به‌خوبی اجرا شود.

۳. یادگیرندگان را در کار پروژه‌ای تشویق به تحقیق فردی و گروهی کنید. تحقیق و پژوهش، پایه‌ی جست‌وجوی علمی و ساخت‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. آشنایی با منابع علمی متعدد و نحوه‌ی استفاده از آنان راجع به کاری پروژه‌ای نظیر، جشنواره‌ی جابرین حیان و فرصت‌های متنوع یادگیری، نکته‌ای اساسی و مهم است و باید در این مورد، اشتراک‌گذاری هم صورت گیرد.



بود، کمک می‌کند با مشکلات کمتری مواجه شوند و در صورت مواجهه، تصمیماتی سازنده بگیرند. در این بین، آموزش دوره‌ی ابتدایی به‌عنوان پایه و اساس آموزش و پرورش از اهمیت فراوانی برخوردار است.

نگاهی به این جشنواره در استان ایلام در سال ۱۴۰۲

در استان ایلام، ۲۱۸ مدرسه مجری این جشنواره بودند که طی آن، ۲۷ هزار نفر از دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی سطح استان در آن شرکت کردند. آثار ارسالی به جشنواره‌ی جابرین حیان دو قسمت بودند؛ قسمت اول پروژه‌ها که تعداد آن‌ها ۳۶۰۰ اثر و قسمت دوم مهارت‌ها

عبارت‌اند از: ایجاد علاقه و انگیزه در دانش‌آموزان، بهره‌مندی از دانش علمی و محیطی جذاب، استفاده از مواد و وسایل گوناگون، ایجاد همکاری و جو مشارکتی، ارتقای مهارت‌های ارتباطی، افزایش درک و فهم دانش‌آموزان از رقابت‌های علمی و تعیین سطوح پیشرفت علمی مدرسه و تلاش برای بهبود آن (آتیس و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۱۰).

محتوای طرح‌های جشنواره‌ی جابرین حیان و فرصت‌های متنوع یادگیری، ابزار مناسبی برای ارائه‌ی دانش، تغییر نگرش و آموزش مهارت‌هایی است که به دانش‌آموزان که نسل آینده و بزرگسال و تصمیم‌گیر خواهند



خوشه‌های خشم!

آشنایی با اختلال نافرمانی مقابله‌ای در کودکان

اختلالات رفتاری کودکان مشکلات زیادی را به‌خصوص برای معلمان ایجاد می‌کند. بنابراین لازم است متولیان امر با انواع این اختلالات آشنا شوند، راه‌های مقابله با آن‌ها را بدانند و به‌نحو صحیحی با آن‌ها برخورد کنند. اختلالات کودکی را می‌توان به دو طبقه «درون‌نمود» و «برون‌نمود» تقسیم کرد. اختلالات درون‌نمود که از حدود هشت سالگی ظاهر می‌شوند، از نظر ماهیت درون‌فردی هستند و به‌شکل کناره‌گیری از تعامل‌های اجتماعی،

(انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۳۹۳). مهم‌ترین مشخصه‌های این اختلال که هر دو نوع مشکلات «درون‌نمود» و «برون‌نمود» را با خود به همراه دارد (بهریزی، فرزادی و فرامرزی، ۱۳۹۵)، عبارت‌اند از: رفتارهای خصمانه، نافرمانی، منفی‌گرایی، خلق‌وخوی عصبی، مشاجره با بزرگسالان، رفتارهای انحرافی، رد درخواست‌ها و قواعد بزرگسالان و والدین، انجام کارهایی بدون تفکر که موجب رنجش دیگران می‌شود، سرزنش دیگران به‌دلیل اشتباه‌ها یا رفتارهای نابجای خود، زودرنج و حساس‌بودن، پرخاشگری، کینه‌توزانه و مغرضانه رفتار کردن. ذکر این نکته نیز ضروری است که برای تشخیص این نوع اختلال، دست‌کم چهار مورد از این نشانه‌ها، هر هفته یک بار، به‌مدت شش ماه باید تداوم داشته باشند (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۳۹۳).

افراد مبتلا به این اختلال بیشتر اوقات خلقشان پایین است. آن‌ها به‌آسانی از کوره در می‌روند، اغلب عصبانی‌اند و این عصبانیت به‌طور نامتناسب با موقعیت است، با مراجع قدرت درگیرند، نافرمان و لجباز هستند، به‌طور مکرر با بزرگسالان بحث می‌کنند یا از اطاعت از قوانین و درخواست‌های آن‌ها سر باز می‌زنند. این نافرمانی به‌خاطر درک‌نکردن قوانین نیست، بلکه رفتاری عمدی و مقابله‌ای است، آن‌ها به‌طور عمد دیگران را ناراحت می‌کنند و رفتارهای انتقام‌جویانه یا بدخواهانه از خود نشان می‌دهد. این مورد می‌تواند شامل اذیت‌کردن دیگران، تخریب اموال یا دروغ‌گفتن باشد. عملکرد اجتماعی آن‌ها نیز با مشکل روبه‌رو می‌شود و در ارتباط با دیگران، الگوی تعاملی آسیب‌دیده‌ای دارند. افزون بر این، کودکان مبتلا به این اختلال توجهی به رفتارهای منفی‌گرایانه و پرخاشگرانه‌ی خود ندارند و در مقابل رفتارهایشان را توجیهی برای خواسته‌ها و شرایط غیرمنطقی می‌دانند (انجمن روان‌شناسی آمریکا، ۱۳۹۳).

نرخ شیوع اختلال نافرمانی مقابله‌ای از ۱ تا ۱۱ درصد، با میانگین تقریبی ۳/۳ درصد، برآورد شده است. برآورد نرخ شیوع به عواملی از قبیل

بازدارندگی، اضطراب و افسردگی متجلی می‌شوند. این نوع اختلال بیش از آنکه اطرافیان را آزار دهد، موجب رنجش خود کودک می‌شود. در مقابل، اختلالات برون‌نمود در رفتارهای بیرونی و مخرب کودکان ظاهر می‌شوند و ضمن حکایت از عمل منفی کودک بر محیط بیرونی، با محتوای ضداجتماعی و تضادورانه‌ی خود بیش از آنکه بر فرد اثر بگذارند، برای دیگران مشکل ایجاد می‌کنند (دادستان، بیات و عسگری، ۱۳۸۸).

اختلال نافرمانی مقابله‌ای

در این میان، اختلال «نافرمانی مقابله‌ای» از شایع‌ترین اختلالات روان‌شناختی به حساب می‌آید که در کودکان پیش‌دبستانی یا اوایل سن مدرسه و در مرحله‌ی قبل از نوجوانی بروز می‌کند



منابع

اختلال نافرمانی مقابله‌ای اختلالی رفتاری در کودکان و نوجوانان است که با الگوی مداوم و تکراری از رفتارهایی خصمانه و انتقام‌جویانه و از سر نافرمانی مشخص می‌شود. این رفتارها به‌طور چشمگیری با عملکرد اجتماعی، تحصیلی و خانوادگی فرد تداخل دارند. این اختلال، برخلاف اختلال سلوک، لزوماً شامل نقض جدی حقوق دیگران یا هنجارهای اجتماعی نیست؛ اگرچه می‌تواند پیش‌درآمدی برای آن باشد.

شدت اختلال نافرمانی مقابله‌ای

شدت این اختلال بر اساس تعداد زمینه‌هایی که رفتارهای نافرمان در آن‌ها بروز می‌کند، تعیین می‌شود:

خفیف: رفتارهای نافرمان فقط در یک زمینه، مثلاً فقط در خانه یا فقط در مدرسه، بروز می‌کنند.

متوسط: رفتارهای نافرمان در دو زمینه بروز می‌کنند.

شدید: رفتارهای نافرمان در سه یا بیش‌تر از سه زمینه بروز می‌کنند.

علت‌های بروز اختلال نافرمانی مقابله‌ای

علت‌های دقیق این اختلال هنوز به‌طور کامل شناخته نشده‌اند؛ اما ترکیبی از عوامل ژنتیکی، محیطی و عصبی در بروز آن نقش دارند:

ژنتیک: مطالعات نشان داده‌اند که ژن‌ها می‌توانند در افزایش خطر ابتلا به اختلال نقش داشته باشند.

عوامل محیطی: عوامل محیطی مانند سبک فرزندپروری نامناسب، سوءاستفاده، طلاق، فقر و بی‌ثباتی خانوادگی می‌توانند در بروز این اختلال نقش داشته باشند.

عوامل عصبی: اختلال در عملکرد برخی از نواحی مغز، به‌ویژه در قسمت پاداش و کنترل رفتار، می‌تواند در بروز این اختلال نقش داشته باشد.

تشخیص و درمان

متخصصان سلامت روان، مانند روان‌پزشکان و روان‌شناسان، بر اساس مصاحبه‌ی بالینی و مشاهده‌ی رفتار فرد مبتلا می‌توانند این اختلال را تشخیص دهند. برخی از روش‌های درمان این اختلال عبارت‌اند از:

درمان رفتاری شناختی: این روش به کودک کمک می‌کند تا الگوهای فکری و رفتاری منفی خود را شناسایی و تغییر دهد.

درمان خانوادگی: این روش به خانواده کمک می‌کند تا مهارت‌های ارتباطی و حل مسئله خود را بهبود بخشد.

مدیریت رفتار: این روش از طریق پاداش و تنبیه به تغییر رفتار کودک کمک می‌کند.

دارودرمانی: در برخی موارد، داروهای روان‌پزشکی ممکن است برای کنترل علائم همراه، مانند اضطراب یا افسردگی، تجویز شوند؛ اما دارو به‌تنهایی درمان این اختلال نیست.

اگر این اختلال به‌موقع تشخیص داده و درمان نشود، ممکن است به اختلال سلوک یا سایر مشکلات رفتاری در بزرگسالی منجر شود.

منابع جمع‌آوری اطلاعات، یعنی والدین یا معلمان یا خود کودک، نوع گزارش هم‌اکنون یا پس‌رویدادی و همچنین داشتن ملاک‌های اختلال سلوک بستگی دارد. با وجود این، نرخ اختلال نافرمانی مقابله‌ای ممکن است بسیار وابسته به جنس کودک باشد. اختلال نافرمانی مقابله‌ای تا پیش از نوجوانی در پسران شایع‌تر از دختران است. نشانه‌های این اختلال ممکن است فقط به یک زمینه محدود باشد و به‌طور مکرر در خانه دیده شود. با این وجود، در بیشتر موارد نشانه‌های این اختلال در چند زمینه دیده می‌شود. اختلال نافرمانی مقابله‌ای بیش‌ترین شیوع را در خانواده‌هایی دارد که والدین یا مراقبان کودک، در قبال رفتارهایشان پاسخگو نیستند یا در مراقبت از کودک اهمال می‌کنند.

افراد مبتلا به نافرمانی مقابله‌ای به‌طور چشمگیری روابطشان با والدین، معلمان و همسالان تخریب شده است. این کودکان بیش از دو انحراف استاندارد، پایین‌تر از مقیاس درجه‌بندی برای سازگاری اجتماعی عمل می‌کنند. همچنین این گروه آسیب اجتماعی بیش‌تری را نسبت به کودکان با اختلال‌های دوقطبی، افسردگی و اضطراب تجربه می‌کنند.

کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای در مدرسه پیشرفت خوبی ندارند و در روابط بین فردی با مشکل مواجه می‌شوند. آنان در کارکردهای اجرایی مشکل دارند و به‌طور معمول فاقد مهارت‌های شناختی و اجتماعی و عاطفی موردنیاز برای انجام تقاضاهای بزرگسالان هستند برخی از پژوهشگران در این زمینه معتقدند که اقدامات بزهکارانه در بیش‌تر موارد غیرمنطقی، غیرقابل پیش‌بینی و بی‌معنی نیستند؛ بلکه معنی این دست رفتارها در کودکان و نوجوانان این است که آن‌ها مهارت‌های اجتماعی را در طول کودکی یاد نگرفته‌اند. ناکارآمدی شایستگی اجتماعی با مشکلات روان‌شناختی رابطه دارد. از این‌رو، به برنامه‌ای متناسب با مشکلات رفتاری کودک نیازمندیم تا به‌واسطه‌ی آن از تشدید این رفتارها پیشگیری کنیم.

در طول سالیان متمادی روش‌های درمانی متنوعی برای مواجهه با مشکلات رفتاری و هیجانی کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای به کار گرفته شده است. در این زمینه بخشی از درمان‌ها بر مداخله‌های فردی و بخشی دیگر بر مداخله‌های خانوادگی متمرکز شده‌اند؛ برنامه‌های متنوعی از قبیل آموزش والدین برای کمک به مدیریت رفتار کودک، روان‌درمانی فردی برای مدیریت خشم خانواده، درمانی برای بهبود ارتباط آموزش مهارت‌های اجتماعی برای افزایش انعطاف‌پذیری و تحمل ناکامی در بین همسالان و درمان شناختی.





مهدی میرزایی

کارشناس ارشد علوم تربیتی

شناخت و کاربرد روش‌ها و رویکردهای جدید در فرایند یاددهی یادگیری، در درس‌هایی همچون مطالعات اجتماعی که به مسائل پراهمیت روزمره‌ی زندگی واقعی دانش‌آموزان در محیط اجتماعی می‌پردازد، برای معلمان اهمیت فراوانی دارد. آنان ضمن آشنایی با این روش‌ها و رویکردها، باید تجربه‌های آموزشی و تربیتی حاصل از کاربرد آن‌ها را به کار ببرند و فایده‌های آن را اشاعه دهند.

احترام به قوانین و مقررات و پایبندی به آن‌ها به عنوان بخشی از ارزش‌های اجتماعی و دینی و اشاعه‌ی این فرهنگ از مهم‌ترین مؤلفه‌های جامعه‌پذیری دانش‌آموزان است. رعایت این موضوع نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت و تربیت دینی فرد دارد و حس تعهد و مسئولیت‌پذیری را رشد می‌دهد. به کارگیری تجربه‌های برتر آموزشی و تربیتی، در خصوص اهمیت رعایت قوانین و مقررات توسط دانش‌آموزان، می‌تواند منبعی مهم و غنی برای اصلاح روش‌ها و رویکردهای یاددهی معلمان در کلاس درس باشد. به کارگیری این تجربه‌ها همچنین حس تعهد و پایبندی به رعایت قوانین و مقررات را در دانش‌آموزان افزایش می‌دهد.

روایت رعایت

تجربه‌ای از آموزش
اهمیت قانون و مقررات



درس مطالعات اجتماعی در همه‌ی پایه‌های تحصیلی، به‌ویژه دوره‌ی ابتدایی، از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ این اهمیت در برخی زمینه‌ها خودش را بیشتر نشان می‌دهد؛ زمینه‌هایی مانند هویت‌بخشی، جامعه‌پذیری، انتقادپذیری، الگوپذیری، تجزیه و تحلیل، قضاوت، ارزشیابی و همچنین یادگیری مفاهیم رفتارها و مسائل مهم زندگی اجتماعی برای زندگی مطلوب در اجتماع.

تجربه‌ای لذت‌بخش

محتوای کتاب فقط در حد دو صفحه، آن هم به صورت گذرا، در مورد مقررات توضیح داده بود؛ لذا تصمیم گرفتیم فراتر از محتوای محدود کتاب عمل کنیم. از روش تصویرخوانی کارتی استفاده کردیم. نخست کارت‌هایی رنگی را تهیه کردیم که روی آن‌ها شکل‌های متنوع و جذاب مربوط به مفاهیم گوناگون رعایت مقررات بود. این کارت‌ها را از اینترنت گرفتیم. از نقاشی‌های کاغذی ابداعی خودمان که به صورت مشترک و ساده کشیده بودیم نیز برای آموزش اولیه استفاده کردیم. سپس

برای اجرای عملی بهتر، تصمیم گرفتیم از الگوی فعال تدریس دریافت مفهوم استفاده کنیم. در این الگو معلم نقش هدایت‌کننده، ثبت‌کننده و کنترل‌کننده‌ی آموزشی دارد. بدین منظور، تصمیم گرفتیم با ارائه‌ی مثال مصداق‌های مناسب یک مفهوم را آموزش دادیم. برای اجرای این راهبرد، دانش‌آموزان را به خارج از مدرسه بردیم و به آن‌ها اهمیت نظم، رعایت نوبت، ادب و احترام در صف نانوائی را نشان دادیم. بچه‌ها در این بازدید متوجه شدند که رعایت این نظم برای رضایت و آرامش مشتریان و کارایی بهتر خدمه‌ی نانوائی است.

موارد دیگری که در این زمینه با بچه‌ها کار کردیم، عبارت‌اند از: رعایت صف در مراسم صبحگاه مدرسه، گذاشتن وسایل مورد نیاز در سر جای خود در کلاس و بلندنبودن صدای دانش‌آموزان در هنگام صحبت کردن. برای آموزش اهمیت این موارد، به بچه‌ها نشان دادیم که اگر چنین قوانینی رعایت نشود، چه اتفاق ناخوشایندی می‌افتد؛ مثلاً وسایل کلاس را در هم ریخته و علاوه بر این، از دانش‌آموزان هم خواستیم وسایل درون کیفشان را در هم بریزند که حالت ناخوشایندی برایشان ایجاد شود و اهمیت نظم را دریابند. همچنین در موقع زنگ ورزش، هنگام

انجام حرکات ورزشی و بازی فوتبال، پنهانی و با طرحی از قبل برنامه‌ریزی شده از چند دانش‌آموز خواستیم حرکات ورزشی را به صورت ناهماهنگ و نامنظم انجام دهند و در فوتبال هم اختلال تیمی ایجاد کنند. بدین ترتیب به صورت عملی به بچه‌ها خسارات ناشی از بی‌نظمی، رعایت نکردن نوبت، رعایت نکردن ادب و احترام، اختلال در کارها، دشمنی و اختلاف، تعهدناشتن، سوءاستفاده‌ی فردی و گروهی را به صورت عملی نشان دادیم. از روش جذاب و مورد علاقه‌ی بچه‌ها یعنی اجرای نمایش در کلاس و خارج از کلاس نیز استفاده کردیم. بچه‌ها همچنین با علاقه‌ی فراوان، به صورت فردی و گروهی، روی کارت‌هایی مقوایی تصویرهایی ساده را همراه با توضیح در مورد نکات آموزشی و تربیتی موضوع درس نقاشی کردند. سپس آن کارت‌ها را در جعبه‌هایی که اسم آن‌ها را جعبه‌های شگفت‌انگیز مفاهیم اجتماعی گذاشته بودند، قرار دادند. دانش‌آموزان گاهی از جعبه‌ها، کارت‌ها را به امانت می‌گرفتند و بعد از چند روز می‌آوردند.

تصویرهایی را هم از درس مطالعات اجتماعی، با همفکری و مشورت دانش‌آموزان تهیه و نامگذاری و روی دیوار کلاس نصب کردیم. تغییر رفتار تدریجی دانش‌آموزان را نیز همراه با بازخوردهای آن در این مرحله به اطلاع خود بچه‌ها و والدین آن‌ها می‌رساندیم و به‌زای درک مفاهیم مربوط به مثال‌های مثبت، جایزه‌هایی به دانش‌آموزان می‌دادیم.

نتیجه‌های این تجربه‌ی لذت‌بخش

این تجربه بر اساس هدف پنجم دوره‌ی ابتدایی، در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، یعنی ایجاد محیط یادگیرنده در مدرسه با محوریت فعالیت‌های یادگیری و هدف ششم یعنی توسعه‌ی یادگیری گروهی و خلاق و استفاده از روش‌های نوین و فعال تدریس در راستای افزایش مهارت‌ها و نگرش‌های مورد نیاز، برای زندگی در عصر حاضر و آینده، صورت گرفت.

در این طرح، از روش تصویرخوانی کارتی، در قالب تدریس فعال دریافت مفهوم و ارائه‌ی مثال و مصداق به صورت مثبت استفاده کردیم. این روش از ویژگی‌هایی نظیر تنوع، جذابیت، گستردگی، عینیت، انعطاف‌پذیری و سادگی کار برخوردار است. از این طریق، مفاهیم درسی کتاب مطالعات اجتماعی در پایه‌ی ابتدایی را به خوبی آموزش دهم. همچنین مفاهیمی تربیتی نظیر تعهد به قوانین و مقررات، اهمیت زندگی جمعی، امانت‌داری، نقدپذیری، تعهد گروهی، حفظ انسجام و استفاده‌ی عملی از تجربه‌های مشترک دیگران نیز به دانش‌آموزان توضیح و آموزش داده شد. خداوند را شاکرم با شیوه‌ای بدیع و جذاب توانستیم به اهداف مورد نظر برسیم.





دور دنیا با مجلات رشد

راهکارهای نوین و ابتکاری ترغیب دانش آموزان دوره‌ی ابتدایی به مطالعه‌ی مجلات رشد

اعظم هارونی

کارشناس ارشد مهندسی کامپیوتر، نرم افزار

کیمیا محمدی کاشانی

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی

راهکارهای جذاب و خلاقانه استفاده کرد:

● **ایجاد باشگاه مجلات رشد:** باشگاه مجلات رشد در مدرسه، مکانی است که دانش آموزان می‌توانند، در آن فضا، ضمن مطالعه‌ی مجلات رشد، به صورت گروهی، درباره‌ی آن‌ها با یکدیگر گفت‌وگو کنند. تشکیل چنین باشگاهی محیطی دوستانه و پویا برای مطالعه ایجاد می‌کند. همچنین اعضای باشگاه می‌توانند فعالیت‌هایی مانند بحث‌های گروهی، نمایشنامه‌نویسی بر اساس داستان‌های مجلات و حتی ساخت کار دستی مرتبط با مقالات را انجام دهند.

● **اعطای جایزه مطالعه:** معلمان می‌توانند برنامه‌ای طراحی کنند که در آن، دانش آموزان به ازای هر تعداد مشخصی از مجلات که می‌خوانند، امتیاز دریافت کنند و در نهایت جوایزی مانند کتاب‌های مورد علاقه یا ابزارهای آموزشی دریافت کنند. این طرح تشویقی می‌تواند انگیزه‌ی آن‌ها را برای مطالعه افزایش دهد.

● **انتخاب روزی به نام روز رشد:** معلمان

مهارت‌های خواندن و نوشتن دانش آموزان دوره‌ی ابتدایی باشند؛ اما تشویق دانش آموزان به مطالعه‌ی چنین منابعی نیازمند طراحی فعالیت‌هایی است که بتوانند توجه و علاقه‌ی دانش آموزان را به این نوع محتوا جلب کند. در ادامه، برخی از این راهکارها بیان می‌شود؛ راهکارهایی که می‌توانند به طور مؤثری دانش آموزان را به مطالعه‌ی مجلات رشد ترغیب کنند.

برای ترغیب دانش آموزان دوره‌ی ابتدایی به مطالعه‌ی مجلات رشد، می‌توان از این ایده‌ها و

مطالعه یکی از مهم‌ترین ابزارهای یادگیری و توسعه‌ی فردی است و نقشی اساسی در پرورش ذهن و شخصیت دانش آموزان دارد. در این راستا، مجلات آموزشی، نظیر مجلات رشد، با محتوای متنوع و متناسب با سنین گوناگون، می‌توانند منابع ارزشمندی برای گسترش دانش و تقویت





مدرسه یا حتی در شماره‌ای ویژه از مجله‌ی مدرسه چاپ شوند.

● **همکاری با تصویرگران و نویسندگان:** ترتیب‌دادن جلسات مجازی یا حضوری با تصویرگران و نویسندگان مجلات رشد می‌تواند برای دانش‌آموزان الهام‌بخش باشد. آن‌ها می‌توانند درباره‌ی فرایند خلق محتوا، ایده‌های پشت داستان‌ها و همچنین تجربه‌های شخصی این حرفه‌ها بیشتر بدانند.

● **برگزاری گشت (تور) مجازی مجله:** گشتی مجازی برای بازدید از مجله‌ی رشد طراحی کنید که دانش‌آموزان را به صورت دیجیتال از بخش‌های متعدد مجله عبور دهد. این گشت می‌تواند شامل تکه‌فیلم‌های (کلیپ‌های) کوتاه، پادپخش‌های (پادکست‌های) صوتی یا بازی‌های تعاملی مرتبط با موضوعات مجله باشد تا تجربه‌ی مطالعه را جذاب‌تر کند.

● **تشکیل گروه‌های مطالعه:** تشکیل گروه‌های کوچک مطالعه در کلاس یا مدرسه، به دانش‌آموزان انگیزه می‌دهد تا به طور گروهی به مطالعه بپردازند. هر گروه می‌تواند بخشی از مجله را مطالعه و به دیگر گروه‌ها معرفی کند.

● **استفاده از فناوری و رسانه‌های دیجیتال:** ایجاد محتوای دیجیتال مرتبط با مجلات رشد، مانند تکه‌فیلم‌های کوتاه، پادپخش‌ها یا بازی‌های آموزشی، می‌تواند دانش‌آموزان را به مطالعه‌ی بیشتر تشویق کند. معلمان می‌توانند از این منابع به عنوان مکملی برای مطالعه استفاده کنند.

امتیاز دهید و برنده‌ها را تشویق کنید. برای تشویق دانش‌آموزان می‌توانید بازی «جعبه‌ی شانس» را طراحی کنید. دانش‌آموزان برای دریافت جایزه می‌توانند، به صورت تصادفی، از جعبه‌ی شانس موردی را انتخاب کنند. در جعبه‌ی شانس می‌توان یادداشت‌هایی را نیز قرار داد که حاوی این پیام‌ها باشد:

- یک هفته نماینده‌ی معلم شدی، بهت تبریک می‌گم!

- هفته‌ی آینده سرگروه گروهت باش! این بازی می‌تواند به صورت هفتگی برگزار شود. به تدریج دانش‌آموزان به مطالعه‌ی بیشتر ترغیب می‌شوند.

● **برگزاری چالش نویسندگی:** دانش‌آموزان را تشویق کنید بر اساس مطالبی که در مجلات رشد خوانده‌اند، داستانی بنویسند. دانش‌آموزان در پایه‌های پایین‌تر هم می‌توانند نقاشی بکشند و آن را با دوستان خود به اشتراک بگذارند. بهترین نوشته‌ها و نقاشی‌ها می‌توانند در روزنامه دیواری

می‌توانند روز خاصی در ماه یا هفته را به عنوان «روز رشد» مشخص کنند. در این روز، معلمان و دانش‌آموزان می‌توانند لباس‌های خاص یا رنگ‌های مرتبط با موضوعات مجلات رشد بپوشند، فعالیت‌های کلاسی‌ای را بر اساس موضوعات مجلات تنظیم کنند و زمان ویژه‌ای برای مطالعه و مرور مجلات در نظر بگیرند.

● **قصه‌گویی تعاملی:** معلمان می‌توانند از داستان‌های موجود در مجلات رشد برای جلسه‌های قصه‌گویی تعاملی استفاده کنند، به طوری که دانش‌آموزان بخشی از داستان را بشنوند و سپس خودشان ادامه‌ی آن را تصور و بازگو کنند. این فعالیت خلاقانه می‌تواند تخیل و علاقه به مطالعه را در دانش‌آموزان تقویت کند.

● **طراحی جلسات پرسش و پاسخ:** می‌توانید سؤالاتی را از محتوای مجلات رشد طراحی و آن‌ها را به صورت بازی‌ای تعاملی بین دانش‌آموزان مطرح کنید. به دانش‌آموزانی که پاسخ صحیح می‌دهند،





آموزش کاردستی
نشانه‌گذار کتاب و
نمونه طرح

کاردستی حسابی



مریم جلیلی

کارشناس گرافیک و آموزگار هنر پایه‌ی اول تا ششم ابتدایی

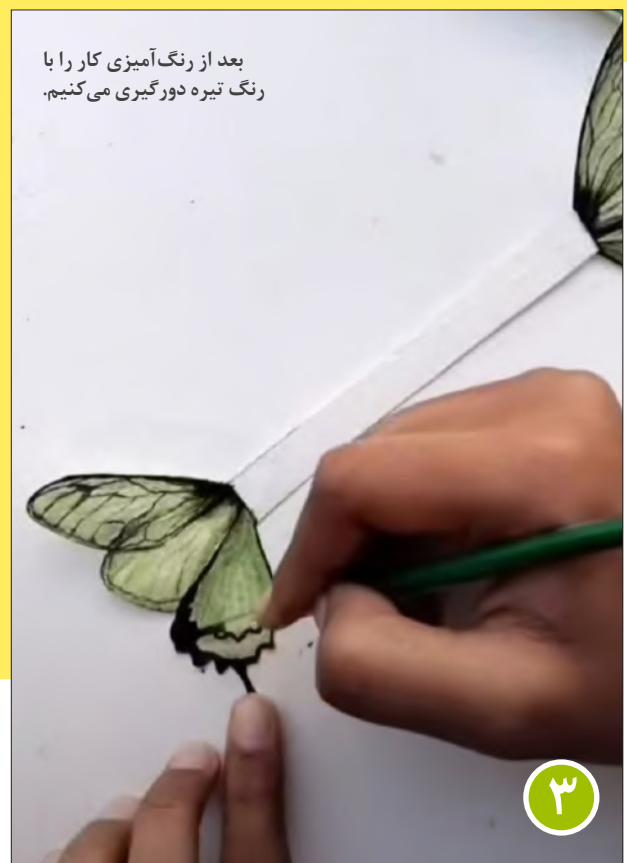
نشانه‌گذار کتاب (بوک‌مارک) ابزاری کوچک اما کاربردی است که به خوانندگان کمک می‌کند جای خواندن خود را در کتاب و جزوه‌های درسی علامت‌گذاری کنند. این وسیله‌ی ساده امکان بازگشت آسان به همان نقطه‌ی دلخواه در کتاب را فراهم می‌آورد، بدون اینکه نیاز به خم کردن گوشه‌ی صفحه یا استفاده از وسایل نامناسب دیگری باشد.

بر کسی پوشیده نیست که مطالعه و کسب علم پیش‌شرط اصلی ظلم‌ستیزی است که یکی از مهم‌ترین وظایف انسانی محسوب می‌شود. مطالعه و کسب دانش اعتبار و عظمتی انکارنشدنی دارد و خواندن کتاب تأثیرات باورنکردنی روی ذهن و عملکرد انسان در زندگی فردی و اجتماعی می‌گذارد. خواندن کتاب، واژگان و دستور زبان دانش‌آموزان را به‌خصوص در درس فارسی بهبود می‌بخشد و باعث بالابردن دایره‌ی لغات آن‌ها و آشنایی با اصطلاحات جدید می‌شود. از این‌رو، استفاده از روش‌ها و ابزاری که بچه‌ها را به مطالعه ترغیب کنند، لازم به نظر می‌رسد. ساخت کاردستی‌های مرتبط یکی از این روش‌ها می‌تواند باشد.

بهترین کاردستی‌ها بیشتر اوقات شامل کاردستی‌های کاغذی یا مقوایی هستند. دردسترس بودن لوازم موردنیاز این امکان را به دانش‌آموز می‌دهد تا هر زمانی که اراده کرد، پروژه‌های را انتخاب کند و آن را در محیطی کاملاً خلاقانه تا انتها پیش ببرد. بسیاری از مهارت‌های مهم و حل مسئله را می‌توان از طریق همین کاردستی‌های کاغذی و ساده آموخت. از این نوع کاردستی‌ها همچنین می‌توان در بهبود آموزش درس ریاضی در قسمت قرینه‌ها استفاده کرد. حالا می‌خواهیم سرگرمی پربراری مثل کتاب‌خواندن را همراه با کاردستی آسانی جذاب‌تر کنیم. امیدوارم پروانه‌های خیال خود را در کتاب‌ها پرواز دهید و تمامی پله‌های اطراف خود را بگسلانید. آینده‌ی روشن از آن شماست.

لوازم موردنیاز: کاغذ یا مقوا، قیچی، مداد، خط‌کش، وسیله‌ی رنگ‌آمیزی به دلخواه، ماژیک یا آبرنگ یا هر وسیله‌ی دیگری که می‌توان برای رنگ‌آمیزی استفاده کرد.







سنجش دانایی و توانایی

آشنایی با آزمون عملکردی



حانیه بیابانی
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی،
آموزگار پایه‌ی ششم ابتدایی، سمنان
شهرستان شاهرود

مستطیل شکلی را بسازد، روزنامه‌ی دیواری تهیه کند یا مجموعه‌ای از سنگ‌ها را گرد هم آورد. ۴. آزمون عملکردی در موقعیت‌های واقعی یا شبیه‌سازی‌شده: در این نوع از آزمون عملکردی، معلم سعی می‌کند با ایجاد موقعیتی واقعی یا شبه‌واقعی دانش‌آموز را در شرایطی قرار دهد تا دانش آموخته‌شده‌ی خود را به کار بگیرد؛ مثلاً طرح جمع‌آوری و بازیافت زباله را در مدرسه یا کلاس خود برنامه‌ریزی یا اجرا کند، برای مراسم روز دختر در مدرسه جعبه‌های کوچک مکعبی بسازد و مقدار مقوای مصرفی را پیش‌بینی و محاسبه کند.

دانشی دست یافته‌اند، چه میزان از توانمندی را کسب کرده‌اند یا قادر به کار بست چه دانش‌هایی در موقعیت‌های واقعی هستند (حسنی، ۱۳۹۵). بسیاری از افراد آزمون عملکردی را مساوی ساخت یک کار دستی می‌دانند. برخلاف این تصور عمومی اشتباه که درباره‌ی آزمون‌های عملکردی وجود دارد، انواع متعددی از آزمون‌های عملکردی وجود دارند که بسته به موضوع و هدف یادگیری می‌توانند استفاده شوند.

انواع آزمون عملکردی

۱. آزمون‌های عملکردی کتبی: در این آزمون‌ها معلم از دانش‌آموز می‌خواهد خروجی کار خود را به صورت مکتوب ارائه دهد؛ مثلاً گزارشی از یک بازدید یا داستانی کوتاه بنویسد یا نقشه‌ای رسم کند.

۲. آزمون عملکردی شناسایی: در این نوع آزمون، معلم از دانش‌آموز می‌خواهد فعالیتی را انجام دهد؛ مثلاً غلط‌های املائی متنی را پیدا کند، محل رودخانه‌ای را روی نقشه بیاید یا آرایه‌ای ادبی را در متن پیدا کند.

۳. آزمون عملکردی نمونه‌کار: این نوع آزمون عملکردی با استقبال زیادی روبه‌رو شده است. بیشتر معلمان آزمون عملکردی را مساوی با همین نوع خاص می‌دانند. در این نوع از آزمون‌های عملکردی از دانش‌آموز خواسته می‌شود حاصل فعالیت عملی خود را به صورت نمونه‌کاری ارائه دهد؛ مثلاً جعبه‌ی

در پی تغییر نظام آموزشی و شیوه‌ی ارزشیابی در دوره‌ی ابتدایی، از ارزشیابی کمی به ارزشیابی کیفی توصیفی، دیگر نمرات کسب‌شده‌ی دانش‌آموزان، تنها ملاک سنجش یادگیری نیستند. امروزه برای سنجش از ابزارهای متنوع ارزشیابی نظیر آزمون‌های مدادکاغذی، فعالیت‌های یادگیری، ثبت مشاهدات، خودسنجی و همسال سنجی، آزمون‌های عملکردی و... استفاده می‌شود. تنوع روش‌های ارزشیابی این فرصت را فراهم می‌آورد تا معلمان یادگیری دانش‌آموزان را در سطح‌های گوناگون بسنجند و زمینه‌ی یادگیری را برای آن‌ها فراهم آورند.

آزمون‌های عملکردی از ابزارهای ارزشیابی کیفی توصیفی هستند و از آنجا که مهارت‌های یادگیری را ارزیابی می‌کنند، اهمیت ویژه‌ای دارند. این گونه آزمون‌ها نشان می‌دهند که دانش‌آموز کاربرد دانش یادگرفته‌شده را در موقعیت‌های واقعی یا نسبتاً واقعی آموخته است و این خود حکایت از عمق یادگیری اوست. آزمون‌های کتبی یا شفاهی به تنهایی نمی‌توانند عمق یادگیری دانش‌آموزان را بسنجند. برای سنجش سطوح بالاتر یادگیری، لازم است معلمان از ابزارهایی مانند آزمون عملکردی استفاده کنند. با آزمون‌های عملکردی شرایطی به وجود می‌آید که علاوه بر معلومات دانش‌آموزان، چگونگی دانستن و عملکرد آنان نیز مشاهده و بررسی شود. در واقع آزمون‌های عملکردی علاوه بر «دانستن»، «توانستن» را نیز بررسی می‌کنند.

آزمون عملکردی ابزار خاصی است که از طریق آن، دانش‌آموزان با اجرای فعالیتی اثری را تولید می‌کنند یا در عمل نشان می‌دهند به چه





اینکه معلمان از کدام یک از این روش‌ها استفاده کنند، به عوامل متعددی بستگی دارد؛ اما بهتر است معلمان برای حفظ تنوع و جذابیت به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که طی سال تحصیلی انواع متعددی از آزمون‌های عملکردی استفاده شود.

مراحل تهیه‌ی آزمون عملکردی

برای تهیه‌ی یک آزمون عملکردی کامل باید مراحل را طی کرد و نکاتی را مدنظر قرار داد. این مراحل عبارت‌اند از:

گام اول: تعیین هدف‌ها

در ابتدا باید هدف‌های موردنظر به درستی تعیین شوند و به اطلاع دانش‌آموز برسد. در یک آزمون عملکردی صحیح باید به اهدافی توجه کرد که جزوی از هدف‌های اساسی واحد یادگیری هستند. هدف‌هایی که نمی‌توان آن‌ها را با سایر ابزارهای ارزشیابی اندازه‌گیری کرد. بدین منظور، دانش‌آموز باید پیش‌نیازهای آن اهداف را در گذشته کسب کرده و دانش لازم برای رسیدن به آن‌ها را فراگرفته باشد.

گام دوم: تعیین فعالیت مناسب با اهداف

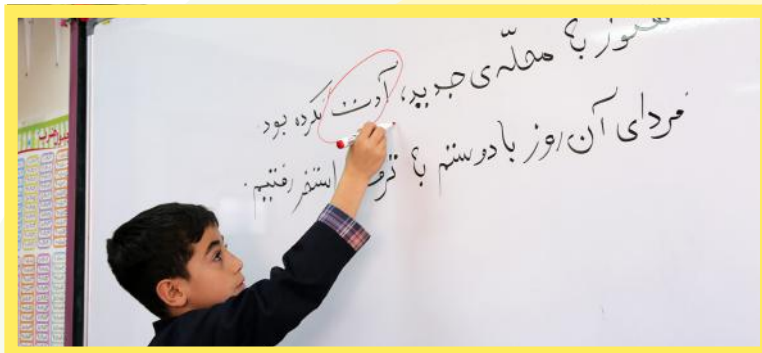
در این گام معلم باید فعالیت مناسبی را برای رسیدن به هدف‌ها طراحی کند. بی‌شک خلاقیت معلم از مهم‌ترین عوامل موفقیت بیشتر او در این مرحله است. فعالیت باید به گونه‌ای طراحی شود که انجام آن برای دانش‌آموز جذاب و تفکربرانگیز باشد.

گام سوم: تعیین وسایل

باید مواد و وسایل موردنیاز دانش‌آموز، برای انجام فعالیت، مشخص و در صورت امکان تهیه شود. بهتر است فعالیت به گونه‌ای طراحی شود که برای اجرای آن از وسایل ساده، بی‌خطر و در دسترس استفاده شود.

گام چهارم: مشخص کردن ارزشیابی

دانش‌آموز باید از چگونگی ارزشیابی آگاه شود. این کار تصویر روشنی از هدف‌ها و چگونگی انجام فعالیت را به دانش‌آموز می‌دهد.



منبع
حسنی، محمد، ۱۳۸۷، راهنمای
اجرای ارزشیابی کیفی توصیفی
در کلاس درس، تهران: عابد.

وصف بالندگی

معرفی منابع آموزشی ارزشیابی توصیفی



سمیه سورانی
کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، آموزگار
پایه سوم ابتدایی، شهرستان ملارد

- ایجاد رویکردهای نوآورانه: مطالعه منابع به معلمان اجازه می‌دهد با رویکردها و شیوه‌های نوین ارزشیابی آشنا شوند و بتوانند آن‌ها را در کلاس‌های خود پیاده سازند.
- پشتیبانی از تصمیم‌گیری: اطلاعات و داده‌های به‌دست‌آمده از منابع متعدد می‌توانند به معلمان در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با آموزش و یادگیری کمک کنند.
- توسعه برنامه‌های آموزشی: با توجه به نتیجه‌ها و یافته‌های موجود در منابع، معلمان می‌توانند برنامه‌های آموزشی خود را بهبود بخشند و آن‌ها را با نیازهای دانش‌آموزان هماهنگ کنند.

- تبادل تجربه‌ها: مطالعه منابع به معلمان این امکان را می‌دهد که از تجربه‌های دیگران بهره‌برداری کنند و بهترین شیوه‌ها را در زمینه ارزشیابی توصیفی به کار ببرند.
در نتیجه، مطالعه منابع در حوزه ارزشیابی توصیفی نه تنها به بهبود فرایند ارزیابی کمک می‌کند، بلکه به ارتقای کیفیت آموزش و یادگیری نیز منجر می‌شود. در جدولی که در ادامه می‌آید، برخی از منابع در حوزه ارزشیابی توصیفی که راهگشای معلمان و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش است، آورده شده است.

مفاهیم و اصول ارزشیابی توصیفی را به خوبی درک کنند و بتوانند از آن‌ها در عمل استفاده کنند.

- توسعه مهارت‌های ارزیابی: با مطالعه روش‌ها و فنون متعدد ارزشیابی توصیفی، معلمان می‌توانند مهارت‌های خود را در این زمینه بهبود بخشند و برای ارزیابی دانش‌آموزان، به شیوه‌های مؤثرتری دست یابند.

- شناسایی چالش‌ها و راهکارها: منابع متعدد می‌توانند چالش‌های موجود در ارزشیابی توصیفی را شناسایی کنند و راهکارهایی برای غلبه بر آن‌ها ارائه دهند. این امر به معلمان کمک می‌کند با مشکلات احتمالی مواجه شوند و راه‌حل‌های مناسبی بیابند.

به فرایند جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل اطلاعات و تفسیر آن‌ها که حاصل به‌کارگیری ابزارهای متعدد آموزشی، از جمله آزمون‌های عملکردی، ثبت مشاهدات، بررسی تکلیف‌ها و فعالیت‌های دانش‌آموزان و موارد دیگر می‌شود، «ارزشیابی توصیفی» گفته می‌شود. مطالعه منابع در حوزه ارزشیابی توصیفی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در ادامه به دلایلی اشاره می‌شود که اهمیت مطالعه منابع در این حوزه را نشان می‌دهند:
- درک عمیق‌تر از مفاهیم: مطالعه منابع متعدد به معلمان و پژوهشگران کمک می‌کند

یادگیری و آموزش.

کتاب راهنمای اجرای ارزشیابی کیفی توصیفی

نویسنده: دکتر محمد حسینی

ناشر: سمت / سال انتشار: ۱۳۹۸

تعداد صفحات: ۲۵۰

موضوع کتاب: کتاب ارزشیابی توصیفی: نظریه و عمل به بررسی مفاهیم، اصول و روش‌های ارزشیابی توصیفی در نظام آموزشی می‌پردازد. این کتاب به ویژه برای معلمان، مدیران و پژوهشگران حوزه آموزش و پرورش مناسب است و به آن‌ها کمک می‌کند تا با روش‌های نوین ارزشیابی آشنا شوند.

جزئیات و محتوای کتاب

۱. مفاهیم پایه

- تعریف ارزشیابی توصیفی و تفاوت آن با ارزشیابی سنتی.
- اهمیت ارزشیابی توصیفی در فرایند

۲. اصول ارزشیابی توصیفی

- اصول کلی ارزشیابی توصیفی شامل شفافیت، عدالت و جامعیت.
- تأکید بر یادگیری مستمر و بازخورد به دانش‌آموزان.

۳. روش‌های ارزشیابی توصیفی

- معرفی روش‌های متعدد ارزشیابی توصیفی، از جمله مشاهده، مصاحبه و پرسش‌نامه.
- نحوه طراحی ابزارهای ارزشیابی و جمع‌آوری داده‌ها.

۴. تحلیل و تفسیر داده‌ها

- روش‌های تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از ارزشیابی توصیفی.





ردیف	نام کتاب	نام نویسنده	نام ناشر	سال انتشار
۱	الگوی نو در ارزشیابی تحصیلی: ارزشیابی توصیفی: ارزشیابی برای یادگیری بهتر	محمد حسنی، حسین احمدی، زهرا حصاربانی	مدرسه‌ی برهان	۱۳۸۴
۲	ارزشیابی کیفی - توصیفی/ ویژه‌ی والدین	محمدحسن رادمنش	مؤلف	۱۳۸۹
۳	ارزشیابی توصیفی: الگوی نو در ارزشیابی تحصیلی	محمد حسنی، حسین احمدی	برهان	۱۳۸۵
۴	اصول و راهنمای عملی تهیه و ارائه‌ی بازخوردهای توصیفی در کلاس درس	ایرج خوش خلق	چون	۱۳۸۶
۵	راهنمای معلم در ارزشیابی توصیفی/ ویژه‌ی معلمان پایه‌ی اول	آمنه احمدی، طیبه حمزه‌بیگی، طاهره رستگار و دیگران	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران	۱۳۹۳
۶	راهنمای اجرای ارزشیابی کیفی - توصیفی در کلاس درس	دکتر محمد حسنی	عابد	۱۴۰۱ ویرایش سوم
۷	راهنمای معلم در ارزشیابی توصیفی/ ویژه‌ی معلمان پایه‌ی اول و دوم ابتدایی	آمنه احمدی، طیبه حمزه‌بیگی، طاهره رستگار و دیگران	شرکت چاپ و توزیع کتاب‌های درسی	۱۳۹۳
۸	تقویت مهارت املانویسی با بازخورد توصیفی	بهمن قره‌داغی	لوتوس	۱۳۹۱
۹	راهنمای آشنایی مادران و پدران با برنامه‌ی ارزشیابی کیفی - توصیفی	بهمن قره‌داغی	زنده‌اندیشان	۱۳۹۱ ویرایش دوم
۱۰	مدیریت بازخورد	بهمن قره‌داغی	زنده‌اندیشان	۱۳۹۲ ویرایش دوم
۱۱	خودسنجی و همسال سنجی؛ مقصد ارزشیابی کیفی - توصیفی	بهمن قره‌داغی	زنده‌اندیشان	۱۳۹۲ ویرایش دوم
۱۲	مدیریت پوشه‌ی کار، جورچین دانستن، توانستن و به‌کار بستن در ارزشیابی کیفی - توصیفی	بهمن قره‌داغی	زنده‌اندیشان	۱۳۹۲ ویرایش دوم
۱۳	سنجش مشاهده‌ای، شیوه‌ای نو در خدمت ارزشیابی کیفی - توصیفی	بهمن قره‌داغی	زنده‌اندیشان	۱۳۹۲ ویرایش دوم
۱۴	بهبود یادگیری با آزمون‌های مدادکاغذی	بهمن قره‌داغی	کوروش	۱۳۸۹ ویرایش دوم
۱۵	سنجش فرایند و فراورده‌ی یادگیری روش‌های قدیم و جدید	بهمن قره‌داغی	کوروش	۱۳۸۹
۱۶	اصول و راهنمای عملی آموزش گام‌به‌گام ساخت و تهیه‌ی آزمون عملکرد	علی اکبر سیف	آگاه	۱۳۸۴
۱۷	ارزشیابی توصیفی یعنی بازخورد مؤثر	ایرج خوش خلق	زنده‌اندیشان	۱۳۹۱
۱۸	ارزشیابی توصیفی و کاربرد آن در آموزش و پرورش	طاهره رستگار	منادی تربیت	۱۳۸۹
۱۹	ارزشیابی توصیفی بهبوددهنده‌ی عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان	زهرا ابراهیمیان، اعظم جولایی	الماس قلم	۱۴۰۳
۲۰	ارزشیابی توصیفی در آموزش و پرورش	زهرا زاده‌علی‌فرش، لیلا شهبی‌صحراکار، هانیه زارع کریمی	جالیز	۱۴۰۲
۲۱	ارزشیابی توصیفی در نظام تعلیم و تربیت نوین	فاطمه قمری، غزال فاضلی، صغری رحیمی، محسن اکبری	چشم‌انداز قطب	۱۴۰۲
		ریاب قربی، فریبا عالی‌زاده	اروانه	۱۴۰۲

• نحوه‌ی تفسیر نتایج و ارائه‌ی بازخورد به دانش‌آموزان.

۵. کاربرد در کلاس درس

• مثال‌های عملی از پیاده‌سازی ارزشیابی توصیفی در کلاس‌های درس.

• راهکارهایی برای معلمان در استفاده از ارزشیابی توصیفی به‌منظور بهبود یادگیری دانش‌آموزان.

۶. چالش‌ها و راهکارها

• بررسی چالش‌های موجود در پیاده‌سازی ارزشیابی توصیفی و ارائه‌ی راهکارهای عملی برای غلبه بر آن‌ها.

ویژگی‌های کتاب

۱. نشر روان و قابل فهم: کتاب به‌گونه‌ای نوشته شده است که درک آن برای معلمان و دانشجویان راحت باشد.

۲. مثال‌های عملی: این مثال‌ها شامل

مثال‌های واقعی از کلاس‌های درس و تجربه‌های معلمان در استفاده از ارزشیابی توصیفی است.

۳. منابع و مراجع: در این کتاب فهرست منابع و مراجع، برای مطالعه‌ی بیشتر در زمینه‌ی ارزشیابی توصیفی، آمده است.

من تو را دوست دارم!



اعظم لاریجانی
کارشناس عکاسی

این داستان برگرفته از خاطره بهاره طالعی است. وی مدرک کارشناسی ارشد مشاوره دارد و در حال حاضر، با شش سال سابقه‌ی کار، به‌عنوان مربی کودک و معلم کلاس اول مشغول به کار است. در دوران کرونا، یکی از مربیان مدرسه‌ی تلویزیونی بود و بابت تدریس خلاقانه‌اش در این برنامه از اداره‌ی کل آموزش و پرورش لوح تقدیر گرفت. از دیگر فعالیت‌های او یک دوره عضویت در تیم تألیف کتاب‌های پیش‌دبستان است.

ساعت ۱۰ بود و همه‌ی معلمان دفتر را ترک کرده بودند، به‌جز او که گوشی به‌دست کنار پنجره خشکش زده بود. نورا از لابه‌لای لوردایه عبور می‌کرد و روی صورتش رد می‌انداخت و درهم‌بودن سگرمه‌اش را بیشتر نشان می‌داد. آنچه چند دقیقه قبل شنیده بود، مثل آب سردی روی همه‌ی شوق و احساس کامل بودنش ریخت. آن واژه‌ها مدام در سرش می‌چرخید و می‌چرخید و از آن‌ها خلاصی نداشت. انگار می‌خواست خودش را شکنجه دهد. دوباره روی دکمه‌ی پخش (پلی) زد و آن صدای خشن‌دار عصبانی در فضای دفتر پیچید: «خانم محترم، این چه وضعیه آخه؟ من بچهم رو فرستادم زیر دست شما که یه چیزی یاد بگیره، نه اینکه الانش همون باشه که اول بود. همون طور بدخط و خرچنگ‌قورباغه. اصلاً شما تحصیلات چیه؟ اصلاً چند سال سابقه‌ی کار داری؟ ببینم تو صلاحیت معلمی داری یا نه؟ کمترین کاری که می‌تونی بکنی اینه که به بچه‌بگی درست بنویسه. اینم نگی، دیگه چه انتظاری می‌تونیم ازت داشته باشیم؟ این همه داریم خرج می‌کنیم، وقت می‌ذاریم، هیچی به هیچی. والا من کسی دفتر بچهم رو ببینه، خجالت می‌کشم. شما به‌عنوان معلم نباید بگی این بچه از اول سال تا حالا دستخطش چه تغییری کرده؟! اگه الان مدرسه نفرستاده بودمش، همین بود که

الان هست. پس چه کاریه؟! دفترش رو که ورق می‌زنم، هیچ نشونه‌ای از شما نیست؛ نه تذکری، نه تشویقی، هیچ، هیچ، این چه وضعیه آخه؟» یک نفس حرف می‌زد و انگار نمی‌دانست نقطه چیست. کاش مادر آیدین آمده بود مدرسه و رودررو حرف می‌زد تا او هم بتواند وسط حرفش بپرد و بگوید: «بچه‌ها توی این سن هنوز عضلات انگشتانشون ضعیفه. نباید بهشون سخت گرفت.» حالا می‌فهمید که چرا آیدین یک بار گفته بود: «من، من شما رو نمی‌خوا... من از کلاس نگارش بدم می‌آد.» چقدر آن روز با شعر و بازی سعی کرده بود خودش را در دل او جا کند؛ ولی الان می‌دانست که هرچه او در کلاس می‌رسید، مادرش در خانه پنبه می‌کرد، از بس به بچه سخت می‌گرفت. حتماً داد می‌زد: «این چه خطیه! خاک تو سر تو و اون معلمت با این دست خط.»

حدس می‌زد مادری که این قدر بی‌پروا و بدون رعایت احترام حرف می‌زند، وقتی روبه‌رویش هم بایستد، شاید بدتر از این‌ها را به او می‌گفت؛ اما می‌خواست به خودش دل‌داری دهد. می‌خواست برای تک‌تک جملات او جواب‌هایی را ردیف کند و بگوید: «تحصیلات مرتبط دارم. تجربه دارم. بچه‌ی شما با بچه‌های دیگر فرق دارد. باید زمان بیشتری بهش داد. باید راه‌های گوناگون را امتحان کرد. نباید با فشار بیش از اندازه اعتماد به نفسش رو گرفت.» ولی این حرف‌ها فقط در دلش بود و گاهی لب می‌گشود و زیر لب جمله‌ای برای دل خودش می‌گفت: «وقتی بچه‌ای درست می‌نویسه، دیگه چه فرقی می‌کنه چطوری بنویسه؟ دیر یا زود بهتر نوشتن رو یاد می‌گیره.»

وقتی فکر می‌کرد این فایل صوتی را جلوی پسرش پر کرده و فرستاده است، سرش داغ می‌شد. -مهرانا، مهرانا، کجایی دختر؟ نمی‌ری سر کلاس؟! صدای معاون آموزشی بود که او را به خود آورد. گوشی در دست برگشت، نیاز به همدلی داشت. این بود که دستش دوباره رفت روی دکمه‌ی پخش و

دوباره آن واژه‌های ناخوشایند را گوش کرد. معاون می‌شنید و به موزاییک‌های کف اتاق خیره شده بود. دستانش را در هم گره کرده بود و می‌فشرد. تمام که شد، سرش را بلند کرد و قدمی به او نزدیک شد. دستش را روی دستان او گذاشت و گفت: «تو جوونی؛ اما کارت رو خوب بلدی. هیچ چی نباید تو روز هدفی که داری، منحرف کنه. اون مادر هم دلش می‌سوژه؛ ولی فقط داره جلوی پاش رو نگاه می‌کنه. تو این کار رو نکن. سرت رو بالا بگیر و اون دورها رو نگاه کن. هر کاری که می‌کنی، با خودت بگو این رفتار من یا این نحوه‌ی تدریس من چه تأثیری روی آینده و شخصیت بچه می‌ذاره.»

خانم معلم سرش را بالا آورد و نفس بلندی کشید و خیره شد به چشمان مهربان معاون و خواست چیزی بگوید؛ اما جلوی خودش را گرفت تا بیشتر از او بشنود که هر کلمه‌اش مثل نور امیدی به قلبش نفوذ می‌کرد.

-ببین عزیزم، می‌فهمم که احساس می‌کنی قدر زحمات رو ندونستن. این همه تلاشت رو ندیده گرفتن و هزار تا از این حرف‌ها. این‌ها رو بریز دور. این‌ها همه برات تلنگر باشه. با خودت بگو که آها! پس اینجای کار به کم و کسری هست. بذار ببینم براش چه کار می‌تونم بکنم. هر کاری بکن. فقط روشی را انتخاب نکن که قاتل خلاقیت بچه باشی!

هیچ نگفت. فقط معاون را در آغوش گرفت و بعدش به سرعت به سمت کلاس دوید. انگار خورشید در دلش می‌تابید. دوباره گرم شده بود، گرم‌تر از همیشه و روشن، آن قدر روشن که راهش را خوب ببیند.

چند روز گذشت و او دفتری انتخاب کرد و در هر صفحه‌ی آن، اسم یکی از دانش‌آموزان را نوشت. صفحه‌ی مخصوص آیدین داشت پر می‌شد: «آیدین دوست داره به دیگران یاد بده. بعضی وقت‌ها حرف‌هایی که آیدین درشت و بدخط می‌نویسد، به شکل حیوان، گل یا اشکال دیگری در می‌آید. آیدین در بیشتر درس‌ها اعتماد به نفس داره؛ اما در درس نگارش به خودش و دستانش بی‌اعتماد است...»

حالا دیگر نه تنها آیدین بلکه همه‌ی بچه‌ها را بهتر شناخته بود. نگاهی



به دفترش و صفحه‌ی آیدین انداخت و رفت بالای سر او. دفترش را نگاهی کرد و گفت: «بادکنک را چه جالب نوشتی! اینجا رو ببین! وقتی کاغذ رو می‌چرخونی، این کلمه شکل کله‌ی یک جوجه می‌شه.»

بچه‌ها از میز پشتی سرک می‌کشیدند تا کله‌ی جوجه را ببینند. بعد او را برد پای تخته تا به بچه‌ها یاد بدهد چطور باید بادکنک را بنویسند تا با چرخاندن، شبیه کله‌ی جوجه شود.

- محسن جان، عزیزم، تو بیا پای تخته. بنویس بادکنک، ببینیم مال تو چطور می‌شود؟ آیدین خوب نگاه کن ببین چطور می‌نویسه. شبیه جوجه می‌شه یا نه. در همین بازی‌ها به‌مرور دستخط آیدین که سعی می‌کرد حرکات دست من و دیگر بچه‌ها را برای پیدا کردن شکل‌ها دنبال کند، بی‌سروصدا تغییر کرد. از آن به بعد کلاس نگارش برای خود خانم معلم هم هیجان‌انگیز بود. خودش هم نمی‌دانست آن روز قرار است چه اتفاقاتی بیفتد و چطور سروصدای خوش‌حالی بچه‌ها دوباره کلاس را پر کند. آن روز خانم معلم به سر میزش رفت. دفترش را باز کرد و نگاهی به محتوای صفحه‌ها انداخت و دفتر را بست. دیگر لازم نبود به آن دفتر رجوع کند. حالا تک‌تک بچه‌ها را بیشتر از حتی خودشان می‌شناخت. رفت روبه‌روی آن‌ها ایستاد و گفت: «خب. نامه‌ها تون رو آوردین؟» همه یک‌صداداد زدند: «بله» و هم‌زمان به‌ترتیبی که او برایشان توضیح داده بود، نامه‌ها را جمع کردند و روی میزش گذاشتند. کنج‌کاو بود اول نامه‌ی آیدین را ببیند و بخواند. نامه‌ها را پخش کرد و نامه‌ی او را پیدا و باز کرد و خواند: «سلام. من شما را دوست دارم. من نوشتن را دوست دارم. من کلاس نگارش را دوست دارم؛ چون شما ما را دوست دارید. خودتان به ما یاد دادید تا بتوانیم شکل‌ها را ببینیم. من خوش‌خط شدم؛ اما بعضی روزها در دفتر دیگری بدخط می‌نویسم؛ چون دوست دارم شکل‌ها را پیدا کنم. الان دیگر خداحافظی کنم و بروم سر بقیه‌ی درس‌هام. خداحافظ» چندبار این نوشته را خواند. درست مثل آن روز که چند بار آن صدا را گوش کرد. با این تفاوت که شنیدن چندباره‌ی آن صدا حالش را بد و بدتر می‌کرد و خواندن این کلمات خون تازه‌ای در رگ‌های او به جریان می‌انداخت تا سرزنده‌تر از همیشه دنبال هدفی بزرگ‌تر از فقط تمیزنوشتن باشد.





سؤال‌های سبز



مریم احمدپور
کارشناس ارشد
فیزیک، آموزگار پایه‌ی
پنجم ابتدایی، بندرانزلی

را هوشمندانه طی کنید. چگونه بدانم دانش‌آموزم مفاهیم درس را درک کرده است؟

این موضوع سؤال‌ی است که بیشتر اوقات، پس از آموزش، سرزده وارد کلاس می‌شود و یک‌راست سراغ معلم می‌رود. در پاسخ این سؤال همه‌ی معلم‌ها یک‌صدا پاسخ می‌دهند: «آزمون!»

آزمون پاسخی است که خودش طرح سؤال می‌کند. بیایید این سؤال را صادقانه از خودمان بپرسیم: «به‌راستی کدام یک از ما در دوران تحصیل، طرفدار و دوستدار آزمون بوده‌ایم؟!» بر کسی پوشیده نیست که بچه‌ها از امتحان خوششان نمی‌آید. برای چاره‌اندیشی به پاسخی که به این سؤال داده‌ایم، لازم است پیش از هر آزمونی انواع، اهداف و نحوه‌ی طراحی آن را بدانیم و مهم‌تر اینکه عنصر خلاقیت را در آن تزریق کنیم. آن‌وقت است که می‌توانیم جایگاه هر دانش‌آموز را به‌درستی شناسایی و او را در رسیدن به جایگاهی که شایسته‌اش است، یاری

کنیم

یکی از این آزمون‌ها «آزمون مبتنی بر عملکرد» است که به دو صورت واقعی و کتبی می‌توان از آن استفاده کرد. آزمون عملکردی زمانی مفید است که بخواهیم توانایی دانش‌آموز را در به‌کارگیری دانش و مهارت‌هایش ارزیابی کنیم. این آزمون با رویکردی متفاوت در آموزش، تمرکز

سؤال‌ها را یک‌به‌یک کنار هم بچینید و برای یافتن پاسخ، دست به کار شوید. پیوسته مطالعه و اندیشه کنید. خلاقانه نقشه‌ی راه رسم کنید. با اشتیاق کفش‌های جست‌وجوگری‌تان را بپوشید و منعطف قدم بردارید تا مسیر پرپیچ‌وخم آموزش



اگر از من بپرسند یکی از عادت‌های خوب معلمی چیست، می‌گویم: «سؤال‌پیش کردن». هر معلمی باید سؤال‌های متعددی را قبل و حین و بعد آموزش از خود بپرسد و به عبارتی خودش را سؤال‌پیش کند؛ می‌خواهم دانش‌آموزم چه مفاهیمی را در نتیجه‌ی این فعالیت یاد بگیرد؟ آنچه آموخته است، چه فایده‌ای برای زندگی‌اش دارد؟ برای تسهیل یادگیری دانش‌آموزم چه کاری را و چگونه انجام دهم؟ آیا همه‌چیز همان‌طور که باید پیش می‌رود؟ چگونه بدانم دانش‌آموزم آن مفاهیم را درک کرده است؟ اگر تدریسم آن‌طور که پیش‌بینی کرده‌ام، پیش نرفت چه؟! بهتر است چه تغییراتی ایجاد کنم؟





می‌کنیم و در آخر، بازخورد توصیفی عملکرد را برای اینکه دانش‌آموز نقاط قوت و زمینه‌های بهبودش را درک کند، به مواد می‌افزاییم. البته لازم است پیش از تهیه‌ی این آزمون، استانداردها و اهداف واحد یادگیری را برای خود مشخص و مرور کنیم.

نمونه‌ای از آزمون عملکردی

نمونه‌ای که در ادامه بیان می‌شود، آزمون عملکردی کتبی‌ای است که برای دانش‌آموزان پایه‌ی پنجم طراحی شده است. اولین چیزی که در برگه توجه دانش‌آموز را به خود جلب می‌کند، بسته‌ی حاوی پول‌های کاغذی است که در پایین برگه چسبانده شده است. در گام اول، دانش‌آموز مشتاقانه به سراغ مسئله‌ی مطرح‌شده می‌رود که ببیند ماجرای اسکناس‌های روی برگه چیست. با خواندن مسئله‌ای که شرح داده شده است و برداشتن اسکناس‌ها، دست به کار می‌شود و به کمک مهارت خود شروع به شمارش آن‌ها می‌کند. در گام دوم، رسید مربوط به بانک را به کمک دانش و مهارت خود تکمیل می‌کند. در گام سوم، تکلیف‌ها یا سؤال‌های مربوط به مسئله را به کمک چهار عمل اصلی و مهارت حل مسئله مرحله‌به‌مرحله حل می‌کند. در پایان نیز با تکیه بر بازخورد توصیفی معلم و ارزیابی خود برای پر کردن شکاف بین دانسته‌ها و توانسته‌های خود تلاش می‌کند.



- لازم را در اختیار او قرار دهند.
- دکه‌ی ریاضی ترتیب بدهند که در آن حساب و کتاب کنند و تخفیف بدهند.
- در باغچه‌ی مدرسه آزمایش طراحی کنند.
- باغچه‌ی هر مدرسه پر از ایده‌های ناب پنهان است. بذر خلاقیت در آن بکارید و شوق یادگیری برداشت کنید.
- نمایشگاهی با دست‌سازها و آثار خود برگزار کنند
- برای مقابله با مشکلات زیست‌محیطی و اجتماعی راهکارهای کاربردی پیشنهاد و آن‌ها را در مدرسه ترویج دهند.
- داستانی خلق کنند و آداب نوشتن را در آن رعایت کنند.
- مواد را اندازه بزنند و آشپزی کنند.

نحوه‌ی تهیه‌ی آزمون کتبی عملکردی

ابتدا دانش‌آموز را با داستانی (سناریویی) مشابه دنیای واقعی مواجه می‌کنیم. چاشنی خلاقیت و نوآوری را نیز به میزان لازم به مواد اضافه می‌کنیم که داستانی خوش‌طعم‌ورنگ از آب دربیاید و دانش‌آموز با مزه‌ای جدید شگفت‌زده شود. تعدادی پرسش با توجه به بافت مسئله مطرح می‌کنیم که دانش‌آموز مرحله‌به‌مرحله مسئله را حل کند. جدول توصیف عملکرد را برای ثبت انتظارات خود از دانش‌آموز و خودسنجی دانش‌آموز را برای ارزیابی دانش‌آموز از خود اضافه

را از حفظ کردن صرف به کاربرد عملی دانش و مهارت تغییر می‌دهد و به معلمان کمک می‌کند متوجه شوند دانش‌آموز تا چه حد آنچه را آموخته است، به‌طور ملموس به کار می‌برد. بیا بیا فکری بکرمان را روی هم بریزیم تا دانش‌آموزان را گرفتار سؤال‌ها و تکلیف‌های کلیشه‌ای نکنیم. هنگامی که بچه‌ها تشویق می‌شوند که از تخیل خود استفاده کنند، مطالب را به روش‌های شگفت‌انگیزی ترکیب و دانش جدیدی تولید می‌کنند. بساور کنید هرچه در سنجیدن خلاقانه‌تر عمل کنید، شوق یادگیری، همان چیزی که این روزها در کمتر کلاسی پیدا می‌شود، جان می‌گیرد و رشد می‌کند.

از دانش‌آموزان بخواهید:

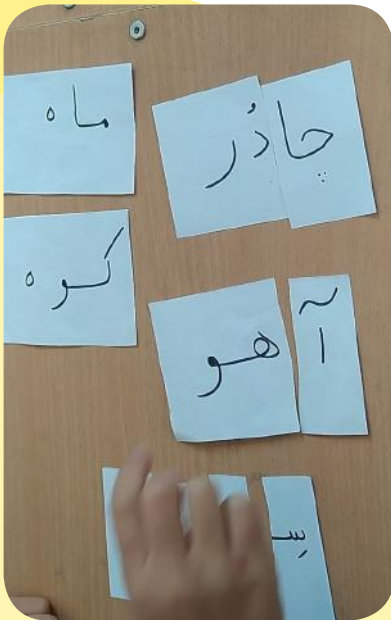
- مفهوم جدیدی را که آموخته‌اند، در قالب نامه‌ای کوتاه برای دوست یا خانواده‌ی خود بنویسند.
- برای آنچه آموخته‌اند، داستان مصور (کمیک‌استریپ) بسازند و درک خود را به شیوه‌ای بصری، جذاب و خلاق نشان دهند.
- با توجه به نمادهایی که به شکل نقاشی در پاکت ریخته‌اید، حدس بزنند کدام شعر مدنظر شماست و آن را برایتان بخوانند.
- برای هر شخصیت تاریخی که می‌آموزند، پوستری خلاقانه تهیه کنند.
- وانمود کنند، به‌عنوان متخصص، مهمان برنامه‌ای تلویزیونی شده‌اند. در طول پخش این برنامه باید به سؤال‌های مجری که از خود دانش‌آموزان کلاس است، پاسخ بدهند و اطلاعات





کلمه بازی!

ارزشیابی فراگیرندگان از طریق بازی‌های مهارتی و ملموس برای یادگیری آسان و عمیق در زبان آموزی (ویژه‌ی فراگیرندگان اول ابتدایی)



سحر زمانی؛ کارشناس ارشد
برنامه‌ریزی درسی، آموزگار پایه‌ی
دوم ابتدایی استان اصفهان



مقدمه

امروزه با پیشرفت سریع علم و فراوانی نیازهای نسل جدید، روش‌های تدریس سنتی جای خود را به روش‌های نوین یاددهی‌یادگیری داده است. این روش‌های نوین سطح کیفی یادگیری را در فراگیرندگان افزایش می‌دهند. ارزشیابی از طریق بازی‌های هدف‌دار کلاسی یکی از این روش‌هاست. این ارزشیابی در مقایسه با روش‌های سنتی از جنبه‌های متعددی تعامل فراگیرندگان را می‌افزاید و در کلاس لذت و شادابی ایجاد می‌کند. همچنین تا حدودی دانش‌آموزان را از ترس و دلهره‌ای که در حین ارزشیابی‌های کتبی و آزمون‌ها دارند، رها می‌کند. این بازی‌ها نه تنها دانش‌آموزان را به روشی سرگرم‌کننده و جالب که محیط‌های یادگیری رقابتی و تعاملی به وجود می‌آورند، برمی‌انگیزانند، بلکه دلالت‌های خاصی نیز برای حیطه‌ی ارزشیابی دارند.

نام بازی: آشپزخانه‌ی کلمات

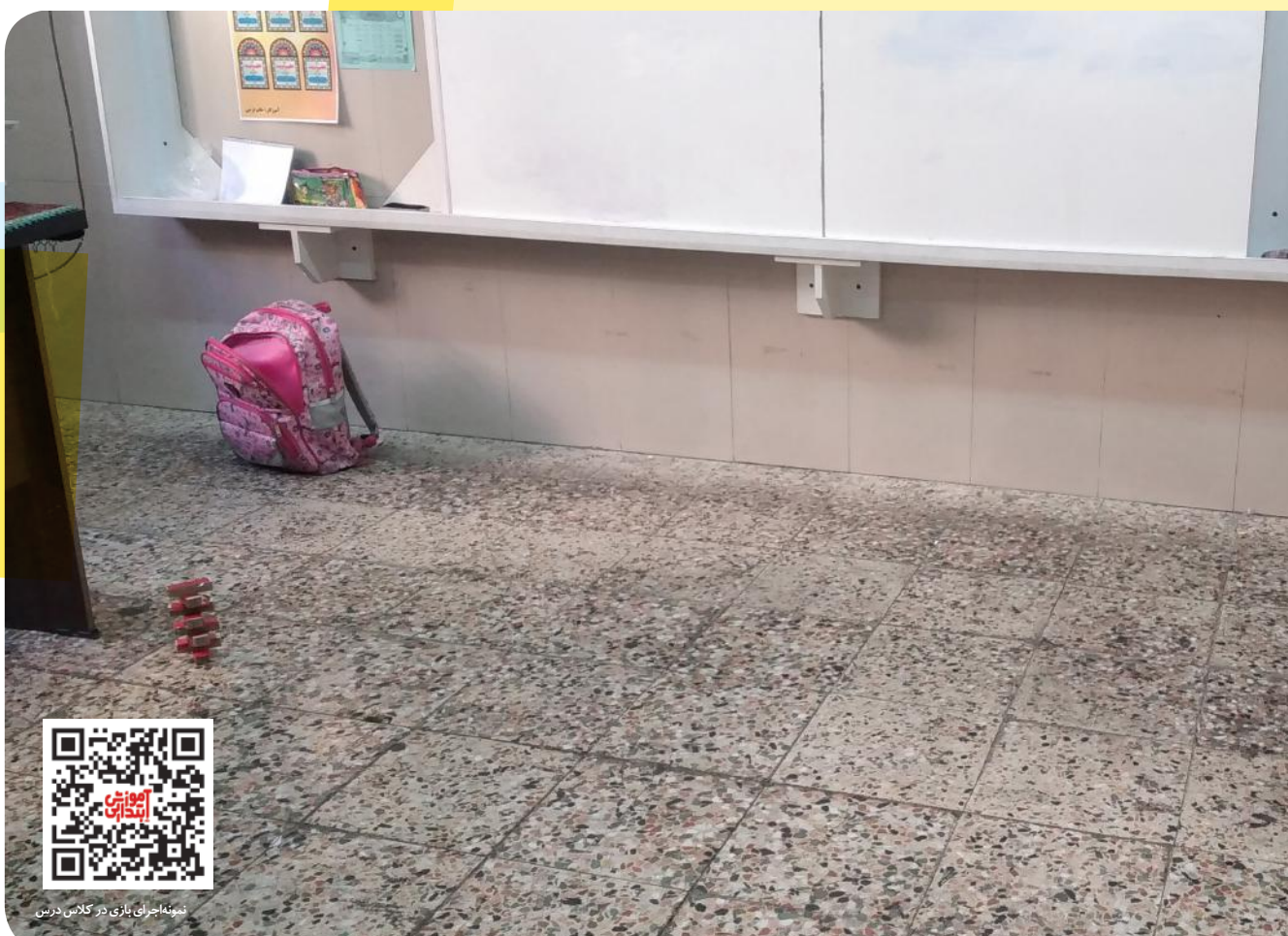
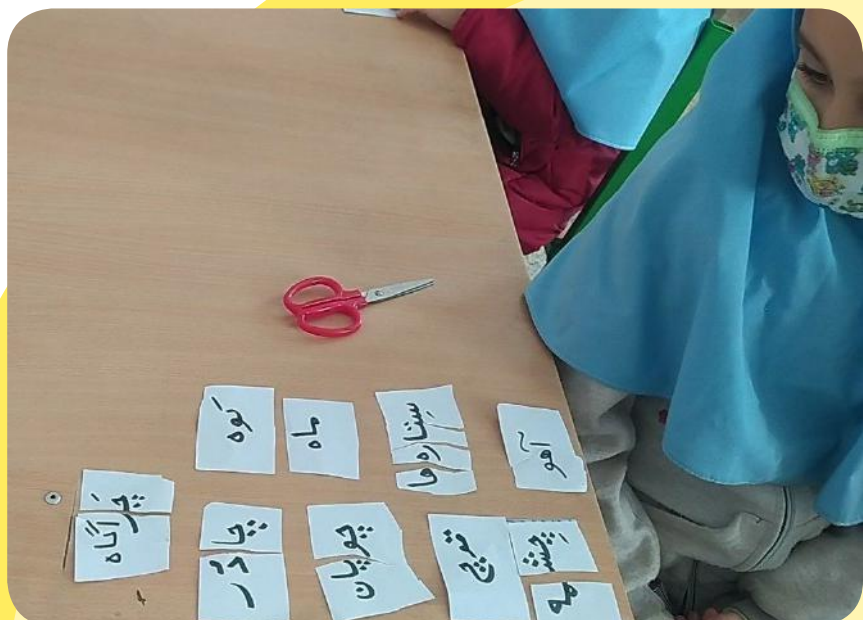
اهداف: بهبود عملکرد فراگیرندگان و تثبیت آموزش، ایجاد شادی و نشاط در کلاس، تشخیص شکل صحیح کلمات ارزشیابی هدفمند، تقویت مهارت تندخوانی تعداد شرکت‌کننده: پنج گروه دونفره شیوه‌ی اجرای بازی: برای انجام این بازی در ابتدا برگه‌ی کلمات موردنظر را حروف‌نگاری (تایپ) می‌کنیم یا با مایژیک روی کاغذ می‌نویسیم و کارت کلمات را در اختیار دانش‌آموزان قرار

می‌دهیم. سپس از آن‌ها می‌خواهیم هر کلمه را با توجه به بخش‌هایی که دارد، با قیچی از هم جدا کنند. بعد از آن هم بچه‌ها باید ترتیب بخش‌های جداشده را به هم بریزند و بعد با کنار هم قراردادن بخش‌ها، کلمات موردنظر را بسازد. در نهایت، دانش‌آموزانی که کلمات را صحیح و در زمان معین ساختند، تشویق می‌شوند. این محیط خاطره‌انگیز باعث می‌شود که دانش‌آموزان ضعیف‌تر بیشتر تلاش کنند و بتوانند سریع‌تر بخوانند و از دوستانشان عقب نمانند. این روش راهکاری جالب و جذاب برای ارزشیابی است؛ چون بدون آنکه خود فراگیرندگان متوجه شوند، ارزشیابی می‌شوند.

نام بازی: هفت سنگ کلمات

اهداف: تقویت دقت و هماهنگی چشم و دست، تقویت مهارت پرتاب کردن توپ، ایجاد نشاط، تشخیص کلمات به صورت صحیح و ارزشیابی هدفمند، انگیزه برای تقویت جمله‌سازی تعداد شرکت‌کنندگان: پنج گروه دونفره شیوه‌ی اجرای بازی: این بازی که خود نوعی ورزش به حساب می‌آید، برای مواقع خاص مثل آلودگی هوا یا بارندگی که بچه‌ها شرایط لازم برای حضور در حیاط مدرسه ندارند، مفید است. این بازی کلاسی هدفمند تلفیقی به این صورت است که دانش‌آموزان به نوبت جلوی تابلوی کلاس می‌ایستند، توپ را برمی‌دارند و چوب‌هایی که کلمات موردنظر را روی آن چسبانده بودیم، هدف می‌گیرند و توپ را پرتاب می‌کنند. در نهایت، توپ که به چوب‌ها خورد، دانش‌آموزان با آن کلمه‌هایی که ریخته‌اند، جمله‌سازی شفاهی می‌کنند. در پایان، دانش‌آموزانی که به درستی جمله‌سازی کنند و بتوانند کلمات را صحیح بخوانند، تشویق می‌شوند.





نمونه اجرای بازی در کلاس درس



کارگاه نقاشی

بچه‌ها (قسمت دوم)

گام دوم

سعی کنید با کمک انگشت خود روی هوا شکل بدن پروانه را طراحی کنید و از بچه‌ها بخواهید روی هوا شکل و بدن پروانه را به‌طور کلی ترسیم کنند یا از آن‌ها بخواهید شکل بال پروانه را با دستان خود روی هوا بسازند و نمایش دهند. همزمان توجه دانش‌آموزان را به بدن نرم و کرم‌مانند پروانه جلب کنید. در ادامه، از بچه‌ها بخواهید ابتدا بدن کرم‌مانند

مریم اسدی

کارشناس ارشد گرافیک و معاون آموزشی مدرسه‌ی
ابتدایی، منطقه ۳ تهران



* ابتدا با گذاشتن دستانتان مثل تصویر روبه‌رو، به بچه‌ها بگویید رنگ سیاه یا همان مشکی، خواب است و با اجازه‌ی خانم معلم یا مربی بیدار می‌شود.

سیاه: به‌معنای نفی رنگ و منبع ترس، تشویش، وسواس و اضطراب است. تمایل کودک به استفاده از این رنگ در نقاشی نشان از غم، ناامیدی و اضطراب در اوست. ممکن است دلایل متعددی وجود داشته باشد که کودکی از رنگ سیاه بیش از حد در نقاشی‌هایش استفاده کند؛ مثلاً شاید کودک افسرده یا ناراحت باشد که رنگ‌ها (احساسات) را در رنگ سیاه پنهان می‌کند. بهتر است از رنگ سیاه کمتر استفاده شود.

نکته: هنرجو در انتخاب ابزار آزاد است. ما از بچه‌ها می‌خواهیم میز کار خود را بچینند. گوش‌ها را باز کنند و مدادشمعی خود را روی میز قرار بدهند.

پیشنهاد می‌شود: کلاس را در حیاط، بوستان یا طبیعت بر پا کنید.

گام اول

برای شروع نقاشی باید ابتدا فضای ذهنی کودکان آماده باشد. بدین منظور، بهتر است کلاس را با موسیقی، داستان یا بازی شروع کنید و محیط ذهنی کودکان را به کمک این موارد از کل به جزء آماده سازید؛ مثلاً موضوع نقاشی از یک پروانه و گل را بررسی می‌کنیم.

پروانه از گل/ احوال پرسید/ گل گفت: خوبم/ پروانه خندید/ گل باز تر شد/ با ناز خوابید/ پروانه دورش/ آرام رقصید

* نقاشی ذهنی با تخیل و رؤیای کودکان ارتباط دارد. نوع بینش کودکان را در موضوعات و محیط پیرامون می‌توان در نقاشی آن‌ها مشاهده کرد.





کارگاه نقاشی بچه‌ها
قسمت اول



پروانه را با کمک قلم‌مو یا گچ رنگ (پاستل) روی مقوا بکشند و سپس قلم‌مو را شسته و با دستمال پارچه‌ای پاک کنند. حالا قلم‌موی تمیز خود را وارد رنگ دیگری کنند و شکل قسمت بالای بال پروانه را بکشند و بعد مجدد قلم‌مو را بشویند و قسمت پایین بال پروانه را بکشند. مهم نیست شکل بال‌ها و رنگ‌ها تقارن داشته باشند. مهم این است که بچه‌ها با لذت و بدون ترس قلم‌مو را روی مقوا حرکت بدهند و اتفاقات ذهنی آن‌ها فی‌البداهه روی مقوا پیاده شود.

گام سوم

حالا توجه بچه‌ها را به اجزای پروانه جلب کنید. درمورد اینکه تا حالا پروانه‌ای را از نزدیک دیده‌اند، صحبت کنید و به روش پرسش و پاسخ نظرشان را در مورد نقش‌ونگار بال پروانه‌ها جلب کنید؛ مثلاً می‌توانید بپرسید: تا حالا به خط و نقطه‌های بال پروانه نگاه کرده‌اید؟ چطوری است؟

از پاسخ بچه‌ها برای نقاشی کمک بگیرید و از آن‌ها بخواهید با قلم‌مو یا مدادشمعی به‌صورت گردی یا چهارگوش و هر شکلی که دوست دارند، حتی با زدن نوک انگشت داخل گواش، نقطه‌های روی بال پروانه را بگذارند و آن را تزیین کنند. بعد در مورد خط و خطوط بال پروانه صحبت کنید و با خط‌خطی کردن با قلم‌مو نقش روی بال پروانه را به رنگ دلخواه و شکل دلخواه رسم کنند.

لطفاً در نقاشی کودکان دست نبرید و اجازه دهید آن‌ها تصورات ذهنی خود را با رنگ دلخواه روی مقوا پیاده کنند. بعد از تزیین بال پروانه توجه آن‌ها را به حالت خط‌خطی روی بدن کرمی پروانه جلب کنید که همان فرورفتگی‌های بدن کرم‌مانند پروانه هستند. از دانش‌آموزان بخواهید خطوط را روی بدن کرم‌مانند پروانه بکشند. سپس از آن‌ها بپرسید: «پروانه بالای تنش چی دارد؟» بچه‌ها قبل از چشم پروانه، ممکن است به شاخک آن اشاره کنند. از آن‌ها بخواهید شاخک‌ها را با قلم‌مو رسم کنند و سپس چشم آن را بکشند.

گام چهارم

بعد از کشیدن اولین پروانه، می‌توانید وارد فضاسازی اطراف آن شوید. بچه‌ها را تشویق کنید که تصور کنند پروانه‌ی آن‌ها کجاست؟

روی سرشان، روی گل، روی برگ، روی پیراهن، روی مداد یا روی باغ؟ حالا به کمک بچه‌ها سعی کنید محیط نقاشی را فضاسازی کنید و جزئیات نقاشی را رسم کنند. حتی می‌توانید بپرسید: «چرا پروانه تنهاست؟» سپس از آن‌ها بخواهید مامان یا بابای آن را بکشند. به این صورت نقاشی آن‌ها از کل به جزء کامل شده است.

توجه داشته باشید کودکان از قانون ژرف‌نمایی (پرسپکتیو) اطلاع ندارند و اصولاً نقاشی آن‌ها به صورت دو بعدی یا تخت است. بهتر است در جلسه‌ی اول وارد ترکیب رنگ‌ها نشوید و اجازه بدهید رنگ‌ها به‌صورت خام و به‌طور مستقیم از گواش به روی کاغذ منتقل شوند. در مورد شستن قلم‌مو حتماً به دانش‌آموزان بگویید که قلم‌مو را مدت طولانی در آب رها نکنند و از نوک قلم‌مو برای کشیدن استفاده کنند. بعد از تمام‌شدن نقاشی قلم‌مو را شسته و کلاhek شبیه نی آن را روی آن قرار بدهند تا موی قلم‌مو خراب نشود.

نکته: ما به کودکان طراحی یاد نمی‌دهیم. از آن‌ها می‌خواهیم تصویر ذهنی خود را روی مقوا به نمایش درآورند.

گام پنجم

پس از اتمام کلاس، برای تثبیت رنگ‌های خیس روی مقوا و همین‌طور برای آنکه والدین در نقاشی دخل و تصرف نکنند، از بچه‌ها بخواهید نقاشی را به خارج از کلاس نبرند. هر جلسه این بخش مهم از جمع‌آوری کارها را انجام دهید و در انتهای دوره‌ی آموزشی با نمایش آثار و پس‌دادن آن‌ها به بچه‌ها، روند شکل‌گیری ذهن هنرمندانه‌ی بچه‌ها را به والدین نمایش دهید.



تمرین تمرکز

زهره گلزار

کارشناس آموزش ابتدایی، مدیر مدرسه‌ی ناحیه‌ی

سه قم

تمرکز در لغت به معنای تراکم، فشردگی مجموعه و چکیده است. این لغت در اصطلاح عبارت است از: «حفظ و نگهداری توجه و تمرکز حواس روی موضوعی معین». بدون تمرکز حواس، یادگیری مثرتر نخواهد بود. همه‌ی افراد توانایی تمرکز دارند؛ اما این تمرکز نسبی است؛ یعنی کسی نمی‌تواند ادعا کند کاملاً حواس‌پرت است یا همیشه تمرکز حواس دارد. تمرکز گاهی ساده است و گاهی مشکل. تمرکز در موضوع‌هایی که نیاز به تفکر و تجزیه و تحلیل دارند، کار مشکلی است و تمرکز در موضوع‌هایی که جنبه‌ی تفریحی و سرگرمی دارند، بسیار آسان است. تمرکز هر شخص به نسبت کاهش عوامل حواس‌پرتی او افزایش می‌یابد و بنا بر تغییرات، موقعیت ذهنی و محیطی او تغییر می‌کند. بیشتر افراد گمان می‌کنند تمرکز امری ذاتی و تغییر آن ناممکن است. در حالی که تمرکز امری اکتسابی است و باید هر روز آن را پرورش و جهت داد. هرکس با هوش عادی خود می‌تواند به تمرکز دست یابد؛ پس برقراری تمرکز حواس به میزان کاهش عوامل حواس‌پرتی بستگی دارد؛ یعنی هرچه عوامل مزاحم و مخل تمرکز بیشتر باشد، توانایی حفظ تمرکز حواس کمتر است و برعکس. لذا حواس‌پرتی یعنی خارج شدن از روند مطالعه یا جریان کاری و فرورفتن در افکار و تخیلات یا انجام کار دیگر.

رهایی از حواس‌پرتی و ایجاد تمرکز حواس در افراد متعدد متفاوت است و به حالت درونی، تجربه‌ها، مکان و موقعیت فرد بستگی دارد. برخی از افراد اظهار می‌دارند که من آدم کاملاً حواس‌پرتی هستم و برخی دیگر می‌گویند نمی‌توانم تمرکز حواسم را به روی کاری حفظ

کنم. در حالی که این تفکر غلط است و هیچ‌کس نباید خود را فردی کاملاً حواس‌پرت یا فاقد تمرکز حواس بداند؛ بلکه بهتر است وقتی که تمرکز حواس فردی با اختلال روبه‌رو شد، بگوید در این لحظه و در محیط فعلی حواس‌پرتی من بیشتر و میزان تمرکز من کمتر است. حواس‌پرتی بیشتر علل درونی دارد و به طبیعت خود فرد، ویژگی‌ها، حالات روحی و روانی و همچنین عادت‌های فردی بستگی دارد. بی‌شک عوامل حواس‌پرتی بیرونی آسان‌تر از عوامل حواس‌پرتی درونی برطرف می‌شود. پس می‌توان بدون توجه به عوامل محیطی مانند سروصدای زیاد، شلوغ بودن محیط و حتی داخل مترو یا سرویس و هنگام مسافرت تمرکز حواس خود را حفظ کرد؛ اما نمی‌توان در حال گرسنگی یا تشنگی شدید، نگرانی و ناراحتی و دگرگونی فکر و اندیشه با تمرکز مطالعه کرد یا کار دیگری را با تمرکز انجام داد. مطالعات یا تجربه‌های زیادی این موضوع را تأکید کرده است که انسان می‌تواند در محل پرسروصدا و ناآرامی با تمرکز و توجه کافی مطالعه کند.

تجربه ثابت کرده است که پس از گذشت تعطیلات نوروزی و در زمان بازگشایی مدرسه‌ها، دانش‌آموزان بسیار ناآرام می‌شوند و دیگر به قوانین کلاس و مدرسه توجهی ندارند. بسیاری از همکاران از این رویه و روحیه دانش‌آموزان به‌شدت آسیب می‌بینند و به‌سختی روزهای پایانی سال تحصیلی را می‌گذرانند. حال باید چگونه این تمرکز حواس را یک بار دیگر در دانش‌آموزان بالا ببریم و آرامش را به کلاس‌های درس هدیه دهیم؟ چگونه می‌توان یک بار دیگر انگیزه‌ی آموزشی بچه‌ها را بالا برد و روزگار شیرین آموزش را شیرین‌تر کرد؟ دانش‌آموزی که حواسش به کلاس نیست، نشانه‌هایی بر جای می‌گذارد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. زمان تدریس دائم زمان زنگ تفریح را می‌پرسد یا به ساعت نگاه می‌کند.

۲. سروصدای داخل راهرو و کلاس‌های مجاور یا حتی نوشت‌افزار فانتزی دیگر دانش‌آموزان حواسش را پرت می‌کند.
۳. دائم می‌پرسد که چند زنگ دیگر مانده است تا کلاس تمام شود و به خانه برگردیم.
۴. مرتباً برای رفتن به سرویس بهداشتی و آب خوردن اجازه می‌گیرد.
۵. برای رفتن به منزل بهانه‌تراشی می‌کند؛ مثلاً دل درد ناگهانی را بهانه می‌کند.

این موارد به تشخیص ما و بعضی از همکاران در روند یاددهی و یادگیری فراگیرندگان اختلال ایجاد می‌کند و باعث می‌شود بازده کیفی و کمی کلاس کاهش یابد و انگیزه‌ی دانش‌آموزان برای حضور در کلاس کم شود. به‌گونه‌ای دیگر بگوییم؛ وقتی بر طبق عادت همیشگی طی درس و انتهای هر مبحث سؤالاتی از دانش‌آموزانم پرسیدم، از جواب‌های بی‌ربطشان متوجه شدم که گویا در حین تدریس و مطرح کردن سؤالات به‌درستی به مطالب گوش نسپرده‌اند. حتی بعضی از آن‌ها زمانی که نامشان را صدا می‌زد، تازه به خود می‌آمدند و قادر به پاسخ‌گویی نبودند. در ادامه با دقت بیشتری کارم را ادامه دادم. در حین تدریس آن‌ها را کاملاً زیر نظر گرفتم. بیشترشان مثل کودکی که برای اولین بار برای مدتی طولانی روی صندلی می‌نشیند، مدام سر جای خود حرکت می‌کردند. برخی نگاهشان مدام به اطراف بود، مثل اینکه تنها جسمشان در کلاس و ذهنشان جای دیگری بود. سعی کردم سؤالاتم را از همان دانش‌آموزانم بپرسم تا حواسشان را بیشتر جمع کنند. این روش هم فقط برای مدت کوتاهی مشکل را برطرف کرد و بعد از مدتی، دوباره همه‌چیز به همان حالت اولیه برگشت.

راه‌حل‌های پیشنهادی برای برطرف شدن حواس‌پرتی دانش‌آموزان

۱. توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و تعیین سنخ (تیپ) شخصیتی آن‌ها (بصری، سمعی، جنبشی، و لمسی)؛
۲. استفاده از تشویق لفظی؛
۳. تقویت کنجکاوی جست‌وجوگری و تمایل به اکتشافات در شاگردان؛
۴. انجام دادن کارهای غیرمنتظره در کلاس؛
۵. استفاده از نمایش و بازی در تبیین مطالب درسی؛
۶. ترتیب دادن شرایط محیط آموزشی به‌نحوی



تفکر و یادگیری دارد. این استعداد به او اجازه می‌دهد اعمال خاصی را انجام دهد و نتیجه‌ی آن‌ها را پیش‌بینی و ارزیابی کند و تغییر و تحولات گوناگون و سریعی را در عرصه‌ی علم و فناوری به وجود آورد. آن‌چنان‌که به قول تافلر دنیا را به دهکده‌ای تبدیل کند که اطلاعات را در سریع‌ترین زمان ممکن از قاره‌ای به قاره‌ی دیگر انتقال دهد. از آنجا که بر اثر پیشرفت سریع و غیرقابل‌انتظاری که در قلمرو دانش و فناوری، طی چند قرن اخیر، نصیب انسان شده است، حجم اطلاعات و دانسته‌های بشری روزبه‌روز به‌طور سرسام‌آوری در حال افزایش است و بنابراین بر همه‌ی همکارانم لازم است هرچه سریع‌تر خود را با این تغییرات و تحولات همگام سازند. از جمله‌ی این دانسته‌ها بازی‌ها و روش‌تدریس‌های نوین یاددهی و یادگیری است که در این راستا بسیاری از همکاران کوشش زیادی می‌کنند.

۱. بالارفتن تمرکز؛
۲. شرکت در فعالیت‌های آموزشی و گروهی؛
۳. توانایی لازم برای پاسخ‌گویی به سؤالات ارزشیابی تکمیلی؛
۴. داشتن انگیزه‌ی لازم برای حضور در کلاس و لذت‌بردن از آن؛
۵. همکاری لازم با معلم برای برقراری سکوت در کلاس؛
۶. علاقه‌نشان‌دادن به ساختن وسایل کمک آموزشی.
می‌توان نتیجه گرفت که استعدادهای زیستی بلوغی و به‌کارگیری تعدادی از راهبردهای معین به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا علاقه و انگیزه‌شان به درس بالا رود. در نتیجه تمرکز بیشتری هنگام حضور در کلاس داشته باشند. انسان به‌سبب ویژگی‌های بی‌نظیرش در میان همه‌ی موجودات عنوان «اشرف مخلوقات» را به خود اختصاص داده است. او استعداد خاص

که برای شاگردان خوشایند باشد؛
۷. تغییر در چیدمان کلاس؛
۸. تغییر روش تدریس معلم به شیوه‌ی بازی؛
۹. پرهیز از ورود به بحث‌های حاشیه‌ای زمان تدریس؛
۱۰. استفاده‌ی بیشتر از وسایل کمک‌آموزشی و روش‌های تدریس متفاوت؛
۱۱. توجه و نظارت ویژه بر دانش‌آموزان شلوغ و ممانعت از صحبت‌های بی‌مورد آن‌ها در کلاس؛
۱۲. استفاده از نمایش و بازی در تبیین مطالب درسی؛
۱۳. استفاده از شعر و نقاشی و تقویت قدرت تخیل دانش‌آموزان در تفهیم موضوع درسی؛
۱۴. توجه به تغذیه‌ی مناسب دانش‌آموزان و اختصاص زمان معین برای تغذیه.
چنانچه پیشنهادهای مطرح‌شده به‌درستی انجام شوند، رفتار دانش‌آموزان در کلاس نیز تغییر خواهد کرد. برخی از تغییرات عبارت‌اند از:



مریم عاشق؛ کارشناس زبان و ادبیات فارسی، آموزگار
پایه‌ی دوم ابتدایی، ورامین

رقابت بی‌رقابت

به نام او که هرچه دارم از اوست
من معلم هستم، در مجالی که برایم باقی است
ما به همراه شما مدرسه‌ای می‌سازیم
که در آن همواره اول صبح
به زبانی ساده، مهر تدریس کنند
و بگویند خدا خالق زیبایی‌ها
و سراینده‌ی عشق
آفریننده‌ی ماست
در مجالی که برایم باقی است
باز همراه شما مدرسه‌ای می‌سازیم
که خرد را با عشق
علم را با احساس
و ریاضی را با شعر
همه را با تشویق، تدریس کنند
و معلم هر روز
روح را حاضر و غایب بکند
و به‌جز ایمانش، هیچ‌کس چیزی را حفظ نباید
بکند
مغزها پر نشود چون انبار
قلب خالی نشود از احساس
مجتبی کاشانی





بدون هیچ مقدمه‌ای قصد دارم، روایت زیسته‌ای را برایتان بازگو کنم:

من معلمی هستم با انبوه تجربه‌هایی از روزهای تلخ و شیرینی که در مدرسه سپری کرده‌ام. خاطرات زیادی که آن‌ها را زندگی کرده‌ام و از آن‌ها درس گرفته‌ام؛ درس زندگی کردن و البته بهتر است بگویم: «درس خوب زندگی کردن». تمام تلاشم را به کار می‌بندم که این‌گونه باشد و همیشه از خداوند عزیزم یاری خواسته‌ام و او نیز هیچ‌گاه مرا تنها نگذاشته و همراهم بوده است. در این نوشتار، یکی از خاطرات تلخی را که همراه دانش‌آموزانم تجربه کردم، برایتان بازگو می‌کنم؛ خاطره‌ای که می‌شد بسیار شیرین و لذت‌بخش باشد.

در یکی از روزهای خنک آبان‌ماه، مدیر و معاونان مدرسه‌مان تصمیم گرفتند به‌مناسبت سیزده آبان، روز دانش‌آموز، مسابقه فوتبال بین دانش‌آموزان هم‌پایه‌ی مدرسه برگزار کنند. این تصمیم از چند روز زودتر به بچه‌ها اعلام شد. نمی‌توانم خوش‌حالی بچه‌ها را بعد از شنیدن این خبر بیان کنم. آن‌قدر ذوق‌زده

بودند که دائم در این باره صحبت می‌کردند و هر زنگ سؤالاتی می‌پرسیدند:

- خانم، با همین لباس‌ها؟
- خانم، چند نفر داخل زمین هستند؟
- خانم، چه کار کنیم حتماً برنده بشیم، شما سربلند باشید؟
- خانم، ...

هر روز که می‌گذشت، شور و هیجان بچه‌ها بیشتر و بیشتر می‌شد. آن‌ها با هم کلی قرارمدرار می‌گذاشتند. بچه‌های پایه‌های بالاتر، مثل ششم و پنجم و چهارم و سوم، هر روز مسابقات فوتبال را در زنگ‌های تفریح برگزار می‌کردند و سایر دانش‌آموزان کنار زمین فوتبال می‌ایستادند و آن‌ها را تشویق می‌کردند. بچه‌های من هم خیلی خوش‌حال بودند. دل توی دلشان نبود. احساس بزرگی می‌کردند که قرار است آن‌ها هم مسابقه‌ی فوتبال داشته باشند و همه‌ی بچه‌های مدرسه آن‌ها را تشویق کنند.

کم‌کم داشتیم به روز مسابقه‌ی پایه دومی‌ها نزدیک می‌شدیم. تصمیم گرفتیم به‌کمک دانش‌آموزانم تیم فوتبال شش نفره‌ای با دو

نفر ذخیره انتخاب کنم. در ابتدای کار کمی سخت به نظر می‌رسید؛ چون بیشتر بچه‌ها دوست داشتند یکی از آن شش نفر باشند و حتی خودشان را در جایگاه سریار (کاپیتان) تیم تصور می‌کردند و به بچه‌های دیگر توصیه‌هایی می‌کردند؛ مثلاً می‌گفتند: «علی تو دروازه‌بان باش!» «یاسین و حسین دفاع و...»

خیلی کار سختی بود که از بین سی نفر، فقط شش نفر را انتخاب کنم. خلاصه با صحبت و وعده و وعید توانستم بقیه‌ی بچه‌ها را راضی کنم که یک تیم منتخب می‌تواند نماینده‌ی کلاس‌مان باشد و باعث افتخار همه، حتی گفتم: «بچه‌ها، من هم دوست دارم داخل زمین باشم و بازی کنم؛ ولی مقررات و قانون بازی این اجازه را نمی‌دهد.»

بعد از اینکه تیم انتخاب شد، فردای آن روز در زنگ ورزش ما یک بازی تمرینی هم برای هماهنگی بیشتر در حیاط مدرسه ترتیب دادیم و برای روز مسابقه آماده شدیم.





دوشنبه ۱۳ آبان، روز موعود فرارسید. صبح بچه‌ها با شور و شوق و شعف فراوانی وارد کلاس شدند، حتی امیرمحمد که بیمار و دو روز قبل غایب بود، همراه مادرش برای تماشای مسابقه‌ی فوتبال به مدرسه آمده بود. بچه‌ها بی‌صبرانه منتظر ورود آقای معاون به کلاس بودند که به آن‌ها اعلام کند بچه‌ها زنگ بعد مسابقه‌ی فوتبال دومی‌هاست؛ ولی متأسفانه تا زنگ آخر خبری از آقای معاون نشد و من طی چند زنگ تفریح، با پرسش‌های مکرر بچه‌ها مواجه بودم که خانم پس کی مسابقه می‌دهیم.

مدام آن‌ها را به آرامش دعوت می‌کردم و می‌گفتم: «بچه‌ها، صبر کنید! خودشان اعلام می‌کنند.» آن روز گذشت.

فردای آن روز وقتی از معاون پرسیدم که بچه‌ها چه زنگی مسابقه‌ی فوتبال دارند، ایشان با خونسردی هرچه تمام‌تر گفتند: «حالا دومی‌ها که خیلی بلد نیستند، باشد. به‌زودی برایشان مسابقه‌ی فوتبالی ترتیب می‌دهیم.» آن روز هم گذشت. دیگر از پرسش و خواهش بچه‌ها خسته شده بودم. نمی‌توانستم این همه دلسردی و ناامیدی را تحمل کنم.

زنگ تفریح از معاون دیگر مدرسه خواهش کردم که مسابقه‌ی فوتبالی را هرچند با زمان بسیار کوتاه برای کلاس دومی‌ها برگزار کند. ایشان هم قول دادند که فردا حتماً این کار را می‌کنیم. ناگفته نماند که فردای آن روز پنج‌شنبه بود.

باز هم گذشت و اتفاقی نیفتاد. روز شنبه، زنگ تفریح دوم، معاون به کلاس آمد و به بچه‌ها گفت: «زنگ بعد شما مسابقه دارید.» بچه‌ها با خوش‌حالی فریاد کشیدند. آقای معاون در حالی که با اخم آن‌ها را ساکت می‌کرد، گفت: «فقط آرام باشید و با احتیاط عمل کنید. مسابقه‌ی طناب‌کشی داریم.» بچه‌ها با شنیدن این خبر مانند تکه‌ای یخ روی آسفالت آب شدند. با تعجب به هم نگاه کردند و بعد گفتند: «آقا، ما فوتبال می‌خواستیم.» آقای معاون هم گفت: «یا طناب‌کشی یا هیچی. اصلاً روز دانش‌آموز هفته‌ی گذشته بوده، چه لزومی دارد شما این هفته مسابقه بدهید؟! اگر دوست ندارید، کلا مسابقه بی‌مسابقه!» گفت و رفت.

بچه‌ها به من نگاه می‌کردند. من واقعاً مانده بودم که چه پاسخی بدهم. آن‌ها را به آرامش

عزیز من بابت موضوعی، از کارکنان اجرایی مدرسه، به‌دلیل بی‌عدالتی که در هفته‌ی گذشته رخ داده بود، ناراحت و دل‌چرکین بود. زنگ تفریح شد و همه‌ی بچه‌های مدرسه به حیاط آمدند. طناب بزرگی مهیا شده بود. مدیر، معاونان، دو نفر از نماینده‌ی انجمن اولیا، که اتفاقاً فرزندشان در کلاس دوم تحصیل می‌کردند و در کلاس دیگر بودند، من و همکارم که معلم کلاس دوم بود، در حیاط حضور داشتیم. بچه‌ها را در دو صف مقابل هم قرار دادند. من و همکارم از بالای سکو نظاره‌گر بودیم. مدیر محترم که فرزندشان کلاس دوم و در کلاس دیگر بود، صف را مرتب کرد و طناب را به دستان کوچک بچه‌ها سپرد.

مرزی تعیین و سوت شروع مسابقه زده شد. بچه‌ها شروع به کشیدن طناب کردند. مدیر و معاونان و دو نفر نماینده‌ی انجمن اولیا هم شروع به تشویق کلاس دوم مقابل ما کردند. مدام اسم آن همکارم را پشت بلندگو اعلام و

دعوت کردم و گفتم: «بچه‌ها، چه خوب! حالا همه‌ی بچه‌های کلاس مشارکت دارند.» کلی هم با هیجان از خوبی و شادی این بازی برای آن‌ها گفتم، حتی برای آنکه بتوانم آن‌ها را راضی کنم، گفتم اگر همکاری خوبی داشته باشید، امشب یکی از تکلیف‌های کلاسی را برای کل کلاس حذف می‌کنم. آن‌ها با شنیدن این وعده‌ی من کم‌کم راضی شدند؛ ولی قلب من آنکند از غم بود که ما بزرگ‌ترها و معلم‌ها با دل کوچک بچه‌ها چه می‌کنیم؟! آیا این رسم معلمی است؟! کم‌کم بچه‌ها یکدیگر را راضی می‌کردند. تعدادی نیز مجبور به قبول شدند. فوراً به آن یکی کلاس دوم رفتیم. از آنجایی که معلم آن کلاس دوم از دوستان بسیار خوب و نزدیک من بود، این مسئله را با ایشان مطرح کردم. ایشان هم از این تغییر و تصمیم ناگهانی اظهار بی‌اطلاعی و ناراحتی کرد؛ اما در نهایت، هر دو به این امر راضی شدیم. ناگفته نماند همکار



دارد. هر انسانی باید قبل از شروع هر مسابقه خودش را برای هر نتیجه‌ای آماده کند. بالاخره یک تیم برنده و یک تیم بازنده می‌شود؛ ولی تجربه کسب می‌کند.»

آن شب برای خوش حالی شاگردانم هیچ تکلیفی نگفتم، البته در طول هفته تکلیف آن شب را تقسیم کردم و به‌طور نامحسوس تکلیف آن شب هم انجام شد. فقط برای شادی دل کوچک آن‌ها این کار را کردم؛ ولی هیچ‌گاه نگاه سنگین و آمیخته به التماس کودکان آن‌ها را فراموش نمی‌کنم.

شاید مدیر و کارکنان مدرسه واقعا این را نمی‌خواستند و ندانسته باعث کسب این تجربه برای من و شاگردانم شدند؛ ولی چه خوب است کمی سنجیده‌تر عمل کنیم. چه کسی می‌تواند غم تجربه‌ی سی دانش‌آموز را جبران کند. آیا ارزش داشت برای اینکه جبران مافات شود، دست به کاری بزنیم که جبران‌ناپذیر است؟

سوت پایان مسابقه را زدند و کلاس ما به‌اصطلاح باخت. قبل از هر چیز مدیر و معاونان و دو نفر عضو انجمن فریاد شادی سردادند و پشت بلندگو اعلام کردند: «خانم... برنده‌ی مسابقه شد. حق به حق‌دار رسید. آفرین همیشه درصدر باشی خانم...». بچه‌های من باخته و غمگین من را در آغوش کشیدند. هیچ‌کس به بچه‌های من «خسته نباشید» نگفت. به بچه‌های برنده هم «خداقوتی» گفته نشد؛ چون هدفشان فقط کم کردن ناراحتی همکارم بود که اشتباه هفته‌ی گذشته‌ی خودشان را جبران کنند. اینجا بود که هدف‌هایی که در مغز تک‌تک آن‌ها می‌گذشت، ناخواسته نمایان شد.

آن روز، روز تلخی برای من و شاگردانم بود. رسالت من معلم ایجاب می‌کرد جریان را به‌گونه‌ای دیگر برای آن‌ها جلوه دهم، درحالی‌که بغض گلویم را می‌فشرد و لب‌خند می‌زد، به آن‌ها گفتم: «بازی بردو باخت

با تیم مقابل همراهی می‌کردند. مدیر با مشت‌های گره‌کرده مدام بچه‌های آن کلاس را تشویق می‌کرد و می‌گفت: «آفرین بچه‌ها بکشید! شما برنده‌اید!» معاون از پشت بلندگو داد می‌زد: «آفرین تیم خانم... (اسم همکارم) همیشه برنده است.» دو نفر عضو انجمن اولیا هم از کلاسشان فیلم می‌گرفتند. انرژی که آن‌ها به بچه‌های تیم مقابل می‌دادند، داشت روحیه‌ی شاگردان من را تضعیف می‌کرد.

فقط به چهره‌ی معصومانه و بی‌پناه شاگردانم نگاه می‌کردم. چهار ستون بدنم می‌لرزید. دقیقا مثل مادری که جلوی چشمش فرزندان‌ش را اذیت می‌کنند و راه به جایی ندارند، درمانده و غمگین بودم.

من هم فقط از بالا و از روی سکو به آن‌ها نگاه و تشویقشان می‌کردم؛ ولی کافی نبود. بچه‌های من نتوانستند طاقت بیاورند؛ چون روحیه‌ی مناسبی نداشتند و از مرز رد شدند.

توپ آبگوشتی



اکرم ابرقونی
کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی،
معاون مدرسه‌ی ابتدایی، ناحیه‌ی یک قم

صبح یک روز سرد پاییزی بود. باران نم‌نم می‌بارید و بوی نفت بخاری و نم هوا در کلاس پیچیده بود. در حال گفتن املا بودم که شقایق پس از سه روز غیبت به‌همراه مادرش در زدند و وارد کلاس شدند. شقایق دخترکی لاغر و ریزنقش، با چهره‌ای زرد و بی‌حال بود. مادرش گفت: «برای معاینه‌ی قلب و انجام آزمایش چند روزی به‌قم رفته بودیم.» دستی به سر شقایق کشیدم و او را فرستادم که سر جایش بنشیند. مادرش بسیار نگران بود. با او به بیرون کلاس رفتم و از حال شقایق پرسیدم. گفت: «نظر دکتر اینکه که فعلاً چند ماه می‌تونه دارو مصرف کنه؛ ولی حتماً باید عمل بشه.» او را دل‌داری دادم. ناگهان اشک‌هایش سرازیر شد و گفت: «خانم، این چند روز که دکتر رفته بودیم، شقایق کارهایی می‌کرد که فکر من و باباش مشغول شده، البته کارهای بدی نیست. ما خوش حالیم که این‌طوری به‌نماز خوندن علاقه داره؛ اما دائم کتاب هدیه‌های آسمان را دستش می‌گیره یا وضو می‌گیره و نماز می‌خونه. درس‌های دیگه رو نمی‌خونه. خانم، شما نصیحتش کنید.» با مادر شقایق خدا حافظی کردم؛ ولی تمام ساعت حواسم به شقایق و دلیل رفتارش بود. تکلیف‌ها را دیدم. شقایق ننوشته بود.

وقتی زنگ تفریح خورد و همه‌ی بچه‌ها بیرون رفتند، او را صدا زدم و کنارش نشستم و گفتم: «شقایق جان، شنیدم که خیلی دوست داری نماز بخونی. من هم خوش‌حالم. پیش من یک جایزه‌ی خوب داری؛ ولی دخترم چرا تکلیف‌ها رو انجام ندادی؟ دوست‌نداری شاگردم‌تاز باشی؟» شقایق با بغضی که در گلو داشت، گفت: «خانم، خیلی دوست دارم شاگرد اول باشم؛ ولی شما خودتون اون هفته گفتید ما امسال به سن تکلیف می‌رسیم و باید نماز بخونیم» گفتم: «آفرین دختر باهوش!

نماز خوندن خوبه؛ ولی باید بقیه‌ی کارها رو هم انجام بدی. ما برای تشکر از نعمت‌های خدا نماز می‌خونیم و خدا به ما کمک می‌کنه.» حلقه‌ی اشکی که در چشم‌های شقایق بود، غلتید و روی صورتش جاری شد. پرسیدم: «چی شده دخترم؟ چرا گریه می‌کنی؟» گفت: «خانم، یادونه یه داستان تعریف کردید که وقتی تیر در پای حضرت علی (ع) رفته بود، موقع نماز خوندن تیر رو از پاش در آوردند و چون نماز می‌خوند و با خدا صحبت می‌کرد، دردهاش رو احساس نمی‌کرد. حالا خانم، من هم می‌خوام درست نماز بخونم و به دکترم بگم در حال نماز خوندن قلبم رو عمل کنه تا درد رو احساس نکنم و زود خوب بشم.» دیگر نتوانستم ادامه بدهم. به شقایق گفتم: «باشه، برو صورتت رو بشور.»

گریه امانم نداد. پشت میزم نشستم و از پنجره‌ی کلاس به آسمان ابری روستای دورافتاده‌ی علی‌آباد نگاه کردم و با خودم گفتم: «خدا یا، چقدر این بچه‌ها پاک و با صداقت‌اند! یک داستان در دل این کودک معصوم نفوذ کرده!» اشک‌هایم که از درون سینه می‌جوشید، هم شادمانی دلم را بیان می‌کرد که توانسته بودم با تدریس تأثیر مثبتی بر روحیه‌ی معنوی بچه‌ها بگذارم و هم یاد گل شقایق افتادم و اندوهی تمام وجودم را فرا گرفت. شقایق را همه‌ی بچه‌های کلاس دوست داشتند. او با وجود بیماری قلبی خیلی درس‌خوان و مهربان بود. همیشه زنگ ورزش شقایق برای آوردن وسایل ورزشی به حیاط پیشقدم می‌شد. سرگروه فعالی بود؛ اما از وقتی بیماری او بدتر شده بود، دیگر شور و حال نداشت.

دی‌ماه شد و ما هم مجبور بودیم، به‌خاطر سرمای هوا، زنگ ورزش به‌نماز خانه برویم. شقایق معافیت ورزشی داشت. گوشه‌ی نمازخانه می‌نشست و کتاب داستان می‌خواند. متوجه شدم بچه‌های دیگر هم می‌روند و دور شقایق حلقه می‌زنند. سوت زدم و گفتم: «بچه‌ها، چرا نشستید؟! سریع توی گروه‌های خودتون تمرین طناب‌زنی کنید.» مریم با اعضای گروهش جلو آمد و گفت: «خانم، خسته شدیم! همش طناب‌زنی؟! می‌خواهیم توپ‌بازی کنیم. می‌شه بریم توی حیاط؟ اینکه ورزش نیست، خسته شدیم توی نمازخونه؟!» گفتم: «مریم جان، هوا سرده، نمی‌شه بیرون رفت. سرما می‌خورد. اینجا هم نمی‌شه توپ‌بازی کرد. اگر خدای نکرده توپ بخوره به لامپ‌ها می‌شکنه، می‌ریزه روی سرتون.» بچه‌ها که از جواب من قانع



نشده بودند، با بی‌حالی رفتند گوشه‌ی نمازخانه و حرکت پروانه را تمرین کردند. به فکر فرو رفتم؛ از طرفی حال و روز شقایق و دلبستگی بچه‌ها به دوستشان و از طرف دیگر اینکه چرا بچه‌ها از زنگ ورزش لذت نمی‌برند و نشاط لازم را ندارند! زنگ تفریح در دفتر مدرسه نشسته بودم. همچنان در افکار خودم غرق بودم که مدیر مدرسه، خانم جلالی، نشست کنارم و گفت: «کجایی خانم معلم؟! با ما باش! به چی فکر می‌کنی؟ چرا حرف نمی‌زنی؟!» انکار منتظر بودم یکی از من سؤال کند. بلافاصله گفتم: «تو فکر بچه‌های کلاس‌م هستم. خیلی بی‌حال شدن. انکار درس و مدرسه رو دوست ندارن، حتی زنگ ورزش شاد نیستند!» خانم جلالی گفت: «خب، به نظرت چه کار کنیم؟ وسایل ورزشی بیشتری لازم دارید، بگیرم؟ می‌خواهی برای همه‌شون پوشش (کاور) ورزشی بخریم، حال و هواشون عوض بشه؟ راستی، قراره میله‌های زمین بازی حیاط را رنگ بزنیم. اداره هم بهمون تور والیبال می‌ده. تو که خودت مربیگری والیبال داری، این بچه‌ها خیلی بالاستعداد هستن. یادشون بده.»

از ذوق، خانم جلالی را بغل و از تشکر کردم. خیلی خوش حال شدم که می‌توانم کاری برای بچه‌ها انجام بدهم. وارد کلاس شدم. کلاس‌سومی‌ها در حال خواندن فارسی بودند و چهارمی‌ها اجتماعی می‌خواندند. با برپای نماینده، همه‌ی کلاس بلند شدند و یک‌صدا گفتند: «سلامم برررر شماااا، خانوووووم معلم بفرماااا» و نشستند.

مستقیم رفتم پای تخته و با گچ یک توپ والیبال کشیدم. گفتم: «بچه‌ها این چیه؟» همه باهم فریاد زدند: «توووووووپ» گفتم: «آفرین دخترای گلم، این توپ والیباله. فکر می‌کنید برای چی کشیدم؟» مریم که از همه حاضر جواب‌تر بود، گفت: «خانم، درس جدیدمون درباره‌ی توپه.» و همه خندیدند. گفتم: «بله درس جدیدته؛ ولی درس این زنگ نیست. یک خبر خوب دارم. قراره خانم مدیر توپ و تور والیبال بگیره و منم بهتون والیبال یاد بدم.» به یک باره همه‌ی بچه‌ها از روی نیمکت‌ها به هوا پریدند و جیغ زدند. به چهره‌ی خندان بچه‌ها نگاه کردم. از خوش‌حالی در پوست خودشان نمی‌گنجیدند.

وقتی سرجایشان نشستند، ادامه دادم: «یک خبر بهتر اینکه نزدیک عید که هوا گرم می‌شه، مسابقه والیبال داریم و هر تیمی برنده بشه، جایزه می‌گیره. براتون پوشش ورزشی هم می‌خریم.» کلاس پر شد از دست و جیغ و هورا. من هم



خیلی خوش حال بودم. دلم می‌خواست مثل بچه‌ها جیغ بزنم؛ ولی رفتم و پشت میزم نشستم. گفتم: «بریم سراغ درس امروز. هر سرگروه کلاس سوم برای خودش و اعضای گروه پنج کلمه بنویسد و جمله‌سازی کنید.» کتاب اجتماعی را باز کردم. آماده شدم برای تدریس درس جدید به کلاس چهارمی‌ها که نگاهم به شقایق افتاد.

سرش پایین بود و به دفترش نگاه می‌کرد. ناگهان یادم افتاد که شقایق نمی‌تواند ورزش کند؛ پس از این خبر هم خوش حال نشده است. تمام افکارم به هم ریخت. به دنبال راه‌حلی گشتم. به ذهنم رسید مسئولیتی به شقایق بدهم. گفتم: «بچه‌ها، یک نکته‌ی دیگه اینکه شقایق می‌شه کمک‌مربی من در کلاس والیبال.»

شقایق از جایش بلند شد و فریاد زد: «آخ جوووون!» بقیه‌ی بچه‌ها هم از خوش‌حالی برایش دست زدند. هر روز پانزده دقیقه قبل از نماز جماعت ظهر بچه‌ها را به نمازخانه می‌بردم و پنجه‌زدن کوتاه را

تمرین می‌کردیم. پاس بلند نمی‌شد انداخت، سقف کوتاه بود و احتمال داشت لامپ‌ها بشکنند. چون بچه‌ها در نمازخانه بودند و ورزش می‌کردند و سر حال می‌شدند، خودشان مشتاقانه سجاده‌ها را می‌انداختند و نماز ظهر و عصر را با امام جماعت می‌خواندند.

بعد از نوبت اول، سرمای هوا کمتر شد. بعضی روزها که هوا آفتابی بود، به حیاط می‌رفتم و در زمین والیبال تمرین می‌کردیم. تور والیبال هم رسید و با شور و شوق بچه‌ها که دور میله حلقه زده بودند، تور را وصل کردم. زنگ آخر روزهای زوج که بقیه‌ی کلاس‌ها ورزش نداشتند. تمرین پاس کاری و پنجه‌زدن می‌کردیم. اوایل اسفند ماه آقای صبحی، مستخدم مدرسه، مشغول بیل‌زدن باغچه‌های حیاط بود. من با بچه‌ها در حال تمرین سرویس‌زدن بودیم. زهرا پشت خط ایستاد که سرویس بزند. او دختری تپل و قدبلند، از لحاظ درسی ضعیف و کلاس چهارم را مردود شده بود؛ اما دختری پرهیجان و ورزشکار بود. زهرا گفت: «خانم، می‌خوام سرویس بزنم بره تا کره‌ی ماه...! بچه‌ها خندیدند و گفتند: «الان که ماه نیست. بزن بره تا خورشید...!» زهرا تمام قدرتش را در میچ دستش جمع

کرد و زدن توپ. شقایق که کمک‌مربی بود، پشت خط پایان زمین درست نقطه‌ی مقابل زهرا ایستاده بود که دیدیم توپ اوج گرفت و از بالای سر شقایق رد شد. از دیوار مدرسه هم گذشت و ناپدید شد. همه جیغ کشیدند. مریم گفت: «خانم، رفت کره‌ی ماه!!!» همه خندیدند. گفتم: «ای وای! زهرا چه کار کردی؟ توپ رفت خونه همسایه» بچه‌ها دور زهرا جمع شدند و همچنان می‌خندیدند که ناگهان صدای در حیاط مدرسه آمد. یک نفر با لگد داشت در را از پاشنه در می‌آورد. آقای صبحی با آرامش رفت و در را باز کرد.

حاج عیسی با توپ نارنجی‌رنگ چرب‌شده‌ای وارد حیاط شد. روی پیراهنش هم لکه‌های چربی غذا بود. خیلی عصبانی به من نگاه کرد و گفت: «خانم معلم، ما از دست شما آسایش نداریم. به امروز ما زودتر اومدیم خونه با زن و بچه‌مون توی بهار خواب ناهار بخوریم. ما تا در قابلمه را باز کردیم، توپ شماها افتاد توی قابلمه. بیا ببین خانم معلم چه وضعی شده، همه‌ی آبگوشت پخش شده توی سفره، این هم وضع لباسونه...!»

حاج عیسی با هیجان و ناراحتی داشت تعریف می‌کرد و بچه‌ها ریز می‌خندیدند. من هم از خجالت سرم را پایین انداختم تا حرف‌هایش تمام شود و برایش توضیح بدهم که بچه‌ها تازه کار هستند و از قصد این کار را نکرده‌اند که شقایق شروع کرد به خندیدن و گفت: «توپ آبگوشتی! شاید توپمون گرسنه بوده، رفته ناهار بخوره!»

از این حرف شقایق همه‌ی بچه‌ها مثل بمب منفجر شدند و بلندبلند خندیدند. حتی حاج عیسی هم خنده‌اش گرفت. من هم از فرصت استفاده کردم و گفتم: «حاج آقا شرمند، بچه‌ها تازه والیبال یاد گرفتند. اشتباه کردند. بزرگواری کنید، ببخشید، دیگه قول می‌دن تکرار نشه.» بچه‌ها همه با هم پشت سر من گفتند: «ببخشید، دیگه تکرار نمی‌کنیم. توپمون رو بدید.» حاج عیسی با لبخندی که روی لب داشت، توپ را به بچه‌ها داد و گفت: «بباید این هم توپ آبگوشتی شما، به توپتون بگید دیگه گرسنه شد، بی‌اجازه نیاد خونه مردم غذا بخوره.»

همه خندیدیم و با هم برگشتیم به زمین بازی و آقای صبحی، حاج عیسی را بدرقه کردیم. آن روز خیلی درس یاد گرفتیم؛ تربیت بدنی، مهارت زندگی، خوش‌اخلاقی و دوستی و مهربانی... بچه‌ها پر نشاط بودند و مدرسه برایشان لذت‌بخش و دلپذیر شده بود. از همه مهم‌تر شقایق، شاداب و سر حال بود.



قصه‌های رشد

نگاهی کوتاه به قصه‌درس‌های مجلات کودک، نوآموز و دانش آموز



محمدرضا رشیدی
عضو شورای برنامه‌ریزی مجلات رشد
دانش آموزی دوره ابتدایی

قصه‌درس‌های مجله‌ی رشد کودک دی‌ماه

در شماره‌ی دی‌ماه مجله‌ی رشد کودک، بر اساس بودجه‌بندی کتاب فارسی پایه‌ی اول، برای درس‌های نهم تا دوازدهم، چهار داستان نوشته شده و سعی شده است تا کلمات مربوط به آن درس، در هر داستان پرتکرار باشد. مانند شماره‌ی قبل، هر داستان در شش قاب با شش تصویر مجزا طراحی شده است که فضای مجله را تا اندازه‌ای به فضای کتاب‌های داستان نزدیک می‌کند. این امر فرایند کل‌خوانی را هم برای دانش‌آموز، برای یادگیری، و هم برای

معلم، برای یاددهی، آسان می‌کند. در شروع فرایند کل‌خوانی، ابتدا از بچه‌ها می‌خواهیم تا از روی شش تصویر داستان، اسم و ماجرای داستان را حدس بزنند و آن را بیان کنند. بعد از آن، معلم و بچه‌ها داستان را در چندین نوبت می‌خوانند. در هر دور خواندن، می‌توان توجه بچه‌ها را به کلمات هدف جدید جلب کرد و بعد از خواندن داستان، بازی‌هایی را با استفاده از کارت‌های کلمات هدف انجام داد تا یادگیری کلمات هدف در ذهن دانش‌آموزان تثبیت شود.

داستان اول: ورزشکارهای عجیب

بابا گفت: «بچه‌های ورزشکار آماده باشید!» داستان با این جمله شروع می‌شود و بعد از آن، بچه‌ها با همراهی بابا و مامان کلی ورزش‌های متعدد را همراه با بازی و نشاط

انجام می‌دهند؛ بازی‌هایی مثل شنای اردکی و پرش لک‌لکی و... این داستان بر مبنای کلمات هدف درس نهم که دو نشانه یعنی «ک» و «و» را آموزش می‌دهد، نوشته شده است. کلمات هدف این دو نشانه که نویسنده بر مبنای تکرار آن‌ها داستان را نوشته است، عبارت‌اند از: کیوتر، اردک، گنجشک، لک‌لک، کندو، کبک، داور، ورزشکار، سوارکار، دوند و وزنه‌بردار.

داستان دوم: جنگل سبز

سما دوست دارد مانند پروانه و پرستو پرواز کند. دارا دوست دارد با هواپیما پرواز کند. با هم کمی جروبخت می‌کنند. بابا می‌آید و می‌گوید که قرار است به جنگل بروند. در جنگل بچه‌ها یک گوزن می‌بینند. این داستان بر مبنای کلمات هدف درس دهم که دو نشانه‌ی «پ» و «گ» را آموزش می‌دهد، نوشته شده است. کلمات هدف این دو نشانه که نویسنده بر مبنای تکرار آن‌ها داستان را نوشته است، عبارت‌اند از: پر، پرستو، پروانه، هواپیما، پا، توپ، گرگ، گوزن و جنگل.

داستان سوم: یک روز برفی

«برف می‌بارید. دارا و سما و کتابچه رفتند برف بازی...». در این داستان، دارا و سما در کنار پرتاب گلوله‌های برفی تصمیم می‌گیرند خرگوش برفی درست کنند. با ورود ملخی به داستان و جیغ بلند سما، داستان وارد قسمت جدیدی می‌شود.

این داستان بر مبنای کلمات هدف درس یازدهم که دو نشانه‌ی «ف» و «خ» را آموزش می‌دهد، نوشته شده است. کلمات هدف این دو نشانه که نویسنده





بر مبنای تکرار آن‌ها داستان را نوشته است، عبارت‌اند از: کیف، آدم، برفی، کفش، برف، ملخ، خرگوش، درخت و شاخه.

داستان چهارم: بلبل زخمی

همه چیز عادی بود تا اینکه بلبلی

زخمی محکم به شیشه‌ی پنجره خورد. تمام اعضای خانواده بسیج می‌شوند تا به این بلبل زخمی کمک کنند، حتی کوچولو...

این داستان بر مبنای کلمات هدف درس دوازدهم که دو نشانه‌ی «ق» و «ل» را آموزش می‌دهد، نوشته شده است.

قصه درس رشد نوآموز دی ماه

در شماره‌ی قبل، دیدیم که مادر آیه و آرمان سرما خورده بود و بچه‌ها برای درست کردن آش چغندر، سوار بر کشتی جدشان، وارد جزیره‌ی جمع و تفریق شدند و بعد از پشت‌سر گذاشتن اتفاقات آنجا به جزیره‌ی دانایی رفتند، در جزیره‌ی دانایی هم بعد از برنده‌شدن در مسابقه‌ی «پیام رمز را پیدا کن»، تمام مواد آش را به دست آوردند. حالا در این شماره بچه‌ها وارد جزیره‌ی دوره‌می می‌شوند و...

مفاهیمی که در قصه درس نوآموز دی ماه به کار رفته است، به این شرح است: درس «چرا با هم همکاری می‌کنیم؟» از کتاب اجتماعی پایه‌ی سوم، درس «بانوی قهرمان» از کتاب هدیه‌های آسمان پایه‌ی سوم و درس «از بزرگ‌ترها قدر دانی کنیم»، از کتاب اجتماعی پایه‌ی سوم.

قصه درس رشد دانش آموز دی ماه

در شماره‌ی دی ماه رابی‌را، حلزون ماجراجوی قصه درس ما که از طرف پدربزرگش مأموریت رساندن دانه‌های شفا بخش به قله‌ی قاف دارد، بعد از خداحافظی با کلاغ، زودحرف، با ترس و لرز، وارد جنگلی شد که برای رسیدن به کوه قاف باید از آن عبور می‌کرد. رابی‌را در جنگل روباهی را می‌بیند که در تله‌ی توری گیر کرده است و...

مفاهیمی که در قصه درس رشد دانش آموز دی ماه به کار رفته است، به این شرح است: درس «انرژی را بهتر مصرف کنیم» (مقایسه انواع انرژی‌ها) از کتاب مطالعات اجتماعی پایه‌ی ششم، درس «پیام قرآنی» (صفحه‌ی ۳۸) از کتاب قرآن پایه‌ی پنجم، درس «تقارن‌ها، زاویه و نیمساز» (فصل چهارم) از کتاب ریاضی پایه‌ی پنجم، درس هفتم «چه خبر؟ ۲» از کتاب علوم پایه‌ی پنجم، درس «آهن‌ربا در زندگی» از کتاب علوم پایه‌ی چهارم، درس «ورزش و نیرو ۲» (اصطکاک) از کتاب علوم پایه‌ی ششم و شعر بخش «هم‌خوانی کنیم» (درس دهم) از کتاب هدیه‌های آسمان پایه‌ی ششم.



فوتبال تن به تن

سیدرضا تولایی زاده
آموزگار پایه‌ی سوم ابتدایی

دو تیم اول برای پنج دقیقه بازی را شروع کردند. آقای هاشمی هم میان تیم‌های منتظر نشست و بازی را تماشا کرد. بچه‌ها کاملاً حواسشان به بازی بود و جدی‌تر از بازی‌های تیم ملی به قوانین اهمیت می‌دادند. طوری که آقای هاشمی با خودش گفت: «ای کاش در کلاس ریاضی هم همین‌طور بودند!»

اما هنوز بازی گرم نشده بود که سرایدار مدرسه دوان‌دوان به حیاط آمد و گفت: «مینی‌بوس‌های اردوی کلاس سوم تا یه ربع دیگه میان توی حیاط.» با گفتن این جمله داد و هوار بچه‌ها به هوا رفت. همه وارد بازی شدند. تیم‌ها قاطعی شدند و شلم‌شوربایی شد که نگو و نپرس! بعضی‌ها مدام تیمشان را عوض می‌کردند. حیدری می‌خواست تمام کارت‌هایش را خرج کند که با اعتراض بچه‌ها روبه‌رو شد و از بازی بیرون رفت. یآوری لباسش پاره شد و برای اولین بار گریه کرد. یوسفی در انتظار پاس به دروازه‌ی تیم مقابل چسبیده بود. انتظاری با قندهاری سر خطای سعیدی دعا داشت. درفضی و اسدی یواشکی رفتند سراغ درخت شاتوت مدرسه و مشغول خوردن شدند. صنوبری همه را به آرامش دعوت می‌کرد. گلشهری دنبال راهی بود تا با عرب آشتی کند. زواری و پورآسادست در گردن هم دور حیاط می‌چرخیدند. تقوی، خبازی، تابش، شاه‌حسینی، حوری، علامه، حاجیان، کرمانی، ملکی‌نسب، مختاری، خضربی، طباطبایی و میرحیدری همچنان مشغول بازی بودند و برای زدن گل، خودشان را به آب و آتش می‌زدند. آقای هاشمی هم به وسط زمین رفت تا سروسامانی به بازی بدهد که یک‌دفعه سروکله‌ی بچه‌های کلاس سوم پیدا شد و بی‌اجازه وارد زمین شدند. آن‌ها کمی زودتر به حیاط آمده بودند جمعیت از مرز چهل نفر گذشت و زمین بازی مانند میدان جنگ تن‌به‌تن شد.

این بار آقای هاشمی می‌خواست سوت بزند و بازی را تمام کند که دید دختر کوچولوی سرایدار مدرسه «بابا بابا» می‌کند و به طرف زمین بازی می‌آید. بنده‌ی خدا از ترس نصف جان شد و با سرعت به طرف دخترک دوید که ناگهان پایش روی توپ رفت. با صورت زمین خورد و نزدیک بود زیر دست‌وپای بچه‌ها حرف بدی بزند که خوشبختانه خدا به دادش رسید. توپ قدیمی مدرسه ترکید و بازی تمام شد.

بعد هم مینی‌بوس‌ها آمدند. ورزش تشویقی تمام شد و معلم نگون‌بخت، با عینک شکسته، صورت زخمی، پشتمی خمیده و لنگان‌لنگان به دفتر مدرسه رفت.

هوا بالاخره صاف و آفتابی شد. چند روزی بچه‌ها بازی درست و حسابی نداشتند و کلاس‌های ورزش تقریباً تعطیل بود؛ برای همین تا آقای هاشمی وارد کلاس شد، حوری مثل فنر از جایش پرید و شعار «تشویقی تشویقی» سر داد. طولی نکشید که بچه‌ها با او یک‌صدا شدند و فریاد «تشویقی تشویقی» کل مدرسه را پر کرد. آقای هاشمی که خوب می‌دانست بچه‌ها چه فکری در سر دارند، نزدیک در کلاس ایستاد و برای چند لحظه به دوران کودکی رفت. به یاد بازی‌های زیبای هفت‌سنگ، قایم باشک، گرگم به هوا، یه‌قل‌دوقل و... افتاد و حسابی داشت لذت می‌برد که علامه دستش را تکان داد و با خوش‌رویی گفت: «کجایی آقا؟» وقتی به‌سختی از این سفر به‌یادماندنی برگشت، احساس بچه‌ها را بهتر درک می‌کرد و نگاهی به چشمان پرامید بچه‌ها کرد و گفت: «باشه.»

هوراکشیدن‌ها شروع شد و با جملات «شما خیلی خوبین، بهترین معلمین، دستتون درد نکنه.» هندوانه‌های بزرگی زیر بغلش گذاشتند؛ اما معلوم نبود اگر اجازه‌ی بازی نمی‌داد، به جای دعا، چه آرزوهای وحشتناکی به آسمان می‌رفت. آقای هاشمی که با این تعریف‌ها دیگر راه برگشتی نداشت، ادامه داد: «فقط یکی بره از آقای جعفری (معاون مدرسه) سؤال کنه این ساعت، حیاط خالیه یا نه.» بلافاصله نپاوندی و خضربی داوطلب شدند. با سرعت

نور بیرون رفتند و با خبر خوش برگشتند و چند ثانیه بعد همه در حیاط آماده‌ی یارکشی بودند.

چهار تیم درست شد و زواری، کرمانی، مختاری و ملکی‌نسب به مقام سریاری (کاپیتانی) رسیدند. حیدری با کارت‌های زرد و قرمزش آماده‌ی داوری شد و با «هر کی تک بپاره، بازی می‌کنه» قرعه‌کشی کرد.





دست‌های کوچک، همت‌های بلند

چند روز پیش‌تر به اول مهر نمانده بود. به عنوان مدیر مدرسه باید روی آماده‌سازی فضای فیزیکی مدرسه نظارت می‌کردم؛ اما مشکلی بزرگ دامنگیر مدرسه‌ی ما شده بود. همکار خدمتگزار مدرسه‌مان گرفتار پادرد شدیدی شده بود و کار سنگین نمی‌توانست انجام دهد. من مانده بودم و یک دنیا کار. دل را به دریا زدم و کار را شروع کردم که گل‌پسرهای خویم علیرضا، محمدحسین، سجاد به کمکم آمدند. اول فکر کردم کمی که بگذرد، خسته می‌شوند و کار را رها می‌کنند؛ اما خیلی مصمم و بااراده پشت هم ایستادند، مادران خود را هم به کمک آوردند و با تلاش جمعی، کاری کردند کارستان!

پروانه بهمنی، مدیر مدرسه‌ی ابتدایی، اصفهان

اخلاق مادر؛ اخلاق فرزند

مادر است که فرهنگ و معرفت
و تمدن و ویژگی‌های اخلاقی
یک جامعه را با جسم خود،
با روح خود و با رفتار خود،
دانسته و ندانسته به فرزند
منتقل می‌کند.

ولادت حضرت
صدیقه طاهره (س)
و روز مادر مبارک باد

۸۴/۵/۵
رهبرانقلاب